www.maktabestan.ir

یوهان کریستف فریدریش شیلر: (۱۸۰۵ — ۱۷۵۹ م.) از شعرای بزرگ آلمان است. برخی وی را با گوته شاعر بزرگ آلمانی برابر می‌دانند.

فرانسوا کوپه: (۱۹۰۸ — ۱۸۴۲ م.) شاعر و درام‌نویس فرانسوی است.

برفورد اندیشه‌ها: نوشته جواد حدیدی می‌باشد.

تریللو: شاعر ایتالیایی نویسنده‌ی «قطرات سه‌گانه» که آن را یوسف اعتصام‌الملک ترجمه نموده است.

رابیندرانات تاگور: (۱۹٤۱ – ۱۸٦۱ م.) شاعر بزرگ هندی است. در کلکته به دنیا آمد و دو بار به انگلستان سفر کرد و به نهضت آزادی میهن خویش پیوست. او مفتخر به دریافت جایزه‌ی نوبل ادبی است.

نظامی گنجه‌ای: شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم قمری است. خمسه یا پنج گنج او عبارتند از: «مخزن الاسرار» ، «خسرو و شیرین» ، «لیلی و مجنون» ، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه».

خوارزمشاه، محمّد: سلطانی که در برابر حمله‌ی چنگیز به جزیره‌ی آبسکون فرار و در آن‌جا درگذشت.

حمیدی ، مهدی: (۱۳٦٥ – ۱۲۹۳ هـ . ش.) شاعر توانای معاصر بوده است.

قابوس‌نامه: اثر عنصرالمعالی کیکاووس که در سال (٤۷٥ هـ . ق.) در ۲٤ باب برای نصیحت فرزندش گیلانشاه نوشته است. ویژگی کتاب سادگی و جاذبه داستانی و وسعت اطلاعات آن است.

فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی: اثر دکتر غلامعلی حداد عادل نویسنده معاصر است.

زرین‌کوب ،عبدالحسین: محقق و نویسنده‌ی معاصر، متولد ۱۳۰۱ در بروجرد و آثاری چون «نقد ادبی، با کاروان حله ، بحر در کوزه ، سرّنی ، با مداد اسلام و از چیزهای دیگر» دارد.

سهراب سپهری: (۱۳۵۹ – ۱۳۰۷ هـ .ش.) اهل کاشان، شاعر، نقاش معاصر و نویسنده‌ی کتاب «اتاق آبی» می‌باشد.

عطا ملک جوینی: عطا ملک جوینی (٦۸۱ — ٦۲۳ هـ . ق.) نویسنده‌ی تاریخ جهان‌گشای جوینی می‌باشد؛ که این کتاب شرح وقایع تاریخی قرن هفتم هجری و حمله‌ی مغول به سرزمین ماست.

فردوسی ، ابوالقاسم: نویسنده‌ی کتاب شاهنامه، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای ایرانی می‌باشد که بین سال‌های (٤۱٦ – ۳۲۹ هـ . ق.) می‌زیسته است و در سال (۳۷۰ هـ . ق.) نظم شاهنامه را شروع نمود. این کتاب که نگارش آن سی سال طول کشید را می‌توان به سه بخش اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم نمود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

سمک عیار: داستان سمک عیار نوشته‌ی فرامرز بن خداداد کاتب ارجانی یکی از قدیمی‌ترین بازمانده‌های داستان‌پردازی به شیوه‌ی نقالی و سخنوری در ادبیات فارسی است.

این کتاب در قرن ششم یا هفتم هجری نگارش یافته است. وجود نام‌های ایرانی بسیار در این کتاب حکایت از ایرانی بودن داستان سمک عیار می‌باشد.

سمک که با وجود کوچکی اندام مظهر دلیری و جوانمردی در خدمت خورشیدشاه ، پسر پادشاه حلب است و داستان کتاب حول تلاش سمک برای برآوردن خواست‌های شاه و فرزندش می‌باشد.

هفت پیکر: کتابی است به نوشته‌ی نظامی گنجوی.

مثنوی معنوی: کتابی است ادبی و عرفانی به نوشته مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ — ۶۰۴ هـ . ق.) که در آن بیست‌وشش‌هزار بیت در شش دفتر فراهم شده است.

دانشور ، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل‌احمد.

مثل چشمه ، مثل رود: اثر قیصر امین‌پور می‌باشد و حال و هوای فضای تاریک قبل از انقلاب را ترسیم می‌کند.

آوینی ، مرتضی: فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی سوره بود. متولد (۱۳۲۶ هـ . ش.) و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکه شهید شد. آثارش مجموعه‌های تلویزیونی «خان گزیده‌ها ، حقیقت ، روایت فتح ، و سراب» می‌باشد.

ریشه در ابر: اثری است از محمدرضا عبدالملکیان.

دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال ۱۲۵۸ هـ . ش. در تهران متولد شد. با یاری دوستش میرزا جهانگیرخان روزنامه‌ی «صوراسرافیل» را منتشر کرد. وی مقالات خود را با نام «چرند پرند» و امضای «دخو» در روزنامه‌ی صوراسرافیل منتشر می‌کرد. وی مولف اولین لغت‌نامه‌ی فارسی است. او در سال ۱۳۳٤ هـ . ش. در تهران درگذشت

عارف قزوینی، ابوالقاسم: (۱۳۵۳ — ۱۳۰۰ هـ . ش.) شاعر و تصنیف‌ساز مشروطه است. وی از شانزده سالگی به شعر روی آورد و مورد توجه مظفرالدین شاه بود.

مراغه‌ای، زین‌العابدین: نویسنده‌ی «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ» و در دوره‌ی ۱۲۵۵ تا ۱۳۲۸ هـ ق. می‌زیسته است. این کتاب بیانگر اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است و قهرمان داستان آن ابراهیم بیگ فرزند یکی از تجار آذربایجان است.

بهار، محمدتقی: شاعر آزادی (۱۳۳۰ — ۱۲٦٦ هـ . ش.) در مشهد به دنیا آمد و نزد محمد کاظم صبوری ملک‌الشعرای آستان قدس، ادب آموخت. وی روزنامه‌های «خراسان» و «نوبهار» را منتشر کرد. سپس به استادی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران رسید.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

قبادیانی، ناصر خسرو: (۴۸۱ – ۳۹۴ هـ . ق.) حکیم، شاعر و جهانگرد ایرانی است. در چهل سالگی از خواب غفلت خود برخواست و سفری هفت ساله را آغاز کرد. اثر وی «سفرنامه‌ی ناصر خسرو» می‌باشد.

پرستو درقاف: سفرنامه‌ی حج «علیرضا قزوه» متولد ۱۳۴۲ است.

کلر ، هلن: زن نابینا و کرولالی بود که در ۲۴ سالگی به اخذ درجه‌ی لیسانس نایل آمد.

اقبال لاهوری، محمد: (۱۳۱۶ – ۱۲۵۰ هـ . ش.) شاعر و متفکر پاکستانی است. وی تحصیلات خود را در فلسفه و حقوق در انگلستان و آلمان تکمیل کرد. وی در استقلال پاکستان نقش مهمی داشت.

صفا، محمد ابراهیم: شاعر معاصر افغانستانی متولد (۱۲۸۵ هـ . ش.) در کابل است. دیوان اشعار او «نوای کوهسار» است.

عبید رجب: شاعر معاصر تاجیک می‌باشد.

آب زنید راه را

آب زنیـــــــد راه را هین که نگار می‌رســـد — مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد

راه دهیـــــد یار را، آن مـــــــه ده چهار را — کز رخ نوربخش او نور نثار می‌رسد

چاک شده‌ست آسمان ، غلغله‌ای ست در جهان — عنبر و مشک می‌دمد، سنجق یار می‌رسد

رونق باغ می‌رســـــد، چشـــم و چراغ می‌رسد — غم به کناره می‌رود، مه به کنار می‌رسد

تیـــــر روانه می‌رود، ســـــوی نشانه می‌رود — ما چه نشسته‌ایم پس؟ شه ز شکار می‌رسد

باغ ســـــــلام می‌کند، سرو قیـــــام می‌کند — سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

خـــــلوتیان آســـمان تا چه شراب می‌خورند! — روح خراب و مست شد، عقل خمار می‌رسد

چون برسی به کـــوی ما، خامشی است خوی ما — زان که ز گفت‌وگوی ما، گرد و غبار می‌رسد

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

گفتم غم تو دارم ...

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید — گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز — گفتا ز خوب‌رویان این کار کم‌تر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم — گفتا که شب‌روست او از راه دیگر آید
گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد — گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد — گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید
گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت — گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید
گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد — گفتا مگوی با کس تا وقت آن در آید

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سرآید
گفتا خموش «حافظ» کاین غصّه هم سرآید

هر جا که تویی تفرّج آن‌جاست

بوی گل و بانگ مرغ برخاست — هنگام نشاط و روز صحراست
فرّاش خزان ورق بیفشاند — نقّاش صبا چمن بیاراست
ما را سر باغ و بوستان نیست — هر جا که تویی تفرّج آن‌جاست
گویند نظر به روی خوبان — نهی است، نه این نظر که ما راست
در روی تو سرّ صنع بی‌چون — چون آب در آبگینه پیداست
هر آدمی ای که مهر مهرت — در وی نگرفت سنگ خاراست
روزی تر و خشک ما بسوزد — آتش که به زیر دیگ سوداست
نالیدن بی‌حساب سعدی — گویند خلاف رأی دانا‌ست
از غرقه‌ی ما خبر ندارد — آسوده که بر کنار دریاست

تو را من چشم در راهم ...

تو را من چشم در راهم شبا هنگام
که می‌گیرند در شاخِ «تلاجن» سایه‌ها رنگ سیاهی
وزان دل خستگانت راست اندوهی فراهم؛
تو را من چشم در راهم.
شباهنگام در آن دم، که برجا، دره‌ها چون مرده ماران خفتگان‌اند؛
در آن نوبت که بندد دست نیلوفر به پای سرو کوهی دام
کرم یادآوری یا نه، من از یادت نمی‌کاهم؛
تو را من چشم در راهم

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آ

آخُره: چنبره کردن

آخرین: ستایش

الف

ابتر: ناقص، دم بُریده

ابدال: مردان کامل

اجانب: جِ اجنبی، بیگانگان

اُخت: مأنوس، اخت‌شدن: مأنوس شدن (عامیانه)

اختر: ستاره (در متن درس دوم به معنای طالع و بخت و اقبال است.)

اختیار کردن: برگُزیدن

اذکار: به یاد کسی آوردن

ارتزاق: روزی خوردن

ازدحام: انبوهی (بسیاری جمعیت)

ازرق شامی: یکی از سردازان لشکر عمربن‌سعد در واقعه‌ی کربلا، نماد خباثت

ازهار: جِ زَهر، شکوفه‌ها

استر: قاطر

استماع: شنیدن

استیفا: تمام گرفتن

اسلیمی: شکل تغییر یافته‌ی کلمه‌ی اسلامی، طرح‌هایی مرکب از پیچ‌وخم‌های متعدّد که شبیه عناصر طبیعت هستند.

اُسوه: پیشوا، نمونه‌ی پیروی، سرمشق

اِشاعه: پراکنده ساختن، گسترش دادن

اشباه: جمعِ شِبه، مانندها

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

اَشرف: جِ شریف، مردان بزرگ‌قدر

اعتدال: میانه‌روی، برابر شدن

اعتکاف: گوشه‌نشینی برای عبادت

اُعجوبه: مایه شگفتی بسیار

اعزاز: گرامی داشتن

افسر: تاج

اقبال: بخت و طالع، بهروزی و نیک‌بختی، به اقبال تو: به فرخندگی بخت تو

اِکرام: بزرگ‌داشت

امارت: سلطنت، پادشاهی، حکومت

انتزاعی: ذهنی، آنچه در عالم خارج وجود ندارد و ساخته‌ی ذهن آدمی است.

ایدون: چنین، چنان

ب

باره: اسب

بازِ پس: به پشت

بخشایندگی: چشم‌پوشی از گناه

بَدر: نام نخستین غزوه‌ی پیامبر (ص) با کفار بین مکه و مدینه

بدسگالی: براندیشی، دشمنی، بدخواهی

بر اثر: به دنبال

برخوردار: بهره‌ور

برنشستن: سوار شدن

برپای بود: ایستاده بود

بَط: مرغابی

بِعینه: عیناً، مانند

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

بُنشن: خواروبار، از قبیل نخود و لوبیا و عدس

بیت‌الحَزَن: خانه‌ی غم، ماتمکده

بیرنگ: نمونه و طرحی که نقّاش به صورت کم‌رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ‌آمیزی می‌کند، طرح اوّلیّه

بیغوله: کنج، گوشه‌ای دور از مردم

بیگار: کار بی‌مزد

پ

پالهنگ: ریسمان و بند، یوغ

پایاب: جایی از رودخانه که بتوان از آن گذشت، بی‌پایاب: بی‌گدار

پَتَل پُرت: تلفّظ عامیانه‌ی پطرز بورغ، پطرزبورگ، نام شهری در روسیه

پلاس: جامه‌ای پشمینه و ستبر که درویشان پوشند، نوعی گلیم

پندنیوش: پندشنو، پندپذیر، نیوشیدن: شنیدن

پیمود: پیمانه کرد، در جام ریخت، شراب پیمودن: آشامیدن یا نوشاندن شراب

ت

تازی: عرب، زبان تازی: زبان عربی

تازیک: (لفظی است ترکی) غیر ترک به ویژه فارسی‌زبانان را گویند.

تأنی: آهستگی

تباه: فاسد، خراب، تباه کردن چشم: کور کردن

تَبَختُر: به ناز خرامیدن، تکبّر

تجلّی: آشکار شدن، جلوه کردن

تُخمه: نژاد

تذکره: یادداشت، زندگی‌نامه‌ی شعرا و دانشمندان

تسلاّ (تسلّی): آرامش یافتن، بی‌غمی

تصنّع: خودآرایی، ظاهرسازی

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تکلّف: رنج برخود نهادن، خودنمایی و تجمّل

تلاجن: درختی است جنگلی

تمتّع: برخورداری، بهره‌مندی

تمجید: ستایش، بزرگداشت

تمکین: احترام، بزرگداشت

تنگ: بار، تنگ شکر: بار شکر

توتیا: سرمه

ج

جاپن: ژاپن

جزمیّت: استوار بودن، قطعی بودن

جلبات: چادر زنان، پرده

جَلّ جلاله: بزرگ است شکوه او (خدا)

جُنود : جِ جُند، لشکریان، سپاهیان

جولقی: ژنده‌پوش و گدا

جیره: مقدار معدود از مواد غذایی که به صورت مقرّری به کسی یا کسانی دهند.

جیفه: لاشه، مُردار، جیفه‌ی دنیا: مجازاً مال و منال دنیا

ح

حاجب: پرده‌دار، دربان

حاذق: ماهر، چیره‌دست

حمایل کردن: آویختن از گردن یا شانه

حُنَین: نام یکی از غزوات پیامبر بزرگ اسلام (ص) است که در سال هشتم هجرت در محلّی بین طائف و مکّه به همین نام صورت گرفته است.

خ

خُبث: پلیدی، خبث طینت، بدجنسی

خِتام: آخرکار، فرجام

خدمت کردن: تعظیم کردن، کرنش کردن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خَرَمه: جِ خادم، خدمتکاران

خطیر: بزرگ، مهم

خِلعت: جامه‌ای که به بزرگی به کسی بخشد

خوان: سفره

خود: کلاه جنگی

خور: زمین پست، شاخه‌ای از دریا

خوش‌گوار: گوارا، مطابق میل

خوی: عرق، آبی که از چهره و پوست بدن تراوش کند.

خیراندیش: خیرخواه

خیرالانام: بهترین مردم، لقب پیامبر (ص)

د

دادار: آفریننده، خالق جهان

دارالاماره: جایگاه فرمانروایی، پای تخت

داستان‌پردازی: داستان‌سرایی، قصه‌گویی

دبیر: نویسنده

درخور: بایسته، لازم، درخورنده: لایق، سزاوار

درجه: پایه، مرتبه

درنوردیده: درهم پیچیده

دستار: پارچه‌ای که به سر بندند

دَستان: زال، پدر رستم

دستگاه: قدرت، غلبه

دشنه: خنجر

دلق: جامه‌ای پاره‌پاره، صاحب دلق: ژنده‌پوش

دلاک: کیسه‌کش حمام، مشت و مال‌دهنده

دَلَمه: بسته شدن مایعات، خون لخته‌شدن

دم‌زدن: نفس‌زدن، سخن گفتن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

دنائت: پستی، کم همّتی

دهنده: خداوند بخشنده

دَین: وام

ذ

ذی‌حیات: جان‌دار

ر

راست‌وریس: همواره کردن، مرتب کردن (عامیانه)

رایت: بیرق، عَلَم

رُعب: ترس، دلهره

رعیّت: مردم زیردست فرمانروا

رَغم: به رغم کسی: بر خلاف میل او

رُقعه: نامه

رندانه: زیرکانه

رُنسانس: دوره‌ی تجدد، تجدید حیات علمی و ادبی در اروپا

رهوار: تندرو (صفت اسب)

ز

زاد: توشه

زربفت: بافته شده از رشته‌های طلا

زرینه: وسایل ساخته شده از طلا، طلایی

زُفان: زبان

زُفت: لئیم، ممسک، زفتی: لئیمی، بخیل بودن

زنده پیل: فیل بزرگ و خشمگین

زمام: مهار، عنان

زمانه: اجل، مرگ

زنهار: امان دادن، امان

زیب: آرایش، زیبایی

زینهار: امان، زینهار دادن: امان دادن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

س

سام: پدر زال، جد رستم

سَبُک: سریع، فوراً

ستیزه: دشمنی، جدال

سخنوری: سخن‌گویی، سخن‌رانی

سماجت: اصرار، پافشاری، بی‌شرمی

سوداگر: مشتری، خریدار و فروشنده

سوله: سالن‌های بزرگ و بدون ستون میانی با سقف شیب‌دار که برای انبار یا کارخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیماب‌گون: به رنگ جیوه، سیماب: جیوه

سیمینه: وسایل ساخته شده از نقره، نقره‌ای

ش

شب‌روی: شب‌گردی، عیّاری، راهزنی

شبیخون: حمله‌ی ناگهانی در شب

شدّت: سختی

شفق: سرخی آسمان بعد از غروب آفتاب

شگرف: شگفت‌آور، با عظمت

شمّ: بویایی

شِندر غاز: پولی اندک و ناچیز

شوکت: جاه و جلال

شیراوژن: شیرافکن

ص

صدر: بالا

صرعیان: بیماران مبتلا به عارضه‌ی صرع، صرع: بیماری غشی

ط

طاس: نوعی ظرف، کچلی و بی‌مویی کامل

طَرَف: کناره

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

طلایه: مقدّمه و پیش‌رو سپاه

طُمأنینه: آرامش و قرار

طینت: سرشت

ع

عِبر: جِ عبرت، آنچه بدان پند گیرند

عُجب: خودپسندی

عریضه‌چی: شاکی، شکایت‌کننده

عزیمت کردن: قصد و آهنگ کردن، سفر کردن

علی‌رغم: به رغم، برخلاف میل

عواید: جِ عایده، درآمدها، درآمد

عَیّاری: جوانمردی، زیرکی، چالاکی

غ

غارب: میان دو کتف

غایت: نهایت، به غایت: در حدود نهایت، بی‌نهایت

غایی: نهایی

غدر: خیانت، مکر، بی‌وفایی

غریو: شور و فریاد

غَنا: توانگری، بی‌نیازی

غِنا: سرود و موسیقی

ف

فراز رفتن: نزدیک رفتن، پیش رفتن

فَرَج: گشایش، رهایی

فَراغ: آسایش

فُسطاط: شهری از سرزمین مصر، این شهر امروزه بخشی از قاهره است.

فطرت: سرشت، آفرینش

ق

قرب: نزدیکی

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

قِشر: طبقه، قشرهایی از جامعه، طبقاتی از مردم

قندیل: چراغ، چراغدان، شمعدان که از سقف آویزند.

قیّم: سرپرست در متن به معنی کیسه‌کش حمّام

ک

کامگار: نیک‌بخت، قادر، موفق

کرامت: بزرگی، بخشش

کُرنش: فروتنی، تعظیم

کَل: کچل

کُلِه: برآمدگی پشت پای اسب

کنگره: مجمعی از دانشمندان و یا سیاستمداران که درباره‌ی مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند. (کلمه فرانسوی)

گ

گُرده: پشت، بالای کمر

گزاف‌کاری: اغراط، مبالغه، بیهوده‌کاری

گلیم: جامه‌ی پشمین

گَو: پهلوان

گو: کودال

گوهر: نژاد، اصل، گوهری: نژاده، اصیل

گهر برده: گهر از دست داده

ل

لنگ: ازار، جامه‌ی حمّام که بر کمر بندند

لوا: پرچم

م

مادام: همواره، همیشه

ماچین: سرزمینی در جنوب چین و مشرق هندوستان. در ادبیّات فارسی ظاهراً منظور از چین ترکستان شرقی بوده و مراد از ماچین (مهاچین) کشور چین بوده است.

مایه: سرمایه

محمل: کجاوه

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

مغمصه: بدبختی و غم بزرگ، این واژه به معنی گرفتاری متداول شده است.

مرافعه: شکایت به قاضی بردن، داوری

مرتزق: بهره‌مند، روزی یافته

مرصّع: آراسته، جواهرنشان

مَسلخ: رخت‌کن حمّام

مَسلک: رَوش

مشّاطه: آرایشگر

مُشوّش: آشفته و پریشان

معترض: اعتراض‌کننده، خرده‌گیر

معرکه: میدان جنگ

مغاک: گودال

مُغیلان: درختچه‌ای با خارهای بسیار، خار شتر. اصل کلمه «ام غیلان» بوده است. به معنی مادر غولان

مُفلس: تهی‌دست، درویش

مُقبل: خوش‌بخت

مقنن: قانون‌گذار

مُکاری: خربنده، کسی که اسب و شتر و الاغ به کرایه دهد یا به کرایه برد.

ملازمان: همراهان

ملجأ: پناهگاه

ملیله: رشته‌ی باریک نقره‌ای یا طلایی که داخل مجوف باشد و با آن روی پارچه نقش و نگار ایجاد کنند.

منال: مال و ثروت، درآمد مستغلات

منبّت: نقش برجسته به شکل گل و گیاه و جز آن که روی چوب ایجاد کنند.

منقبت: هنر و کار نیک، آن چه بدان نازند

مواریث: جِ میراث، آنچه از مرده به جا ماند

مواهب: جِ موهبت: بخشش‌ها

مؤاخذت: بازخواست و عقوبت به سبب گناه

موکب: گروهی از سواران یا پیادگان که به همراهی بزرگی در حرکت باشند.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

مهد: کجاوه، محمل

میرآخور: نگهبان اصطبل، رئیس و مهتر اصطبل

میراب: نگهبان آب، کسی که آب را به خانه‌ها و باغ‌ها تقسیم می‌کند.

میغ: ابر سیاه

ن

نازبوی: شاهسپرم، ریحان

نخجیر (نخچیر): شکار، شکار کردن، نخجیرگاه: شکارگاه

نزول اِجلال: به عزت فرود آمدن، به احترام به جایی وارد شدن

نشئت: سرچشمه

نَعت: ستایش

نقّالی: قصه‌گویی، نقل کردن داستان

نوش: عسل

نهیب: هیبت و ترس، آواز مهیب (در متن درس سمک و قطران به معنی کزند و آسیب است.)

نیرم: نریمان، پدر سام

نیوشیدن: شنیدن، گوش دادن

و

وَقَب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم

وکیل مدافعه یا مدافع: نماینده‌ی قانونی طرفین دعوا به منظور دفاع از موکّل خود

هـ

هامون: دشت، بیابان

هُرم: گرمای آتش

هنر: در قدیم به معنی فضیلت و معرفت بوده و در برابر «عیب» به کار می‌رفته است. بی‌هنر: بی‌فضیلت

ی

یارست: توانست، از مصدر یارستن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آبشار نیاگارا: نام قسمتی از رود عظیم سن‌لوران در آمریکای شمالی. از دریاچه‌ی اریه شروع به دریاچه‌ی انتاریوم ختم می‌شود.

آپهام: باستان‌شناس معاصر است با نام پروفسور آرتوآپهام.

آذربایجان: از استان‌های ایران که دارای ۲ قسمت می‌باشد. ۱- آذربایجان‌غربی ۲- آذربایجان‌شرقی

آریا: مهم‌ترین شعبه‌نژاد سفید که سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح در فلات ایران ساکن شده یا به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند. آن‌ها اجداد ایرانیان، هندی‌ها، یونانیان، رومیان و بیش‌تر ملل اروپا و آمریکا محسوب می‌شوند و نژاد هند و اروپا و آریان و آرین نامیده شده‌اند.

آرین‌پور، یحیی: از نویسندگان معاصر که از آثار او می‌توان «از صبا تا نیما» را نام برد.

آلاباما: (Alabama) از جمله مهم‌ترین ایالات آمریکا واقع در نواحی جنوب‌شرقی آمریکا (اتازونی) و پایتخت آن مونتگمری (Montgomery) است.

آل احمد، جلال: نویسنده، منتقد و روزنامه‌نگار، از آثار وی می‌توان کتاب‌هایی همچون «غرب‌زدگی» ، «کارنامه سه ساله» و «خسی در میقات» را نام برد.

آمریکای لاتین: شامل کشورهایی چون آرژانتین، شیلی، پرو، بولیوی، اروگوئه و قسمت‌های زیادی از برزیل و اکوادور است.

آندرسن: هانس کریستین آندرسن نویسنده‌ی دانمارکی (۱۸۷۵ — ۱۸۰۵ م.) مؤلف حکایاتی که از لحاظ تخیّل و لفظ حزن‌آمیز شایان توجّه است. شهرت او به دلیل داستان‌هایی است که برای کودکان نوشته است.

آوینی: شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکّه به شهادت رسید. او فیلم‌ساز و سردبیر مجلّه‌ی سوره بود. از فیلم‌های او که ساخته شده می‌توان به «خان‌گزیده‌ها»، «حقیقت»، «روایت فتح» و «سراب» اشاره کرد.

ابوالفضل (ع): عباس‌ابن علی، چهارمین فرزند ام‌البنین، که به «قمر بی‌هاشم» معروف بود. وی در روز عاشورای ۶۱ هـ . ق در ۳۴ سالگی در واقعه‌ی کربلا شهید شد. بقعه‌ی او در کربلاست. از فضایل وی شجاعت، جوان‌مردی و ایثار است.

ابوعلی سینا: حسین‌بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا ملقب به حجه‌الحق معروف به شیخ‌الرییس، از حکما و علمای کبار اسلام است.

اروندرود: رودی در جنوب ایران که به خلیج‌فارس می‌ریزد و از چهار رود کارون و کرخه در ایران و دجله و فرات در عراق به وجود آمده است.

اسفندیار: جهان پهلوان ایرانی که به دست رستم کشته شد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی گنجه‌ای که شامل دو بخش شرفنامه و اقبال‌نامه است. در این کتاب سخن از علم و حکمت و پیغامبری اسکندر و سرانجام زندگی وی و پایان روزگار حکمایی است که با او مجالست داشته‌اند.

اسلامی ندوشن، محمّدعلی: نویسنده‌ای که در سال ۱۳۰٤ هـ .ش. در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. از کتاب‌های او می‌توان «کشور شوراها» ، «کارنامه‌ی سفر چین» و «آزادی مجسمه» را نام برد. علاوه بر این کتاب‌ها «روزها»ی وی یکی از نمونه‌های برجسته‌ی حسب حال‌نویسی و زندگی‌نامه در زبان فارسی است.

اعتصام‌الملک، یوسف: از نویسندگان و مترجمان مشهور عصر حاضر، از آثار او دو دوره مجله‌ای بهار و از ترجمه‌هایش ترجمه‌ی جلد اول تیره‌بختان ویکتورهوگو معروف است.

اعتصامی، پروین: شاعر مشهور زبان فارسی. اشعار وی در حیطه‌ی مسائل اجتماعی، اخلاقی و انتقادی و حالت اندرزگونه دارد. وی در سال ۱۳۲۰ درگذشت. مناظرات وی مشهور است.

افراسیاب: نام پادشاه توران که در زمان کیفسرو گرفتار و کشته شد.

اقبال لاهوری: محمّد اقبال لاهوری (۱۳۱٦ — ۱۲۵۰ هـ .ش) شاعر و متفکّر پاکستانی است. اقبال در استقلال پاکستان نقش مهمّی داشته و به دو زبان فارسی واردو شعر می‌سرود. از کتاب‌هایش می‌توان «جاویدنامه» ، «پیام شرق» و «ارمغان حجاز» را نام برد.

ام‌البنین: مادر حضرت ابوالفضل (ع) و همسر حضرت علی (ع) بعد از فاطمه (س).

دهلوی، امیر خسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن ۷ می‌زیسته. وی به تقلید از نظامی پنج مثنوی سروده: ۱- مطلع‌الانوار ۲- شیرین و خسرو ۳- مجنون و لیلی ٤- آیینه‌ی اسکندری ٥- هشت بهشت.

اهرمن: به معنای شیطان، راهنمای بدی، مظهر شرّ و فساد و تاریکی و پلیدی و نام شیطان است.

باباطاهر: باباطاهر عریان همدانی از عرفای وارسته‌ی ایران است که در اواخر قرن چهارم به دنیا آمد و شهرتش در اواسط قرن پنج بود. دوبیتی‌های وی حاوی سوز و گدازی دل‌انگیز و سرشار از اندیشه‌های عرفانی است. از ویژگی‌های این دوبیتی آن است که به گویش محلی لری، دنباله زبان پهلوی ایران قدیم سروده شده است.

باقر (ع): محمّدبن علی ملقب به باقر (ع) یا باقرالعلوم امام پنجم شیعیان است. برخی مورّخان تاریخ تولد وی را غرّه‌ی رجب سال ۵۷ هـ . ذکر کرده‌اند. مدّت زندگی‌شان ۵۷ سال، امامتشان ۱۹ سال و محل دفنشان در قبرستان بقیع است.

بدر: غزوه‌ی معروف پیامبر با کفار و در اصل نام چاهی است میان مکه و مدینه که در جنوب‌غربی مدینه و در فاصله‌ی ۲۸ فرسنگی آن قرار دارد و در همین محل است که نخستین جنگ میان مسلمانان و مشرکان (رمضان سال ۲ هـ) روی داد و به غزوه‌ی بدر یا بدرالاکبر مشهور شد و به شکست مشرکان انجامید.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

بصره: شهری است از کشور عراق در کنار شط‌العرب در نزدیکی خرمشهر، گویند این لفظ معرب «بس‌راه» است.

بقیع: نام قبرستانی در مشرق مدینه که بیش از ده‌هزار نفر از مهاجرین و انصار در آن مدفون شده‌اند، هم‌چنین قبر فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع) و رقیه دختر پیامبر و امام حسن ابن علی (ع) و هم‌چنین امام محمّدباقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) در آن‌جاست.

بِل، الکساندر گراهام: فیزیکدان آمریکایی که در سال ۱۸۴۷ در ادمبورگ متولد شد و در سال ۱۹۲۲ فوت کرد. وی مخترع تلفن بود.

بوستان: یکی از آثار سعدی شیرازی و مثنوی حکمی و اخلاقی است که در سال ۶۵۵ سروده شده و دارای ده باب است.

بوستون: (Boston) شهر و بندر معروف بوستون پایتخت ایالات ماساچوست از ایالات متحده آمریکا و یکی از مراکز بزرگ صنعتی جهان است.

بیدل دهلوی: میرزا عبدالقادر بیدل (۱۱۳۳ — ۱۰۵٤) شاعر معروف سبک هندی است. او در آثار خویش افکار عرفانی را مضامین پیچیده‌ی شاعرانه و استعاره‌ها و کنایه‌ها درهم می‌آمیزد و این گونه به کلام خود لطف و عمق و جاودانگی می‌بخشد. از آثارش مثنوی‌های عرفات، طلسم حیرت و طور معرفت، محیط اعظم و دیوان اشعار را می‌توان نام برد.

بین‌النهرین: ناحیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آن‌هاست و از فلات ایران تا بیابان شام کشیده شده است.

بهار، ملک‌الشعرا: محمّدتقی پسر ملک‌الشعرای محمّدکاظم صبوری شاعر بزرگ معاصر (۱۳۳۰ — ۱۲٦٦). او محقق، نویسنده، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. از آثار او می‌توان «دیوان اشعار» ، «تصحیح تاریخ سیستان» و «مجمل‌التواریخ» را نام برد. مهم‌ترین اثر او سبک‌شناسی است.

بهایی: محمّد بن حسین عاملی دانشمندی بنام و از شاعران عصر صفوی که در بعلبک به دنیا آمد (۱۳۰۱ — ۹۵۳ هـ). وی تألیفات متعددی به فارسی و عربی دارد. از آن جمله مثنوی‌های «نان و حلوا» و «شیر و شکر» است.

پاکستان: همسایه‌ی جنوب‌شرقی ایران و پایتخت آن اسلام‌آباد است. مردمان آن به زبان اردو، انگلیسی، پنجابی و سندی سخن می‌گویند.

تاجیکستان: کشوری است در آسیای میانه که بین ازبکستان و افغانستان واقع و پایتختش دوشنبه است. جمعیت اصلی آن را تاجیک‌ها تشکیل می‌دهند و نیز از کشورهای تازه استقلال‌یافته است.

توس: یکی از شهرهای قدیم خراسان و سابقاً به ناحیه‌ای اطلاق می‌شد که شهر نوقان و طابران و قریه‌ی سناباد (مدفن امام رضا (ع) و هارون) در آن بود. گروهی از بزرگان بدان منسوبند از جمله جابربن حیّان و فردوسی.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تولّلی: فریدون توللی در سال ۱۲۹۶ هـ ش. در شیراز به دنیا آمد. از آثار اوست «اندوه شامگاه» ، «دخمه‌ی هراز» ، «کوی مردگان» و «دره‌ی مرگ». او در سال ۱۳۶٤ درگذشت.

تیمور لنگ: موسس سلسله‌ی تیموریان که کشوری وسیع و دولتی عظیم ایجاد کرد و خطه‌ی ماوراءالنهر را به اهمیت رسانید و سمرقند را پایتخت این مملکت بزرگ قرار داد.

جعفر صادق (ع): امام صادق (ع) ششمین امام شیعیان است و به دلیل نشر، گسترش و تعمیق فرهنگ شیعی ایشان را بنیان‌گذار مذهب شیعه می‌نامند. در حلقه‌ی درس آن بزرگوار، دانشمندان و عالمان بزرگی پرورش یافتند. مزار او در بقیع است.

جمعه‌ی خونین: ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که مردم در میدان ژاله (شهدا) اجتماع کردند. غافل از این که حکومت نظامی اعلام شده. آن‌ها با سربازانی که محاصره‌شان کرده بودند مواجه شدند و در این روز تعداد زیادی از مردم در میدان ژاله به شهادت رسیدند.

جوزجانان: (نام دیگر: جوزجان) از شهرهای بلخ خراسان و میان مرورود و بلخ واقع است. و از شهرهای آن انبار و فاریاب و کلار است.

چرند و پرند: عنوان ستون فکاهی روزنامه‌ی صوراسرافیل که توسط علی اکبر دهخدا با امضای مستعار دخو نوشته می‌شد.

چنگیز: نام اصلی وی تموچین بود. او در تمام عمر خود به غارت کشورها پرداخت و در سال ٦۲٤ درگذشت.

چین: کشوری است پهناور، در جنوب‌شرقی آسیا که از شهرهای مهمش می‌توان شانگ‌های، ویتین و ستن را نام برد حکومتش از سال ۱۹٤۹ کمونیستی است.

حافظ: خواجه شمس‌الدّین محمّد، متخلّص و مشهور به حافظ در اوایل قرن هشتم هـ . ق در شیراز متولد شد و در ۷۹۱ هـ . ق وفات یافت، بسیاری از غزلیات او دارای معانی دقیق و بلند عرفانی است و بزرگ‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی است.

حسن مجتبی (ع): حسن بن علی بن ابی‌طالب دوّمین امام شیعیان مادرش فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) است. او پس از پدر به امامت رسید. امام حسن (ع) کریم اهل بیت نام گرفته است. مزار این امام شهید مسموم در قبرستان بقیع است.

حنین: نام منطقه‌ای است میان طائف و مکه. یکی از غزوات رسول خدا (ص) در آن مکان بود و در این جنگ مردم بسیاری از قبیله‌های مختلف جمع شده بودند. این غزوه یکی از غزوات بزرگ بود که جمع کثیری از صحابه در آن به شهادت رسیدند.

خاقانی: افضل‌الدّین بدیل خاقانی ملقب به حسان‌العجم شاعر مشهور قرن ششم در قصیده‌سرایی صاحب سبک است. قوّت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

خسرو و شیرین: خسرو و شیرین داستان عاشقانه‌ای است که نظامی آن را در سال ۵۷۱ سروده است.

خسی در میقات: یکی از کتاب‌های نویسنده‌ی معاصر و معروف، جلال آل احمد است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خلیلی، خلیل‌الله: شاعر توانای افغانستانی (۱۳۶۶ – ۱۲۸۶ ش) وی اولین کسی بود که در افغانستان با شیوه‌ی نیمایی شعر گفت؛ دفترهای شعر خلیلی که بیشتر حاوی وطنیات و اشعار جهادی و مقاومت اوست عبارتند از: ۱- اشک‌ها و خون‌ها ۲- شب‌های آوارگی ۳- بهار به خون نشستگان.

خمینی (ره): بنیان‌گزار و رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدروح‌الله موسوی خمینی در ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ ق در خمین به دنیا آمد و در ١٤ خرداد ١٣٦٨ درگذشت. از آثار گران‌بهای امام خمینی که در اختیار محافل علمی است می‌توان به این‌ها اشاره کرد: تحریرالوسیله، کتاب الصلوه، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع، مصباح‌الهدایه (شرح دعای سحر) و چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان.

خوارزمشاه: محمّد خوارزمشاه یکی از پادشاهان سلسله‌ی خوارزمشاهیان که در زمان او ایران به اوج قدرت رسید و در اثر بی‌کفایتی او مغول‌ها به ایران حمله کردند.

خیّام: حکیم ابوالفتح عمر خیّام فیلسوف، ریاضی‌دان، منجّم و شاعر ایرانی قرن ۵ و ٦ است که اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشگاه تهران: نخستین دانشگاه ایران که در سال ۱۳۱۳ ایجاد شد.

دانشور، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل احمد می‌باشد. از آثار مشهور وی داستان «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» است.

دبیر سیاقی: محمّد دبیرسیاقی یکی از استادان دانشگاه تهران بود و بیشتر آثارش در شاهکارهای ادب فارسی می‌باشد از جمله: شرح مقتصری از اشعار منوچهری دامغانی و عنصری بلخی.

دخو: نام مستعار استاد علی اکبر دهخدا است. با این نام یکی از جذّاب‌ترین قسمت‌های روزنامه‌ی صوراسرافیل را که ستون فکاهی آن بود، با عنوان «چرند و پرند» می‌نوشت.

در خدمت و خیانت روشن‌فکران: توسّط نویسنده‌ی معاصر جلال آل احمد نوشته شده است. آل احمد این کتاب را در حین سفر خود به اروپا، شوروی و آمریکا و سفر حج نگاشته است.

دهخدا: علامه علی‌اکبر دهخدا به سال ۱۲۵۸ هـ .ش در تهران متولد شد و پس از آموختن علوم دینی و ادبی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تحصیل ادامه داد و به یاری دوستش «میرزا جهانگیرخان» روزنامه‌ی صوراسرافیل را منتشر کرد و کارهایش را با نام چرند و پرند و امضای دخو در روزنامه‌ی صوراسرافیل به چاپ رساند. وی به نوشتن لغت‌نامه نیز پرداخت و جزء آزادی‌خواهان شد و در سال ١٣٣٤ هـ .ش. در تهران درگذشت.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

رشید یاسمی: غلامرضا پسر محمّد ولیخان کورانی مشهور به رشید یاسمی کرمانشاهی (و، ۱۲۷۵ هـ .ش ، ف، ۱۳۳۰ هـ .ش.) از آثار او تصحیح دیوان سلمان ساوجی، ابن یمین، دیوان مسعود سعد سلمان را می‌توان نام برد.

رضاخان: رضاخان پهلوی نخستین پادشاه سلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰ — ۱۳۰٤ هـ .ش) که پس از ١٦ سال سلطنت در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ از سلطنت برکنار شد و در ٤ مرداد ۱۳۲۳ هـ .ش درگذشت.

رودکی: عبدالرحمن بن آدم رودکی به پدر شعر فارسی معروف است. او از کودکی نابینا بود و به سال ۳۲۹ هـ .ق در رودک وفات یافت. مهم‌ترین اثر منظوم وی کلیه و دمنه است.

زرّین‌کوب: عبدالحسین زرّین‌کوب محقق، مورخ و نویسنده‌ی بزرگ معاصر که در سال ۱۳۰۱ در بروجرد به دنیا آمد. از آثار مشهورش «نقد ادبی» ، «با کاروان حلّه» ، «بحر در کوزه» ، «سرّنی» ، «بامداد اسلام» و ... را می‌توان نام برد. وی در شهریور ۱۳۷۸ دار فانی را وداع گفت.

زهرای مرضیه (ع): لقب حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر، همسر امیرالمؤمنین علی (ع) و سیّده‌ی زنان جهان است. وی در عمر کوتاه خویش در نشر فرهنگ اسلام و دفاع از امامت، کوشش‌های فراوان کرد. شهادت وی را حدود سه ماه پس از وفات پیامبر نوشته‌اند؛ مزار وی ناپیداست.

زین‌العابدین مراغه‌ای: ابراهیم بیگ از آزادی‌خواهان معروف که در سال ۱۲۵۵ هـ .ق به دنیا آمد. از ۸ سالگی به مکتب رفت و در ١٦ سالگی به حجره‌ی پدر آمد و در ۲۰ سالگی به اردبیل رفت. سپس از ایران خارج شد و در آن‌جا بود که کتاب سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ را جهت بیداری افکار و تقویت روح وطن‌پرستی نوشت و بدون ذکر نام خود منتشر کرد. این کتاب در واقع دایرةالمعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن ۱۳ است.

سامانیان: خاندان ایرانی که در خراسان و ماوراءالنّهر و بخشی از ایران مرکزی از سال (۲٦۱ هـ .) تا (۳۸۹ هـ .) حکومت کردند.

سجّاد (ع): علی بین حسین بن ابی‌طالب، ملقّب به زین‌العابدین، امام چهارم شیعیان (٩٤ — ۳۸ هـ) ولادت و شهادتش در مدینه اتفاق افتاد. صحیفه‌ی سجّادیه‌ی ایشان سرشار از مضامین تربیتی، اخلاقی و اجتماعی است که در قالب دعا مطرح شده است.

سعدی شیرازی: مشرف‌الدّین مصلح بن عبدالله نویسنده و گوینده‌ی قرن هفتم. وی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به تعلم مشغول شد. وی سفرهای بسیاری کرد و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (٦٦٨ -٦۲۳) به شیراز بازگشت و به تصنیف سعدی‌نامه یا بوستان و گلستان پرداخت. علاوه بر این قصاید و غزلیّات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیّات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه در کلیّات وی جمع شده است. وفات وی بین سال‌های ٦۹۱ و ٦۹٤ در شیراز اتفاق افتاد.

سلیمان (ع): حضرت سلیمان در ۱۳ سالگی جانشین پدرش، داود (ع) شد. با نیروی خدادادیش از قبیل تسخیر نیروی باد، نیروی جنیان و شیاطین و ... بناهای عظیمی چون بیت‌المقدس را ساخت. قبر ایشان نزد قبر پدرش در بیت‌المقدس است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

سنایی: ابوالمجد مجدود بن آدم از شاعران قرن ششم و اهل غزنین است. از آثار اوست «حدیقةالحقیقه» ، «طریق‌التّحقیق» ، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ». آرامگاه وی در غزنین زیارتگاه عام و خاص است.

سند: رود بزرگ که از درّه‌ی میان هیمالایا و قره‌قورم سرچشمه می‌گیرد و از درّه‌ی تاریخی میان هند و افغانستان می‌گذرد و به دریای عمّان می‌ریزد.

سهراب سپهری: شاعر و نقّاش مشهور معاصر (۱۳۵۹ — ۱۳۰۷ ش) در کاشان دیده به جهان گشود. کتاب‌های او شامل ٦ شعر و ۲ منظومه‌ی بلند است (مشهور به هشت کتاب): ۱- مرگ رنگ ۲- زندگی خواب‌ها ۳- آواز آفتاب ٤- شرق اندوه ٥- صدای پای آب ٦- ما هیچ، ما نگاه ۷- مسافر ۸- حجم سبز.

سیحون: سیحون یا سیر دریا رودی است در آسیای مرکزی که از ارتفاعات شرقی ایران سرچشمه می‌گیرد.

شاه عبدالعظیم: عبدالله بن علی از بزرگان آل علی معاصر امام محمّدتقی (ع) مقبره‌ی وی در شهر ری زیارتگاه مردم است.

شاهنامه: فردوسی در سال ۳۷۱ — ۳۷۰ اقدام به نظم شاهنامه کرد. مآخذ فردوسی عبارت بود از شاهنامه‌ی منثور ابومنصوری و بعضی روایات مکتوب. شاهنامه دارای ٦۰۰۰۰ بیت و ۳ دوره است: ۱- دوره‌ی اساطیری: از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ۲- دوره‌ی پهلوانی: از قیام کاوه تا قتل رسم ۳- دوره‌ی تاریخی: از اواخر عهد کیانیان به بعد.

شفیعی کدکنی: دکتر محمّدرضا شفیعی کدکنی شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ ش در کدکن نیشابور به دنیا آمد. از مهم‌ترین مجموعه‌های شعر او می‌توان به «شبخوانی» ، «از زبان برگ» ، «در کوچه‌باغ‌های نیشابور» ، «از بودن و سرودن» و «بوی جوی مولیان» اشاره کرد. «صور خیال در شعر فارسی» ، «موسیقی شعر» ، «تصحیح و توضیح‌اسرارالتوحید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست. سرودهای او ساده، روان و بسیار استوار است.

شبستری، شیخ محمود: شیخ محمود ملقّب به سعدالدّین، در قصبه‌ی شبستر، در هفت فرسنگی تبریز متولد شد. از تاریخ زندگی او اطلاع وسیعی در دست نیست و ظاهراً سراسر عمر را برخلاف زمانه‌ی آشفته و عصر پرآشوب خویش به آرامش و سکون بدون حادثه‌ی مهمی در تبریز یا در نزدیکی آن به سر برده است و در همان‌جا در سال ۷۲۰ هـ . وفات یافته است. از وی تألیفات بسیاری باقی نمانده لیکن مثنوی «گلشن راز» از بهترین و جامع‌ترین رسالاتی است که در اصول و معانی تصوّف به رشته‌ی نظم در آورده است.

صائب: میرزا محمّدعلی بن میرزا عبدالرّحیم تبریزی معروف به صائب. وی در سال ۱۰۳٦ به عزم سفر هند از اصفهان خارج شد. مجموعه‌ی اشعار صائب تبریزی قریب ۱۲۰ هزار بیت است. کلیات وی سفینه‌ای مملو از مواعظ و آداب و کنجی پر از حکمت و امثال است. وی از شاعران مشهور سبک هندی بود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

صبوری: ممدّ کاظم صبوری شاعر ایرانی متولد مشهد در سال ۱۲۵۹ است که در سال ۱۳۳۲ در همان‌جا وفات یافت. دیوان او مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات است. وی در قصیده‌سرایی ماهر بود. او پدر ملک‌الشعرای بهار است.

صفویّه: منسوب به صفّی‌الدّین اردبیلی سلسله‌ای که در ایران از سال ۹۰۷ هـ.ق تا سال ۱۱۴۸ هـ.ق سلطنت کرده است.

صفیّه: دختر عبدالمطّلب بن هاشمی قریشی از عمه‌های پیغمبر.

صوراسرافیل: روزنامه‌ای که میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل به کمک دهخدا در سال ۱۳۲۵ در تهران منتشر کرد.

عاتکه: دختر عبدالمطّلب، جدّ پیغمبر (ص)، وی از بزرگان قریش بود و شعر نیز می‌سرود.

عارف قزوینی: شاعر، میرزا ابوالقاسم معروف به عارف قزوینی. در سال ۱۲۶۲ هـ .ش. در قزوین به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۲ هـ .ش. در همدان وفات یافت. در انقلاب مشروطیت با مردم بود و خواسته‌های مردم را در قالب شعر بیان می‌کرد. او اشعار دیگری نیز سروده است.

عبّاس: ابن عبدالمطّلب، جدّ بنی عبّاس و عمّ ممدّ رسول الله (ص) مردی نیکوکار و استوار اندیشه بود و برای آزادی بردگان اشتیاق وافری داشت. وی سقّایی حُجّاج و آبادی مسجدالحرام را به عهده داشت.

عبدالملکیان، ممدّرضا: متولد سال ۱۳۳۱ در شهر نهاوند. وی مهندس کشاورزی است و شعرهای نو و سپیدش مشهور است. از سال‌های قبل از انقلاب با مطبوعات همکاری داشته است. از آثار او «ریشه در ابر» و «مجموعه‌ی شعر و رباعی امروز» منتشر شده است.

عبید رجب: شاعر معاصر تاجیک که شعر مشهور او «تا هست عالمی، تا هست آدمی» می‌باشد که در آن زبان نیاکان خویش را در قالب شعر نیمایی ستوده است.

عبید زاکانی: شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم. وی از مردم قزوین بود. عبید مدّتی در شیراز و مدّتی هم در تبریز و بغداد زیر حمایت سلطان اویس جلایر زندگی کرده است. از آثار او می‌توان: «دیوان اشعار» ، «ریش‌نامه» ، «اخلاق‌الاشراف» ، «رساله‌ی دلگشا» ، «رساله‌ی صد پند» ، «موش و گربه» و «فال‌نامه» را نام برد.

عشقی: ممدّرضا میرزاده عشقی (۱۳۰۳ — ۱۲۷۲ هـ.ش) شاعر بازوق و دارای احساسات وطن‌پرستی بود. وی روزنامه‌ی قرن بیستم را که حاوی اشعار تند ضدّ هیئت حاکمه بود در تهران انتشار داد و به همین سبب به دست دو تن کشته شد و او را در ابن‌بابویه به خاک سپردند. از آثار معروف او «تابلوهای ایده‌آل» و «کفن سیاه» می‌باشد.

عنصری: ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی، شاعر ایرانی، مولد او شهر بلخ بود و چنان که از اشعار او معلوم می‌شود اطلاعاتش تنها

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

منحصر به ادب نبود بلکه مخصوصاً از علوم اوایل که در قرن چهارم در خراسان رایج بود، اطلاعات کافی داشته است. عنصری دارای دیوانی است که قریب سه هزار بیت داشته است امّا آن چه فعلاً در دسترس است بیش از دو هزار بیت می‌باشد. او منظومه‌هایی به نام‌های: «شادبهر» ، «عین‌الحیاة» ، «وامق و عذرا» ، «خنک‌بت» و «سرخ‌بت» دارد. وی در سال ٤٣١ هـ ق وفات یافت.

عیشی، صدرالدین: نامورترین چهره و در واقع بنیان‌گذار ادبیات و فرهنگ تاجیکستان بود. وی در ولایت بخارا دیده به جهان گشود. آثار او: «نمونه‌ی ادبیات تاجیک» ، «جلادان بخارا» ، «سرگذشت تاجیک کم‌بین» ، «یادداشت‌ها».

فاطمه بنت اسد: دختر اسد بن هاشم بن عبدمناف هاشمی، مادر علی (ع) و برادرانش. گویند پیش از هجرت به مدینه آمد و در آن‌جا از دنیا رفت.

فرخی سیستانی: علی ابن جولوغ مشهور به ابوالحسن از قصیده‌سرایان بزرگ اواخر قرن ٤ و اوایل قرن ٥ است. در سال ٤٢٩ چراغ عمرش خاموش شد.

فرّخی یزدی: میرزا محمّد شاعر و آزادی‌خواه در سال ١٢٦٤ هـ .ش. متولد شد. او مردی مبارز، منتقد و بی‌باک بود. از آثار مهم او انتشار روزنامه‌ی «طوفان» است. وفات او سال ١٣١٨ هـ .ش. بود.

فروزانفر: بدیع‌الزمان فروزانفر، محقق، ادیب و شاعر معاصر در سال ١٢٧٦ هـ .ش. در بشرویه خراسان متولد شد. از مهم‌ترین آثار او مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، احادیث مثنوی شریف، تصحیح کلیات شمس یا دیوان کبیر و فیه‌مافیه مولانا را می‌توان نام برد. مجموعه‌ی اشعار او نیز چاپ شده است. وی در اردیبهشت سال ١٣٤٩ در تهران درگذشت.

فرهاد: یکی از شخصیت‌های کتاب خسرو و شیرین نظامی است که عاشق شیرین دختر شاه ارمنستان می‌شود و جان خود را بر سر این عشق فدا می‌کند.

فسطاط: شهری از سرزمین مصر. این شهر امروزه بخشی از شهر قاهره است.

فَلّه: نام یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق واقع در بخش موسیان شهرستان دشت‌میشان که سکنه‌ی آن مرزداران و کارکنان گمرک‌اند.

فلسطین: در کناره‌ی شرقی دریای مدیترانه و در خاورمیانه واقع است. با کشورهای لبنان، سوریه، اردن و مصر همسایه است و پایتخت آن بیت‌المقدس که زیارتگاه مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

قزوه، علی‌رضا: شاعر و نویسنده‌ی معاصر در سال ۱۳۴۲ هـ .ش. به دنیا آمد. از تألیفات وی می‌توان سفرنامه‌ی حجّ «پرستو در قاف» را نام برد.

قندهار: ایالتی است در افغانستان واقع در جنوب‌شرقی آن کشور، سر راه هندوستان.

کاظمین: شهری است در عراق مجاور کشور ایران، در یک فرسنگی بغداد که آرامگاه امام موسی کاظم (ع) و امام محمّدتقی (ع) در آن‌جا است.

کربلا: یکی از شهرهای کشور عراق واقع در کنار رودخانه‌ی فرات. این شهر تا سال (۶۱ هـ ق) بیابان بوده است. از این زمان به بعد بر اثر شهادت امام حسین (ع) در آن محلّ به تدریج مورد توجّه شیعیان آل علی قرار گرفته است.

کلکته: شهر و بندر معروف هندوستان در کنار خلیج بنگال که مرکز بزرگ هند است.

کلیله و دمنه: مجموعه‌ی داستان‌هایی از زبان حیوانات که در عهد ساسانیان از زبان سانسکریت به پهلوی نقل شده است. بعد از حمله‌ی اعراب عبداللّه ابن مقفع آن را به عربی ترجمه کرد و سپس از روی همان ترجمه به وسیله‌ی رودکی به شعر پارسی در آمد و آن‌گاه در اوایل قرن ششم یک بار دیگر با نثر منشیانه‌ی بلیغ ترجمه‌ی دیگری از آن به زبان پارسی ترتیب یافت که به کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی معروف است و به دست ابوالمعالی نصراللّه بن محمّد عبدالحمید منشی معروف به نصراللّه منشی صورت گرفته است.

کمدی الهی: اثر مشهور دانته شاعر بزرگ ایتالیایی (۱۳۲۱ — ۱۲۶۵) است.

کوپه: فرانسوا کوپه شاعر و درام‌نویس فرانسوی (۱۹۰۸ — ۱۸۴۲) از آثار وی می‌توان «عابر». «برای تاج» ، «صمیمیّت‌ها» ، «دفتر سرخ» و «فرودستان» را نام برد که شهرت بیشتری دارند.

کوفه: شهری است در کشور عراق نزدیک مرز ایران که چند ماه، پس از بصره به دست سعد وقّاص در کنار فرات بنا شد. شهر کوفه نزد شیعیان مقامی ارجمند دارد. زیرا علی بن ابی‌طالب (ع) آن را مرکز خلافت خود قرار داد و همان‌جا به شهادت رسید.

گاندی: رهبر و پیشوای سیاسی و اخلاقی هند (۱۹۴۸ — ۱۸۶۹) که با مبارزات خود موجبات استقلاب هندوستان را فراهم کرد.

گلرخسار: صفیّه گلرخسار مشهورترین زن شاعر معاصر تاجیک است او سرودن شعر را از پانزده سالگی آغاز کرده و تاکنون چندین مجموعه از شعرهایش را به چاپ رانیده است که از آن جمله «بنفشه» ، «خانه‌ی پدر» و «بنیاد دل» است.

گلستان: یکی از آثار سعدی شیرازی است. وی آن را در سال ۶۵۶ به نثر مسجّع نوشته است که مشتمل بر حکایت آموزنده است.

گلشن راز: منظومه‌ی فارسی، سروده‌ی شیخ محمود شبستری شامل ۹۹۳ بیت است. وی این کتاب را در جواب سوالات میر سید حسینی هروی راجع به اصطلاحات تصوّف تصنیف نموده است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

گوته: یوهان ولفگانگ گوته در سال ۱۷۴۹ در کشور آلمان چشم به جهان گشود. وی نویسنده و شاعر نامدار آلمان و خالق «فاوست» و «دیوان شرقی و غربی» و چندین شاهکار بزرگ دیگر است که پس از یک عمر نویسندگی در سال ۱۸۳۲ درگذشت. او ارادت زیادی به حافظ داشت.

لیلی و مجنون: مثنوی لیلی و مجنون داستان عاشقانه‌ای که حکیم ابوالمحمد الیاس ابن یوسف مشهور به نظامی شاعر معروف ایران در قرن ٦ هـ . ق به نظم کشیده است.

ماوراءالنّهر: سرزمینی در شمال رود جیحون است که بین دو رود سیحون و جیحون قرار دارد و شامل بخارا و سمرقند است. ماوراءالنّهر مدّت ۵ قرن بزرگ‌ترین مهد تمدّن اسلامی ایران بوده است.

مخزن‌الاسرار: مثنوی مخزن‌الاسرار از نظامی و در حدود ۲۲٦۰ بیت مشتمل بر ۲۰ مقاله در اخلاق و مواعظ و علم است که در حدود سال ۵۷۰ به اتمام رسید.

مدیترانه: دریایی که بین ۳ قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا واقع است. دریای مدیترانه از طریق تنگه‌ی جبل‌الطارق به اقیانوس اطلس راه دارد.

مدینه‌ی طیّبه: دومین شهر مقدس مسلمانان است که قبل از هجرت پیامبر یثرب نام داشت.

مشهد: مرکز استان خراسان است. امام رضا (ع) پس از شهادت در این شهر مدفون گشت و به این دلیل این شهر را مشهد رضا (محلّ شهادت رضا) یا مشهد می‌خوانند.

مصر: کشور مصر در شمال آفریقا و در کنار دریای سرخ و مدیترانه است. مراکز سیاحتی و باستانی آن عبارت است از اهرام سه‌گانه ومجسمه‌ی ابوالهول.

مظفّرالدین شاه: مظفّرالدین میرزا پسر چهارم ناصرالدین شاه قاجار در سنّ ۵ سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و در سنّ ٤۵ سالگی به سلطنت رسید. ١٤ ذیقعده ١٣٢٤ هـ . ق قانون اساسی را امضا کرد و ۵ روز بعد در تهران درگذشت.

مسجد گوهرشاد: مسجدی در مشهد که در جنوب حرم امام رضا (ع) بنا شده است.

مشیری، فریدون: شاعر معاصر که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. برخی از آثار او عبارتند از: «آه، باران» ، «بهار را باور کن» ، «مروارید مهر» ، «پرواز با خورشید» ، «ابر» و ... .

ملک‌داد شمس تبریزی: مردی عالم و فاضل و دانشمندی عالی‌قدر بود. از معارف اسلامی و دقایق عرفان و تصوّف و خصایص احوال و منازل سالکان این راه به خوبی آگاهی داشت. او از مراحل ظاهری گذشت و از این آشیانه‌ها پرواز کرده. شاهباز خوش‌شکار آسمان‌گیر اوج حقّ و حقیقت شده بود. با تجرّد از علایق دنیوی دل کنده. روزگار را به سیر آفاق و انفس می‌گذرانید. وقتی به سال ٦٤٢ به قونیه وارد شد مولوی مجذوب او گردید و درس و بحث و وعظ را رها کرد و تحولی عظیم در حال او به‌وجود آمد.

منوچهری: ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از جمله‌ی شاعران طراز اول ایران در نیمه‌ی اول قرن ۵ است. او در وصف طبیعت و آوردن تشبیه و استعاره‌های بدیع چیره‌دست بود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

موش و گربه: مثنوی کوچکی است مشتمل بر ۱۷٤ بیت از عبید زاکانی شاعر قرن هشتم هجری. موضوع این مثنوی داستان گربه‌ای است که با تظاهر به عبادت، موش‌ها را به جنگ می‌آورد و بر اثر این تجاوز بین سپاهیان موش و گربه نبرد سختی در می‌گیرد که به پیروزی موش‌ها ختم می‌شود.

مولوی: جلال‌الدین محمّد در ششم ربیع‌الاول سال ٦۰٤ هـ . ق در شهر بلخ به دنیا آمد و در پنجم جمادی‌الآخر سال ٦۷۲ هـ . ق وفات یافت . از مولانا نوشته‌ها و سروده‌هایی به جای مانده است که از آثار جاودانی و ممتاز ادبیات عرفانی به شمار می‌آیند. از آن میان، مثنوی معنوی و غزلیات وی است که به دیوان شمس معروف است. دیگر آثار او عبارتند از: «مکتوبات» ، «مجالس سبعه» و «فیه‌مافیه».

ناصر خسرو: حکیم ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی ملقّب و متخلّص به «حجّت». از حکما و شاعران قوی طبع و از قصیده‌سرایان گران‌قدر زبان فارسی است. از آثار او است: «دیوان اشعار» ، «سفرنامه» ، «جامع‌الحکمتین» ، «خوان‌اخوان» و ... .

نسیم شمال: نام روزنامه‌ای است که سیّد اشرف‌الدّین حسینی گیلانی در سال ۱۹۰۷ م. تأسیس کرد و تا سال ۱۹۱۱ م. چاپ رسید.

نصاب‌الصّبیان: منظومه‌ای از ابونصر فراهی در سال ٦۱۰ هـ . تألیف شد که در آن لغات متداول عربی را با معادل فارسی آن‌ها در بحرهای مختلف به نظم درآورده است. این کتاب جزو کتاب‌های درسی طلاّب بوده است.

نظامی گنجوی: الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید ملقّب به نصرالدّین و مکنی به ابو حامد معروف به حکیم نظامی گنجوی از اعاظم شعرای فارسی زبان است. وی به سال ٥۳۰ هـ . ق در گنجه به دنیا آمد و نزدیک به سال ٦۱٤ هـ . ق درگذشت. مدفن او در گنجه است. از مهم‌ترین آثار نظامی می‌توان از پنج گنج شامل: «مخزن‌الاسرار» ، «خسرو و شیرین» ، «لیلی و مجنون» ، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه» نام برد.

نوبل: شیمیدان و مخترع سوئدی که در سال ۱۸۳۳ در شهر استکهلم متولد شد. او دینامیت را اختراع کرد. وی کلیّه‌ی ثروت خود را صرف پرداخت جایزه‌ی سالانه به کسانی کرد که در زمینه‌های علم، ادبیات و صلح جهانی خدماتی انجام داده‌اند.

نیما: علی اسفندیاری متخلّص به نیما یوشیج فرزند ابراهیم در سال ۱۳۱۵ هـ . ق در دهکده‌ی یوش از توابع نور مازندران متولّد شد. استاد او در شعر «نظام وفا» بود و مهم‌ترین اثرش «افسانه‌ی نیما» است. او در سال ۱۳۳۸ بر اثر بیماری ذات‌الرّیه از دنیا رفت.

ویسه (پیران): وزیر خردمند افراسیاب تورانی بود.

هفت پیکر: مثنوی هفت پیکر از جمله آثار مشهور نظامی گنجوی است که آن را بهرام‌نامه و هفت گنبد نیز خوانده‌اند که دارای ٥۱۳٦ بیت است. سرگذشت بهرام گور و شرح زندگی او با هفت دختر از شاهزادگان هفت اقلیم در آن منظومه است.

یوسفی غلامحسین: پژوهشگر، نویسنده و استاد برجسته‌ی دانشگاه در سال ۱۳۰٦ ش. در مشهد متولّد شد. او با نثری روان، پخته، جذاب و عمیق آثاری بزرگ از جمله: «دیداری با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش باد، چشمه‌ی روشن، تصحیح بوستان و گلستان سعدی و ...» را رقم زد. این نویسنده‌ی بزرگ در چهارم آذر ماه ۱۳٦۹ در تهران درگذشت و در کنار مرادش حضرت رضا (ع) به خاک سپرده شد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تاریخ ادبیات سال دوم

انصاری، خواجه عبدا...: ملقّب به شیخ‌الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات عارف قرن پنجم است و در سال ٤٨١ هـ ق. در هرات درگذشت. آثار او «الهی‌نامه» ، «زادالعارفین» ، «مناجات‌نامه» و «رساله‌ی دل و جان» می‌باشد.

بهجت تبریزی، محمّدحسین: (١٣٦٧ — ١٢٨٥ تبریز) متخلّص به شهریار و غزل‌سرای معاصر است. آثار او منظومه‌ی «حیدر بابا یه سلام» و کلیات اشعار می‌باشد.

باذل مشهدی: (١١٢٤ م.) شاعر حماسه‌ی حیدری است که شرح حال جنگ‌های پیامبر و حضرت علی (ع) تا لحظه‌ی شهادت ایشان است.

بچه‌های آسمان: فیلم‌نامه‌ای است نوشته‌ی مجید مجیدی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس معاصر.

جمال‌زاده، محمّدعلی: در سال (١٣٧٦ - ١٢٧٤ هـ . ش.) در اصفهان به دنیا آمد و برای تحصیل به بیروت و سپس به پاریس رفت. وی نخستین کتاب داستان‌های کوتاه ایرانی به عنوان «یکی بود یکی نبود» را در سال ١٣٠٠ منتشر کرد. وی پدر داستان‌نویسی ایرانی است. آثار او «دارالمجانین» ، «سروته یک کرباس» ، «تلخ و شیرین» ، «هفت کشور» ، «شور آباد» ، «راه آب‌نامه» ، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار» و «قصه‌ی ما به سر رسید» می‌باشد.

بزرگ علوی: (١٣٧٥ — ١٢٨٢) از نخستین تحصیل کرده‌های آلمان بود. از سال ١٣٣٢ تا ١٣٥٧ نوشته‌های او اجازه‌ی انتشار نیافت. آثار او «چشم‌هایش» ، «چمدان» ، «میرزا» و «سالاری‌ها» می باشند.

دانشور، سیمین: متولد ١٣٠٠ در شیراز و همسر جلال آل احمد می‌باشد. آثار او «آتش خاموش» و «سووشون» می‌باشد.

بیچراستو، هریت: (١٨٩٦ — ١٨١١ م.) اودر ایالت کنتاکی آمریکا به‌دنیا آمد. او نویسنده‌ی «کلبه‌ی عمو تم» است که در سال ١٨٥٢ منتشر شد.

پابلو نرودا: (١٩٧٣ — ١٩٠٤ م.) شاعر «انگیزه‌ی نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» و اهل شیلی است.

جبرا ابراهیم جبرا: سراینده‌ی شعر «در بیابان‌های تبعید» در سال ١٩٢٦ در ناصره چشم به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی خود را در فلسطین و دوره‌های عالی را در دانشکده کمبریج و هاروارد به پایان رساند.

درویش، محمود: متولد ١٩٤١ در فلسطین اشغالی می‌باشد. وی را شاعر مقاومت می‌دانند چون جز برای فلسطین شعر نسروده است. یکی از شعرهای او «از یک انسان» می‌باشد.

ویکتور هوگو: (١٨٥٥ — ١٨٠٢ م.) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. از ده سالگی شعر گفت و در ٢٥ سالگی شاعری سرشناس بود وی عضو فرهنگستان فرانسه و نماینده‌ی مجلس نیز بود. وی به دلیل مخالفت با ناپلئون سوم بیست سال از زندگی خود را در تبعید به سر برد. مهم‌ترین آثار او: «بینوایان» ، «گوژپشت نتردام» ، «کارگران دریا» و «مردی که می‌خندد».

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آندره ژید: (۱۹۵۱ — ۱۸۶۹ م.) نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی، خالق «مائده‌های زمینی» و برنده جایزه‌ی نوبل ادبی است.

سنایی: از شاعران قرن ششم و صاحب آثار «حدیقه‌الحقیقه» ، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ» است. وی اولین کسی است که افکار عرفانی را با مضامین عاشقانه درهم آمیخت.

فیه مافیه: از آثار منثور مولانا جلال‌الدّین بلخی (۶۷۲ — ۶۰۴ ق.) و در بردارنده‌ی سخنان مولانا در مجالسش می‌باشد.

صناعی، محمود: متولد ۱۲۹۸ اراک و متوفی در ۱۳۶۴ در لندن در رشته‌های فلسفه، علوم تربیتی، ادبیات فارسی، زبان خارجه، حقوق و روان‌شناسی تخصص داشت. کتاب «آزادی و تربیت» اثر اوست.

اسلامی ندوشن، محمّدعلی: در سال ۱۳۰۴ هـ . ش. در ندوشن متولد شد وی شاعر و محقق بود. آثار او «جام جهان‌بین» ، «آوارها و ایماها» ، «صفیر سیمرغ» و «روزها» می‌باشد.

وجدانی، عبدالحسین: نویسنده‌ی معاصر که نوشته‌ی وی در مجله‌ی یغما و سپس در مجموعه‌ی داستان «عمو غلام» به چاپ رسیده است.

رفیع، جلال: نویسنده‌ی و روزنامه‌نگار، آثار او «فرهنگ مهاجم ، فرهنگ مولد» و «در بهشت شداد» می‌باشد.

اخوان ثالث، مهدی: شاعر معاصر و متولد ۱۳۰۷ در مشهد به دنیا آمد و در شهریور ۶۹ درگذشت. اثار او «ارغنون» ، «زمستان» ، «آخر شاهنامه» ، «از این اوستا» ، «در حیاط کوچک پائیز در زندان» می‌باشد.

صفارزاده، طاهره: شاعر معاصر در سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. آثار او «رهگذر مهتاب» ، «طنین در دلتا» ، «سر و بازوان» ، «سفر پنجم» ، «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» می‌باشند. وی از شاخص‌ترین شاعران مذهبی قبل از انقلاب است.

شفیعی کدکنی، محمّدرضا: شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ در کدکن نیشابور به دنیا آمد. از آثار او «شبخوانی» ، «از زبان برگ» ، «در کوچه باغ‌های نیشابور» ، «از بودن و سرودن» ، «مثل درخت در شب باران» و «بوی جوی مولیان» می‌باشد.

«صور خیال در شعر فارسی» ، «موسیقی شعر» ، «تصحیح و توضیح‌اسرارالتوحید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست.

موسوی گرمارودی، علی: متولد ۱۳۲۰ و آثار او «سرود رگبار» ، «عبور» ، «در سایه سار نخل ولایت» ، «چمن لاله» ، خط خون تا ناکجا و «دستچین» می‌باشد.

رهی معیری، محمّدحسن: از غزل‌سرایان (۱۳۴۷ — ۱۲۸۸ ش.) معاصر است و به پیروی سعدی غزل گفته است. اثر وی «سایه‌ی عمر» است.

ابتهاج، هوشنگ: شاعر معاصر در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد و از سال ۱۳۲۲ به شعر اجتماعی روی آورد. آثار او «نخستین نغمه‌ها» ، «سراب» ، «سیاه مشق» و «شبگیر».

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ابن بطوطه: (۷۷۹ — ۷۰۳ هـ . ق.) عالم و جهانگرد مشهور در ۲۲ سالگی از مراکش به قصد زیارت خانه‌ی خدا خارج شد. وی سی سال سفر کرد و در سال ۷۵٤ به مراکش بازگشت و سفرنامه او به نام «رحله‌ی ابن بطوطه» یا «تحفه‌النظار و غرایب‌الامصار» ثبت شد.

پیرلوتی: (۱۹۲۳ — ۱۸۵۰) جهانگرد فرانسوی مولف سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان» با ترجمه‌ی بدرالدین کتابی است.

صنیع‌الدوله، محمّدحسن: ملقّب به اعتمادالسلطنه وزیر ناصرالدّین شاه بود و در سال ۱۳۱۳ فوت کرد. آثار او «مراه‌البلدان» ، «مطلع‌الشمس» ، «خیرات‌الحسان» ، «الماثر و الاثار» و «منتظم ناصری» اشاره کرد.

حسین، طه: (۱۹۷۳ — ۱۸۸۹) ادیب و پژوهشگر مصری در سه سالگی نابینا شد ولی با پشت‌کار مدارج عالی را طی کرد. کتاب «الایام» او را شادروان حسین خدیوجم با نام «آن روزها» به زبان فارسی ترجمه کرد.

سعدسلمان، مسعود: (۵۱۵ — ٤٤۰) بیشتر عمر خود را در هند بسر برد و در دستگاه غزنویان منزلت یافت ولی سپس در قلعه‌های «دهک» ، «سو» ، «نای» و «مرنج» زندانی شد. کتاب حبسیات سروده‌های وی در زندان است.

شریعت رضوی، پوران: همسر دکتر علی شریعتی و نویسنده‌ی کتاب «طرحی از یک زندگی» درباره‌ی زندگی و افکار همسرش می‌باشد.

زینب النسا: متخلّص به مخفی (۱۱۱۳ — ۱۰٤۸) از زنان شاعر هند است. وی در سرودن شعر بیشتر از عرفی شیرازی پیروی می‌کرد.

کاظمی، محمّدکاظم: متولد ۱۳٤٦ شاعر معاصر افغانی است.

ختلانی، اسکندر: متولد ۱۹۵٤ در کولاب است و از شاعران تاجیک می‌باشد.

آواز عشق

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست — ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

ما به فلک بوده‌ایم، یارِ ملک بوده‌ایم — باز همان جا رویم جمله، که آن شهر ماست

خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم — زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست

باخت جوان یار ما، دادن جان کار ما — قافله سالار ما فخر جهان مصطفاست

از مه او مه شکافت، دیدن او بر نتافت — ماه چنان بفت یافت، او که کمینه گداست

بوی خوشِ این نسیم از شکن زلف اوست — شعشعه‌ای این خیال زان رخ چون «والضّحا»ست

خلق چو مرغابیان زاده زدریای جان — کی کند این‌جا مُقام مرغ کز آن بحر خاست؟

آمد موجِ آلست، کشتیِ قالب ببست — باز چو کشتی شکست نوبت وصل ولقاست

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خیام

آن قصر که جمشید در او جام گرفت — آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر — دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

برخیز و مخور غم جهان گذران — بنشین و دمی به شادمانی گذران

در طبع جهان اگر وفایی بودی — نوبت به تو خود نیامدی از دگران

آنان که محیطِ فضل و آداب شدند — در جمعِ کمال شمعِ اصحاب شدند

ره زین شب تاریک نبردند برون — گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

پشت دریاها

قایقی خواهم ساخت،

خواهم انداخت به آب

دور خواهم شد از این خاک غریب

که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه‌ی عشق

قهرمانان را بیدار کند.

قایق از تور تهی

و دل از آرزوی مروارید،

هم‌چنان خواهم راند

نه به آبی‌ها دل خواهم بست

نه به دریا — پریانی که سر از آب به در می‌آرند

و در آن تابش تنهایی ماهی‌گیران

می‌فشانند فسون از سر گیسوهاشان

هم‌چنان خواهم راند.

پشت دریاها شهری است

که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است

بام‌ها جای کبوترهایی است

که به فواره ی هوش بشری می نگرند

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

دست هر کودک ده ساله ی شهر شاهد ی معرفتی است

مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند

که به یک شعله، به یک خواب لطیف

خاک موسیقی احساس تو را می‌شنود

و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد

پشت دریاها شهری است

که در آن وسعت خورشید به اندازه‌ی چشمان سحرخیزان است

شاعران وارث آب و خرد و روشنی‌اند.

پشت دریاها شهری است

قایقی باید ساخت،

شور عشق

عشـــق، شـــوری در نهاد ما نهاد — جـــان ما در بوته‌ی ســـودا نهاد

گفت‌وگـــویی در زبان ما فکنـــد — جســت‌وجـــویی در درون ما نهـاد

از خُمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت — جنـبشی در آدم و حـــوّا نهـــاد

دم‌به‌دم در هـــر لباسی رخ نمـــود — لحـــظه لحـــظه جای دیگر پا نهـــاد

چـــون نـــبود او را معینِ خانه‌ای — هـــر کجا جا دید، رخت آن‌جا نهـاد

حســـن را بر دیده‌ی خود جلوه داد — منّتی بـــر عاشق شیـــدا نهـــاد

یک کرشمه کرد با خود، آن چنانک — فتـــنه‌ای در پیر و در بُرنا نهـــاد

تا تمـاشـــای جمـــال خـــود کند — نور خـــود در دیده‌ی بینا نهـــاد

تا کـــمال علم او ظاهـــر شود — این همـــه اَسرار بر صحرا نهـــاد

شـــور و غـوغایی برآمد از جهان — حسن او چون دست در یغما نهاد

چـون در آن غوغا عِراقی را بدید — نام او ســـر دفتـــر غوغا نهـــاد

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آ

آزگار: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل

آذَار: ماه اول بهار، از ماه‌های رومی است.

الف

ابدال: جمع بِدْل یا بَدَل و بدیل به معنی اولیاءالله: مردان خدا، نیک‌مردان

اَبدَش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در این‌جا مطلق اسب منظور است.

اِدبار: پشت کردن، بدبختی

ادعیه: دعاها

اَذکار: ذکرها، وردها

ارتجالاً: بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن، بی‌درنگ

استشاره: رای زدن، مشورت کردن.

استیصال: ناچاری، درماندگی

اسلیمی: مُمالِ اسلامی؛ از طرح‌های هنری، مرکّب از پیچ‌وخم‌های متعدّد

اشباح: جمع شبح، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده شود.

اشتلم: لاف زدن

اصبحت امیراً و امسیت اسیراً: بامداد امیر بودم و شبانگاه اسیر

اعاظم: بزرگان، بزرگ‌تران

افگار: آزرده، زخمی، خسته، مجروح

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

الماس پیکان: تیری که نوک آن سخت برنده و درخشان و جلا داده باشد.

امواج مافوق صوت: امواج فوق صوت؛ امواجی که فرکانس آن‌ها بالاتر از ۲۰۰۰۰ هرتس است و شنیده نمی‌شود.

امیرالاُمرا: امیر امیران، فرمانده کلّ سپاه

اوراد: وردها، دعاها

ایار: از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است.

ب

بادی: آغاز، در اصل اسم فاعل از «بَدَءَ» به معنی شروع‌کننده.

بارگی: اسب، «باره»نیز به همین معنی است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

باشد که: به آن امید که

بحبوحه: میان، وسط

بدسگال: برانديش، بدخواه، صفت فاعلی مرکب مرخَّم، جانشین اسم

برهمن: پیشوای روحانی آیین برهمایی

بسمل کردن: سر جانور را بریدن؛ از آن‌جا که مسلمانان در وقت ذبح جانور «بسم‌اللّه الرّحمن الرّحیم» می‌گویند، به همین دلیل، به عمل ذبح «بسمل کردن» گفته می‌شود.

بقولات: جمع بقول و آن جمع بَقَل است به معنی سبزی و تره‌بار.

بلا معارض: بی‌رقیب

بَلَّغْتُ: آن را فرو بردم. «صیغه‌ی بلعتُ» چیزی را خوراندن، آن را به حلق فروبردن، آن را خلاف حق تصرف کردن و بالا کشیدن.

بَنان: انگشت

بهره: حقّ مالک، قسمت صاحب زمین

پار: سال گذشته

پ

پتیاره: مهیب، زشت

پرت و پلا: بیهوده، بی‌معنی. به این نوع ترکیب‌ها که در آن‌ها لفظ دوم اغلب بی‌معنی است و برای تأکید لفظ اوّل می‌آید. «مرکّب اتباعی» یا اَتباع می‌گویند.

ت

تاس: کاسه‌ی مسی که با خود به حمام می‌بردند.

تپق: گرفتگی زبان

ترفیع: بالا بردن.

ترگ: کلاه‌خود

تصنیف: نوعی شعر که با آهنگ موسیقی خوانده شود.

تعلّل: بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه جویی.

تغیّرات: جمع تغیّر: دگرگون شدن، برآشفتن، خشمگین شدن.

تفتیش: بازرسی، بازجست، واپژوهیدن.

تفقّد: دل‌جویی

تقریر: بیان، بیان کردن.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تلطّف: مهربانی کردن، نرمی کردن

تموز: ماه اوّل تابستان، از ماه‌های رومی است.

تنبوشه: لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار گذارند تا آب از آن عبور کند.

تنبّه: بیداری، آگاهی، هوشیاری

توتیا: اکسید طبیعی و ناخالص روی که معلول آن گندزدایی قوی است. در قدیم این اکسید را در جوش‌های بهاره و جوش‌های تراخمی به صورت گرد روی پلک‌ها می‌پاشیدند این مادّه‌ی شفابخش در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنایی چشم. توتیا را با سرمه که گردِ نرم شده‌ی سولفور آهن یا نقره است و در قدیم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌ها به‌کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد.

تورّم علمی: افزایش مداوم و بی‌رویّه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها. تورّم غیرعلمی آن است که تورّم مثلاً براساس شایعات یا امور مصنوعی به‌وجود آید.

ج

جافی: جفاکننده، جفاکار

جانی: از سوی جان؛ این کلمه قید است و «یای» آن یای قیدساز یا یای جانشین تنوین است. این کلمه به‌جای کلمه‌ی غلطِ «جاناً» به‌کار رفته است.

جبهه: پیشانی

جرز: دیوار اتاق و ایوان

جزمیّت: قطعیّت و یقین

جُوال: ظرفی از پشم بافته که چیزها در آن کنند.

چ

چُلمَن: کسی که زود فریب بخورد؛ نالایق و بی‌دست و پا

چوبه: تیری که از جنس چوب خرنگ باشد.

ح

حازم: دوراندیش، هوشیار

حجب: شرم و حیا

حرب: آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، خنجر، نیزه و ...

حِرز: دعایی که بر کاغذ نویسنده و با خود دارند. بازوبند، تعویذ

خ

خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن

خرنگ: درختی است بسیار سخت که از چوب آن تیر و نیزه و زین اسب سازند.

خفایا: جمع خفیه، به معنی نهان‌ها

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خلنگ: نام گیاهی است؛ علف جارو

خیره‌خیر: بیهوده

د

درادیش: درویشان، امروزه جمع بستن کلمات فارسی در قالب‌های عربی جایز نیست.

درزی: خیاط

دستوری: رخصت، اجازه دادن.

دمدمه: در این‌جا به معنی نزدیک، حدود، حوالی، در اصل به معنی با خشم سخن گفتن و آواز دادن است.

دُوری: بشقاب بزرگ و مقعّر

دی : روز گذشته، دیروز

دیلاق: آدم قد دراز

ذ

ذَرع: معادل ۱/۰۴ متر، گز

ر

رفع کردن: شکایت کردن، دادخواهی کردن.

رقعه: قطعه‌ی کاغذی که روی آن می‌نویسند.

رمانتیک: داستانی، افسانه‌ای ؛ اثری به سبک رمانتیسم

ز

زاغه: سوراخی است در کوه یا تپّه یا بیابان که محلّ استراحت چارپایان است، آغل

زجر: آزار، اذیّت، شکنجه

زلّت: لغزش، خطا

س

ستوه: درمانده و ملول

سحاب: ابر

سعایت: سخن‌چینی

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

سفاهت: بی‌خردی، کم‌عقلی

سماط: سفره

سندروس: سمغی است زرد‌رنگ که روغن کمان از آن می‌گرفته‌اند. در درس فقط زردی آن منظور است.

سنگ سماق: سنگی سخت و متمایل به صورتی یا سبز است و چون مقاومت و سختی زیادی دارد، در ستون‌های سنگی ساختمان‌ها و برای ساختن سنگ آسیاب از آن استفاده می‌شود.

سوفار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که چلّه‌ی کمان را در آن بند کنند.

سهم: ترس

ش

شفیص: بزرگ و ارجمند

شگوم: شگون: میمنت، خستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن.

شولا: خرقه، خرقه‌ی درویشان

ص

صبا: باد خنک و لطیفی که از جانب شمال‌شرق می‌وزد؛ صبا نماد پیام‌رسانی است.

صبوح: در این‌جا یعنی آن‌چه باعث سرخوشی و نیروی معنوی فرد شود.

صلا زدن: آواز دادن، صدا کردن.

صَلوات: جمع صلات، به معنی رحمت و بخشایش حق تعالی، درودها

صورت شد: روشن شد.

صولت: هیبت

ض

ضمیر: باطن

ضِیاع: جمع ضیعت:زمین زراعتی، دارایی

ط

طارمی: نرده‌ی چوبی یا آهنی که اطراف مموّطه یا باغی نصب کنند.

طالع: برآینده، طلوع‌کننده، فال، بخت، اقبال

طلسم: اصلاً یونانی است به معنی نقش‌ها و دعاهایی که به وسیله‌ی آن کار خارق عادت انجام دهند. طلسم کسی را شکستن: مشکل کسی را که دیگران از حلّ آن عاجزند برطرف کردن.

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

ع

عاریه: آن‌چه کسی از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

عامل: حاکم، والی

عروج: به بلندی رفتن، بالا آمدن

عقار: آب و زمین

عنود: ستیزه‌کار

غ

غرّه: مغرور، گول‌خورده.

غضنفر: شیر

غَلَیان: جوشش، جوش و خروش

ف

فتوح: گشایش حاصل شدن چیزی بیش از حدّ انتظار

ق

قاب: آسمانه و قوس بنا از طرف داخل که آن را از چوب می‌سازند.

قاپوچی: دربان، لغتی ترکی است.

قدح: کاسه

قلیه: نوعی خوراک از گوشت که آن را در تاوه یا دیگ بریان می‌کنند.

قهر: غذاب کردن، چیره شدن، خشم، غضب

ک

کبریا: عظمت، بزرگی

کَت: شانه

کُتّاب: جمع کاتب، نویسندگان؛ در این‌جا یعنی مکتب

کتل: تل بلند، پشته‌ی مرتفع

کشیک‌خانه: پاسدارخانه

کِلّه: خیمه‌ای از پارچه‌ی تنُک و لطیف که آن را هم‌چون خانه می‌دوزند؛ پشه‌بند، حجله‌ی عروسی

کُمَیْت: اسب سرخ مایل به سیاه

کوکب: ستاره

کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند؛ آلونک، کَپَر، کلبه

گ

گَبر: نوعی جامه‌ی جنگی، خفتان

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

گَوَن: گیاهی است از تیره‌ی سبزی آساها درختچه‌ای حداکثر به ارتفاع یک متر و دارای خارهای بسیار است و غالباً به حالت خودرو و در نواحی کوهستانی و زمین‌های بایر می‌روید.

ل

لایه: تضرّع، التماس، اظهار نیاز

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک

م

مألوف: الفت گرفته، اُنس گرفته

ماسوا: مخفّف ماسوی اللّه ؛ آن‌چه غیر از خداست، همه‌ی مخلوقات.

مافیها: آن‌چه در او (آن) است.

مایحتوی: آن‌چه درون چیزی است.

متراکم: برهم نشیننده، روی هم جمع شده، گرد آینده.

متفرّعات: توابع، وابسته‌ها

مجرّد: غیرمادّی، امری که روحانی محض باشد، آن‌چه منزّه از ماده باشد مانند عقل و روح

مخذول: خوار، زبون گردیده

محظوظ: بهره‌ور

مذلّت: خواری و بدبختی

مذموم: نکوهیده، زشت، مذمّت شده.

مُسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب

مسیل: جایی که سیلاب از آن بگذرد؛ محلّ عبور سیل، جای سیل‌گیر

مشعوف: شادمان

مصادره: تاوان گرفتن، جریمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن.

مضرّت: زیان، زیان رسیدن، گزند رسیدن

مضغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، جویدن

مظالم: مخفّف مجلس مظالم: مجلسی که در آن به شکایت‌های مردم درباره‌ی ظلم‌هایی که بران شده بود، رسیدگی می‌شد.

معاصی: گناهان، جمع معصیت

معهود: عهد شده، شناخته شده، معمول

مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزّی، سیم

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

مَکایِد: جمع مکیدت، مکرها، خدعه‌ها

ملتزمین: کسانی که در رکاب شاه یا بزرگی حرکت می‌کنند؛ همراهان

مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن

منحوس: شوم، نامیمون، بداختر

مُنکَر: زشت، ناپسند

موحش: وحشت‌آور، ترسناک

مهیّج: هیجان‌آور، برانگیزنده

میعاد: جای وعده، وعده‌گاه، زمان وعده

مینا: آبگینه، شیشه

مینو: بهشت

ن

نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود.

و

وَجَنات: جمع وجنه، رخسار

وَدود: بسیار مهربان، بسیار دوست دارنده، صفتی از صفات خدای تعالی است.

وُعّاظ: جمع واعظ، پنددهنده، اندرزگوی

ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

هـ

هُرّا: صدا و غوغا، آواز مهیب

هله: صوت تنبیه به معنی «آگاه‌باش».

هلیم: غذایی لذیذ که از گندم پوست‌کنده و گوشت می‌پزند. اصل این کلمه، هلام بوده و ممال شده است و نوشتن آن به صورت «حلیم» نیز متداول است.

هُما: پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای جثّه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت واقع شده است.

هیاکل: اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از ستارگان می‌ساختند. (جمع هیکل)

هیمه: هیزم

ی

یوزبان: کسی که مأمور نگهداری و حفظ و تربیت یوزهای شکاری است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آدم: نخستین پدر آدمیان که با همسرش «حوا» در بهشت زندگی می‌کردند و چون از میوه‌ای که خداوند خوردن آن را ممنوع کرده بود خوردند، از بهشت رانده شدند و به زمین آمدند.

آشور (آسور): سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن قرار داشته است.

آفریقا=اِفریقا: یکی از قاره‌ها که از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای هند محدود است.

آقا محمّدخان قاجار: موسس سلسله‌ای قاجاریّه که با انقراض دولت زندیّه به قدرت رسید.

آلب‌ارسلان: دومین پادشاه سلسله‌ی سلجوقی ایران که در قرن پنجم می‌زیست. وی قلمرو خود را تا حدود چین و روم گسترش داد و امپراتور روم را مغلوب و اسیر کرد.

آل احمد (جلال) (۱۳۴۸ — ۱۳۰۲): نویسنده‌ی مشهور ایرانی که از خانواده‌ای روحانی بود. آثار او شامل چهار دسته‌ی سفرنامه‌ها (مثل خسی در میقات) ، داستان‌ها (مانند مدیر مدرسه) ، مقالات (مانند غرب‌زدگی) و ترجمه‌ها (مثل قمارباز) است.

آمریکای لاتین: قسمت جنوبی قارّه‌ی آمریکا شامل کشورهای کلمبیا، اکوادر، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی،ونزوئلا و گویان.

ادیب پیشاوری (۱۳۴۹ — ۱۲۶۰ هـ . ق): سید احمد بن شهاب‌الدّین پیشاوری ادیب و شاعر مشهور عصر خود بود. وی دوران زندگی‌اش را در تحصیل علم و تزکیه‌ی نفس سپری کرد. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

اُدیسه: کتاب حماسی هومر، شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. از این کتاب می‌تان مجموعه‌ی آداب و اخلاق یونانیان قدیم را دریافت.

اسرارالتّوحید فی مقامات الشّیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمّدبن منوّر (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی گنجوی که شامل دو بخش شرف‌نامه و اقبال‌نامه است.

اسماعیل سامانی: اسماعیل بن نوح سامانی یکی از پادشاهان سامانی که در سال ۳۹۵ کشته شد.

اشتاین بک (جان): نویسنده‌ی آمریکایی قرن بیستم که در نوشته‌های خود، دقایق حالات زندگی محرومان و رنج‌دیدگان را شرح داده است؛ بی آن‌که گفتارش ملال‌آور باشد. از آثار او می‌توان «مراتع بهشتی» ، «خوشه‌های خشم» ، «موش‌ها و آدم‌ها» را نام برد.

اَشکبوس: پهلوانی کشانی که به یاری افراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته شد.

افغانستان: از کشورهای آسیای مرکزی که با ایران، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان همسایه است. مرکز حکومت افغانستان «کابل» است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

اقبال لاهوری (محمّد): شاعر و متفکّر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قارّه‌ی هندوستان است. او از متفکّران پیشرو و اصلاح‌طلب و از موسسان کشور پاکستان بود.

الکساندر دوما (پدر): رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم. حجم آثار او بالغ بر سیصد کتاب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان «سه تفنگدار» و «کنت مونت کریستو» را نام برد.

امیر ارسلان: قهرمان یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه‌ی فارسی که بسیار مورد توجّه مردم بوده است. این داستان اثر نقیب‌الممالک، نقّال ناصرالدّین‌شاه است.

امین سلطان (امین‌السّلطان): میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم از رجال دوره‌ی ناصرالدّین‌شاه بود که در چهار سال آخر حکومت وی سمت صدارت داشت.

ایلیاد: یکی از آثار حماسی هومر شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. این کتاب شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می‌رود.

بتهوون (لودویک فان): آهنگساز معروف آلمانی قرن هجدهم و نوزدهم (۱۸۲۷ — ۱۷۷۰ م.) است. آثار او و از جمله سمفونی‌هایش پر از احساسات عمیق و حاکی از قدرت تعبیر اوست. بتهوون در آخر قدرت شنوایی خود را از دست داد.

بحرین: مجمع‌الجزایری بین شبه جزیره‌ی قطر و خاک عربستان. بندر بزرگ آن «منامه» است.

بخارا: شهری مشهور در ماوراءالنّهر، پایتخت سامانیان نیز بوده و امروز جزء جمهوری ازبکستان است.

بلخ: شهری بزرگ در خراسان قدیم و اکنون نام شهر کوچکی در شمال افغانستان است.

بیبرس (تولد ۶۲۵): بیبرس بن عبدالله در هجوم تاتار اسیر و به غلامی فروخته شد. امیر علاءالدّین او را خرید و او در سایه‌ی همّت و زیرکی به مرتبه‌ی حکومت رسید و سپس در قاهره به تخت نشست.

بیرونی، ابوریحان: محمّد بن احمد خوارزمی از علما و بزرگان ایران و جهان است. او همراه سلطان محمود به هند رفت و شرح تحقیقات این سفر را در کتاب «تحقیق ماللهند» تألیف کرد. آثار دیگر بیرونی «آثارالباقیه عن‌القرون الخالیه» ، «التّفهیم لاوائل صناعة التّنجیم» و «قانون مسعودی» است.

بین‌النهرین: ناحیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد دو رود دجله و فرات. دولت‌هایی آشور و بابل در این منطقه به‌وجود آمده‌اند.

بیدل دهلوی: ابوالمعالی عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی هندی است. او در نظم و نثر سبکی خاص داشت. شعر او از بهترین نمونه‌های سبک هندی به شمار می‌رود. در آثار بیدل افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته است.

پاکستان: از کشورهای همسایه ایران.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

پرسپولیس: کلمه‌ای است یونانی به معنی شهر پارس، در این‌جا منظور یکی از کاخ‌های پادشاهان هخامنشی در مرودشت فارس است. ساختمان این کاخ در زمان داریوش آغاز شد.

تاجیکستان: از کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی سابق.

تاریخ فردریک کبیر: اثری از توماس کارلایل (۱۸۸۱ – ۱۷۹۵).

تاریخ وصّاف: کتابی است تاریخی تألیف «وصّاف‌الحضره» که به بخشی از تاریخ مغول پرداخته است. نثر این کتاب نمونه‌ی سبک مصنوع و متکلّف است.

تحفه‌الاخوان: کتابی است از کمال‌الدّین عبدالرّزّاق کاشانی نویسنده‌ی قرن دهم.

توران: سرزمین تور، یکی از سه پسر فریدون. سرزمینی در آن سوی جیحون تا دریاچه‌ی آرال. جنگ‌های ایران و توران بخش مهمّ داستان‌های ملّی ما را تشکیل می‌دهد.

توس: پهلوان ایرانی، فرزند نوذر.

تولم: یکی از دهستان‌های خومن.

تهران مخوف: رمانی از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ – ۱۲۸۷)، این کتاب نخستین رمان اجتماعی است که در آن وضع حقارت‌آمیز زنان ایرانی به تصویر کشیده می‌شود.

چاچ: منطقه‌ای بزرگ و آبادان از ماوراءالنّهر در کنار رود سیحون که اکنون تاشکند نامیده می‌شود و مرکز جمهوری ازبکستان است.

چین: کشوری وسیع و پرجمعیّت در قاره‌ی آسیا. این نام از سلسله‌ی پادشاهان تسین گرفته شده است.

حلب: شهری در شام (سوریه).

حوّا: نخستین زن، همسر آدم (ع).

خاش: ۱- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان که در جنوب زاهدان واقع شده است. ۲- شهری در افغانستان.

خاقانی: افضل‌الدّین بدیل خاقانی ملقب به حسّان‌العجم شاعر مشهور قرن ششم. در قصیده‌سرایی صاحب سبک است. قوّت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

خامنه‌ای، جعفر: در سال ۱۲۶۶ شمسی در تبریز به دنیا آمد. وی از طریق زبان‌های فرانسه و ترکی با اشکال جدید شعر آشنایی یافت. اشعار او که متأثر از نوپردازان ترکیّه بود، در جراید به چاپ می‌رسید.

خاوران‌نامه: منظومه‌ای است از ابن حسام خوسفی شاعر قرن هشتم و نهم که موضوع آن سفرها و حملات علی (ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خشایارشا: پادشاه هخامنشی، پسر و جانشین داریوش بزرگ. مادر وی آتوسا دختر کورش بوده است.

خطّ سریانی: خطی که برای نوشتن زبان سریانی به‌کار می‌رفته و آن همان خطّ آرامی با اندکی تغییر بوده است.

خطّ کوفی: نوعی از خطوط اسلامی.

خلیلی، (عبّاس): در نجف متولّد شد. رمان‌های «روزگار سیاه» ، «انتقام» و «انسان و اسرار شب» را با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان نوشت.

خُنجُ پال: خُنجِ پال شهری در جنوب فارس میان شهر لار و بندر سیراف.

خوارزم: ناحیه‌ای از ایران قدیم که در دوره‌ی قاجار جزء روسیّه‌ی تزاری شد. اکنون از شهرهای کشور ترکمنستان است.

خوشه‌های خشم: از رمان‌های مشهور قرن بیستم و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر است. نویسنده‌ی این کتاب جان اشتاین بک است.

خیّام: حکیم‌ابوالفتح عمر خیّام، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجّم و شاعر ایرانی قرن پنجم و ششم است و اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشور، سیمین (تولد ۱۳۰۰): نویسنده‌ی مشهور و معاصر. از آثار او می‌توان به رمان‌های «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» اشاره کرد.

درویش خان (۱۳۰۵ — ۱۲۵۱ ش): غلامحسین فرزند حاج بشیر طالقانی، موسیقی‌دان معروف ایران.

دمو ستنس (۳۲۲ — ۳۸۴ ق. م.): یکی از خطبای بزرگ آتن.

دریای هند: اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ.

دولت‌آبادی، محمود (تولّد ۱۳۱۹): داستان‌نویس معاصر؛ از آثار او می‌توان به کتاب‌های «کلیدر» ، «جای خالی سلوچ» ، «لایه‌های بیابانی» اشاره کرد.

دولت‌آبادی، یحی (فوت ۱۳۱۸): حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی یکی از پیش‌قدمان و مروجّان تعلیم و تربیت جدید است. وی چند دوره نماینده‌ی شورای ملی بود.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴ — ۱۲۵۷): دانشمند، لغوی و نویسنده‌ی معروف قرن چهاردهم هجری قمری است. برخی آثار او عبارت است از: «ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان» ، «ترجمه‌ی روح‌القوانین» ، «تصحیح دیوان منوچهری» ، «تصحیح دیوان حافظ» ، «امثال و حکم» و «لغت‌نامه».

دهِک: قریه‌ای در نزدیکی زرنگ و بُست در سیستان.

دهلوی، امیرخسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن هفتم می‌زیست. وی به تقلید نظامی پنج مثنوی سروده است. دهلوی هم‌چنین از سنایی، خاقانی و سعدی پیروی می‌کرد.

رفعت، تقی: از پیشکامان تحوّل در شعر فارسی است. در تبریز به دنیا آمد و در استانبول به تحصیل پرداخت و به زبان‌های ترکی، فرانسه و فارسی تسلط داشت.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

رُم: مرکز امپراتوری روم قدیم و ایتالیای کنونی.

رامایانا: حماسه‌ی معروف هندوان، سروده‌ی والمیکی شاعر باستانی هند. این کتاب منظومه‌ای است طولانی به زبان سنسکریت درباره‌ی وقایع و جنگ‌های رام و همسر او سیته.

رخش: اسب مشهور رستم.

رستم (تهمتن): در لغت به معنی بزرگ تن و قوی اندام. جهان پهلوان ایران از مردم زابلستان که دارای قدرتی فوق‌العاده بود.

روزگار سیاه: رمانی از عبّاس خلیلی با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان. این کتاب الهام‌گرفته از «مادام کاملیا» اثر الکساندر دوما است.

رُهام: از پهلوانان ایرانی روزگار کاووس و فرزند گودرز، وی از دانایان روزگار خویش بود.

عبید زاکانی، نظام‌الدّین عبدالله: شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز قرن هشتم هجری. وی اصلاً از مردم قزوین بود. آثار معروف او عبارتند از: «رساله‌ی دلگشا» ، «اخلاق‌الاشراف» و «موش و گربه».

زمخشری (فوت ۵۳۸): جارالله ابوالقاسم محمود زمخشری استاد تفسیر و حدیث و لغت و علوم بلاغی. اثر معروف وی «الکشّاف فی تفسیر القرآن» است.

ژیل بلاس: رمان فرانسوی از آلن رنه لوساژ (۱۷۴۷ — ۱۶۶۸) است و نخستین رمان فرانسوی به شمار می‌رود.

سنایی: ابوالمجد مجدود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم است. از آثار اوست: «طریق‌التّحقیق» ، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ».

سو: قلعه‌ای در متصرّفات غزنویان و قلعه‌ای مستحکم بود که مسعود سعد مدّتی در آن محبوس بود.

سوئد: کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی میان نروژ و دریای بالتیک. پایتخت آن استکهلم است.

سه تفنگدار: رمانی از الکساندر دوما (پدر) که درباره‌ی شرح قهرمانی‌ها و جوان‌مردی‌های سه تن از تفنگداران لویی سیزدهم است.

شهریار (۱۳۶۷ — ۱۲۸۵ تبریز): سیّد محمّدحسین بهجت متخلّص به شهریار غزل‌سرای بزرگ معاصر.

شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.

شهید بلخی: شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلّم و حکیم قرن چهارم هجری.

صابری، کیومرث: نویسنده و طنزپرداز معاصر که اوّلین هفته‌نامه‌ی طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با نام «کل آقا» منتشر کرد.

صاحبقرانیّه: کاخ تابستانی ناصرالدّین شاه.

صفّارزاده، طاهره (تولد ۱۳۱۵): شاعره نوپرداز معاصر، وی در سیرجان چشم به جهان گشود. از آثار او «رهگذر مهتاب» ، «طنین در دلتا» ، «دیدار صبح» و «بیعت با بیداری» اشاره کرد.

صنعتی‌زاده (۱۳۵۲ — ۱۲۷۳): میرزا عبدالحسین صنعتی‌زاده از نخستین نویسندگان رمان‌های تاریخی در ایران بود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

طالبوف، عبدالرّحیم (۱۳۲۸ – ۱۲۵۰): حاج ملاّ عبدالرّحیم بن ابوطالب نجّار تبریزی سرخابی، نویسنده‌ی ایرانی، از آثار او: «کتاب احمد» ، «مسالک‌المحسنین» و ... .

طرابلس: ناحیه‌ای است در شمال‌غربی لیبی در ساحل بحرالرّوم (مدیترانه).

عرفی شیرازی: شاعر معروف ایرانی در قرن دهم.

عطار نیشابوری: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم. از آثار او می‌توان به: «تذکرةالاولیا» ، «منطق‌الطّیر» ، «الهی‌نامه» ، «مختارنامه» و «مصیبت‌نامه» اشاره کرد.

علوی، بزرگ (۱۳۷۶ – ۱۲۸۳ش): داستان‌نویس معاصر، از آثار او می‌توان به «چشم‌هایش» ، «چمدان» ، «سالاری‌ها» و «ورق‌پاره‌های زندان» اشاره کرد.

عمروبن عبدود: از سران قریش و از پهلوانان و دلاوران مخالف اسلام، حضرت علی (ع) در غزوه‌ی خندق با او به رزم پرداخت و او را کشت.

عمرولیث: دومین پادشاه صفّاری مقتول به سال ۲۸۹ هـ .ق.

عنتره: عنتره بن شدّاد از مشهورترین سوارکاران عرب در دوره‌ی جاهلیّت و در بین عرب، مشهور به مناعت طبع و پاک سرشتی بود. دیوان شعری نیز دارد که حضرت رسول اکرم (ص) به اشعار او استشهاد می‌کرد و می‌فرمود: دلم می‌خواست زنده بود تا او را می‌دیدم.

فانون (فرانْتس): نویسنده‌ی معاصر الجزایر از آثار او می‌توان به «دوزخیان روی زمین» ، «واپسین دم استعمار» و «انقلاب آفریقا» اشاره کرد.

فتحعلی‌شاه: دومین پادشاه سلسله‌ی قاجار.

فراهی، ابونصر: صاحب کتاب «نصاب‌الصّبیان»، وی در لغت عرب و حدیث مهارت تام داشت.

فرّخی یزدی، محمّد ابراهیم (فوت ۱۳۱۸ هـ .ش): از شعرا و آزادی‌خواهان دوره‌ی مشروطه، وی مردی منتقد و بی‌باک بود.

فروغی، محمّدعلی (۱۳۲۱–۱۲۵۷ ش): محمّدعلی فروغی ملقّب به ذکاءالملک یکی از چهره‌های بزرگ علم و ادب و حکمت معاصر است. از آثار او می‌توان به «سیر حکمت در اروپا» ، «آیین سخنوری» ، «تصحیح کلّیّات سعدی» ، «تصحیح دیوان حافظ» و ... اشاره کرد.

فومن: شهری در ۲۷ کیلومتری جنوب‌غربی رشت.

فیضی دکنی، ابوالفیض (۱۰۰۴ – ۹۵۴): ادیب و شاعر بزرگ هند، وی از بزرگان شعر سبک هندی است.

قاآنی: حبیب شیرازی معروف به قاآنی شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

قائم مقام: ابوالقاسم بن عیسی قائم مقام فراهانی، وزیر عبّاس میرزا و محمّد شاه قاجار. وی در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنایی تخلّص می‌کرد.

قارون: از افراد بنی‌اسرائیل، معاصر حضرت موسی (ع) و به قولی پسر عموی وی بود. او جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود. موسی او را نفرین کرد و بر اثر نفرین، زمین شکاف برداشت و قارون و خانه و گنجش را به کام خود فرو برد.

قَجَر: قاجار، طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار نویان از سرداران مغول.

قَطیف: شهری در بحرین.

کافک: از بخش‌های گناباد.

کاظمی، محمّد کاظم (تولّد ۱۳۴۶): شاعر معاصر افغانی، مجموعه‌ی شعر او به نام «پیاده آمده بودم» منتشر شده است.

کاهک: از توابع داورزن سبزوار.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ — ۱۲۶۱): وی در یزد زاده شد و از پیشگامان تجدّد در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کشانی= اشکبوس: منسوب به کوشان، سرزمینی در مشرق ایران قدیم، شامل شرق ایران، مغرب هندوستان، افغانستان و ترکستان امروزی بوده است.

کمبریج: یکی از شهرهای انگلستان که دانشگاه معروف و قدیمی کمبریج در آن است.

کنفانی (غسّان): نویسنده‌ی معاصر عرب. کتاب دیگر او «ادب المقاومه فی فلسطین المحتلّه» است.

کورش: موسّس سلسله‌ی هخامنشی، مقتول به سال ۵۲۹ ق. م. او پسر کمبوجیه از خاندان هخامنشی بود.

کوفه: شهری در جنوب عراق، در نزدیکی نجف.

کیش: از معروف‌ترین جزایر خلیج‌فارس که بهترین مرواریدها در اطراف آن صید می‌شود.

گاوفونی: باتلاقی است در پست‌ترین ناحیه‌ی دشت اصفهان که رودخانه‌ی زاینده‌رود در آن می‌ریزد.

گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از خاندان سام نیرم خاندان او اهمّیّت داشته است.

لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۳۶ — ۱۲۶۴ ش): در کرمانشاه به دنیا آمد و در مسکو درگذشت. دیوان وی مجموعه‌ای از قطعه و غزل و مقداری تصنیف و ترانه است که مجموعاً با زبانی ساده و روان سروده شده است.

مأمون‌الرّشید: هفتمین خلیفه از خلفای عباسی. وی ابتدا امام رضا (ع) را ولیعهد خویش کرد. امّا به سبب محبوبیّت و نفوذ روزافزون آن حضرت در حکومت، آن امام را به شهادت رساند.

مانین، اثل: بانوی انگلیسی نویسنده‌ی اثر معروف «راه بئر سبع» درباره‌ی فاجعه‌ی فلسطین.

ماوراءالنّهر: سرزمینی بوده است در شمال رود جیحون بین دو رود سیحون و جیحون شامل بخارا، سمرقند، خجند، اشروسنه و ترمز.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

مجمع دیوانگان: اثری از میرزا عبدالحسین صنعتی‌زاده‌ی کرمانی (۱۳۵۲ — ۱۲۷۳) این اثر نخستین اتوپیا (=آرمانشهر)ی ادبیّات معاصر است.

مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۲۹۰ — ۱۲۱۷): نویسنده‌ی کتاب «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیک»، از پیشگامان ساده‌نویسی نثر معاصر.

مراکش: کشوری است در برجستگی شمال‌غربی آفریقا.

مرنج: نام یکی از زندان‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن محبوس بوده است.

مسالک‌المحسنین: اثری است از طالبوف نویسنده و دانشمند ایرانی (۱۳۲۹ — ۱۲۵۰ هـ . ق).

مسجد شیخ لطف‌الله: این بنا در شرق میدان نقش جهان اصفهان و روبه‌روی بنای عالی قاپو واقع شده است و در سال ۱۰۱۱ هـ . ق به امر شاه عبّاس اوّل بنا شده است.

مشفق کاظمی: مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ — ۱۲۸۷) نویسنده‌ی نخستین رمان اجتماعی درباره‌ی وضع حقارت‌آمیز زنان ایرانی به نام «تهران مخوف» که جلد دوم آن با نام «یادگار شب» منتشر شده است.

مصر: کشوری شامل زمین‌های حوضه‌ی سفلای نیل در شمال‌شرقی آفریقا و نیز شبه جزیره‌ی سینا در شمال دریای احمر.

مَعرّی (ابوالعلاء): احمد بن عبدالله (فوت ٤٤٩) شاعر و لغوی معروف عرب که به سبب آبله نابینا شد. از آثار او شرح اشعار متنبّی و شرح دیوان بحتری را می‌توان نام برد.

مقدونیّه: ناحیه‌ی قدیمی در شمال کشور یونان که تحت اداره‌ی فیلیپ دوم و اسکندر سوم قرار داشت.

ملیجک: غلامعلی خان معروف به ملیجک و ملقّب به عزیزالسّلطان و سردار محترم. برادرزاده‌ی امینه اقدس گروسی یکی از زنان ناصرالدّین شاه.

موسوی گرمارودی، سیّدعلی (تولّد ۱۳۲۰): سیّد علی موسوی گرمارودی متولّد گرمارود الموت است. وی از شعرای نوپرداز به شمار می‌رود. کتاب‌های «سرود رگبار» ، «عبور» و «در سایه‌سار نخل ولایت» از آثار اوست.

موش‌ها و آدم‌ها: اثری است از جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی (۱۹٦۸ — ۱۹۰۲ م.).

مهابهارات مهابهاراتا: حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به ویاسا فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند. امّا این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب صد شاعر آن را طی چند قرن سروده‌اند.

ناپلئون سوم: شارلی لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۷۳ — ۱۸۰۸ م.) امپراتور فرانسه پسر لویی بناپارت.

ناصرالدّین شاه: پسر محمّد شاه قاجار و چهارمین پادشاه سلسله‌ی قاجاریّه. وی نزدیک به نیم قرن سلطنت کرد و سرانجام به دست میرزا رضا کرمانی ترور شد.

ناصر خسرو: حکیم ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (٤٨١ — ۳۹٤ هـ . ق.) ملقّب به حجّت از حکما و متکلّمین اسلام و شاعر نامدار ایرانی است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ناصره: شهری در شمال فلسطین اشغالی، محلّ ولادت حضرت عیسی (ع)، این شهر از زیارتگاه‌های مسیحیان است.

نای: نام یکی از قلعه‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن محبوس بوده است.

نرون: امپراتور ستمگر روم که قدرت را از دست مادر خود درآورد و سپس مادر و همسر خود را کشت. وی شهر رم را به آتش کشید و به ازار مسیحیان پرداخت.

نسیم شمال: روزنامه‌ای که سیّد اشرف‌الدّین گیلانی در دوره‌ی مشروطه منتشر می‌کرد.

نیکسون: یکی از رؤسای جمهوری آمریکا، در دوره‌ی او جنگ ویتنام پس از سال‌های طولانی پایان یافت.

هاروارد: یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا در آمریکا که به اسم بنیان‌گذار آن جان هاروارد (۱۶۳۸ – ۱۶۰۷) روحانی انگلیسی نام‌گذاری شده است.

هدایت، صادق (فوت ۱۳۳۰): داستان‌نویس معاصر، آثار معروف او عبارت‌اند از: «بوف کور» ، «سگ ولگرد» ، «سه قطره خون» ، «اصفهان نصف جهان» ، «پروین دختر ساسان» و ... .

هومر: کهن‌ترین و نامدارترین حماسه‌سرای یونانی، وی در قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیست. از آثار او می‌توان به «ایلیاد» و «ادیسه» اشاره کرد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تاریخ ادبیات سال سوم

جمال‌الدّین محمّد عبدالرّزاق اصفهانی: از شاعران سره‌ی ششم است. مشهورترین ترکیب‌بند وی در نعت و ستایش پیامبر است.

حاتمی، علی: (۱۳۷۵ – ۱۳۲۳) از سینماگران و فیلم‌نامه‌نویسان برجسته است. از مهم‌ترین فیلم‌نامه‌های او «هزار دستان» ، «دل‌شدگان» ، «سلطان صاحبقران» ، «مادر» ، «کمال‌الملک» و «جهان پهلوان تختی» می‌باشد.

غفاری، محمّد: مشهور به کمال‌الملک (۱۳۱۹ – ۱۲۲۶ هـ . ش.) بزرگ‌ترین نقّاش قرن اخیر ایران است. از آثار مشهور او «تالار آینه» ، «زرگر بغدادی و شاگردش» ، «میدان کربلا» و «یهودی فال‌گیر بغدادی» می‌باشد.

ساعدی، غلامحسین: (گوهر مراد) از داستان‌پردازان و نمایش‌نامه‌نویسان معاصر است. وی به سال ۱۳۱٤ در تبریز و در سال ۱۳٦٤ در فرانسه درگذشت. از آثار او «چوب به دست‌های ورزیل» ، «آی با کلاه ، آی بی‌کلاه» و «عزاداران بیل» می‌باشد.

داستان گاو او در عزاداران بیل آمده است.

آل احمد، جلال (۱۳۴۸ – ۱۳۰۲): از وی نزدیک به ٤٥ اثر باقی مانده است. آثار وی را به چهار دسته‌ی داستان، سفرنامه، ترجمه و مقالات می‌توان تقسیم کرد. از داستان‌های مشهور او: «مدیر مدرسه» ، «نون والقلم» ، «زن زیادی» و «پنج داستان» می‌باشد.

بیهقی، ابوالفضل: (٤٧٠ – ۳۸٥ هـ . ق.) نگارنده‌ی «تاریخ مسعودی» یا «تاریخ بیهقی» با موضوع سلطنت مسعود غزنوی است.

خرسند، پرویز: نویسنده‌ی کتاب‌های «خون و خورشید» ، «برزیگران دشت خون» ، «آن‌جا که حق پیروز است» و «مرثیه‌ای که ناسروده ماند» می‌باشد. که اغلب آن‌ها درباره‌ی عاشورا است.

سبزواری، حمید: متولّد ۱۳۰٤ سبزوار است و مجموعه‌های «سرود درد» و «سرود سپیده» اثر اوست. شعر «بانگ جرس» متعلق به این شاعر است و بیانگر پیوند میان انقلاب اسلامی با مبارزات مردم فلسطین است.

قزوه، علی‌رضا: شاعر «باغ نگاه» است که در توصیف جانبازی است که چشمان خویش را در راه ایمان به خدا تقدیم کرده است.

شکسپیر، ویلیام: (۱٦۱٦ – ۱٥٦٤) شاعر و نمایش‌نامه‌نویس معروف انگلستان و خالق نمایش‌نامه‌های «هملت» ، «مکبث» ، «اتللو» و «لیرشاه» است. سروده‌های وی به «غزلواره» معروفند.

تولستوی، لئون: در سال ۱۸۲۸ در مسکو به دنیا آمد و پس از ۸۲ سال در همان‌جا چشم از جهان بست. از مهم‌ترین آثار وی «جنگ و صلح» ، «آناکارنینا» و «رستاخیز» می‌باشد.

تانزد، سیلویا: شاعر و رومان‌نویس انگلیسی متولّد ۱۹۸۳ می‌باشد. اولین کتاب شعر او با عنوان «چفته» در سال ۱۹۲٥ چاپ شد.

رابیندرانات تاگور: (۱۹٤۱ – ۱۸٦۱) شاعر بزرگ هندی است. مجموعه‌ی «ماه نو و مرغان آواره» مربوط به اوست.

اسعد گرگانی، فخرالدّین: از شاعران قرن پنجم هجری است. تنها اثر او «منظومه‌ی ویس و رامین» بازمانده‌ی یک داستان کهن ایرانی است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خاقانی شروانی: شاعر برجسته‌ی قرن ششم ملقّب به «حسان عجم» در سرودن قصیده شهرت دارد. غزل «آفتاب وفا» اثر اوست که بعدها حافظ تحت تأثیر آن غزل معروف «ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت» را سرود.

عطار نیشابوری: از شاعران و عارفان بزرگ قرن ششم و خالق آثاری برجسته چون «منطق‌الطّیر» ، «الهی‌نامه» ، «مصیبت‌نامه» ، «مختارنامه» به شعر و «تذکرةالاولیا» به نثر است. «منطق‌الطیر» یا «مقامات‌الطیور» داستان پرندگانی است که به قصد زیارت سیمرغ حرکت و پس از عبور از هفت مرحله «سی‌مرغ» آن‌ها به مقصد می‌رسند.

منشی، نصرالله: نویسنده‌ی کلیله و دمنه است. داستان‌های این کتاب از زبان دو شغال کلیله و دمنه نقل می‌گردد. اصل کتاب هندی بوده و ابن مقفع ترجمه‌ی پهلوی را به عربی و نصرالله منشی آن را به فارسی برگرداند.

قبادیانی، ناصر خسرو: شاعر بزرگ و قصیده‌سرای قرن پنجم است.

جامی، عبدالرّحمن: شاعر و نویسنده‌ی بزرگ قرن نهم است. او «بهارستان» را به تقلید از «گلستان» سعدی نوشت. جز دیوان شعر و آثار منثور، «هفت اورنگ» او که دربرگیرنده‌ی هفت مثنوی است شهرت فراوان دارد.

معلم دامغانی، محمّدعلی: متولّد ۱۳۳۰ از شاعران انقلاب است. از او مجموعه شعری به نام «رجعت سرخ ستاره» در سال ۱۳۶۰ به چاپ رسید.

امین‌پور، قیصر: شاعر و نویسنده‌ی معاصر متولّد ۱۳۳۸ شوشتر خالق آثاری چون «در کوچه‌ی آفتاب» ، «تنفس صبح» ، «آینه‌های ناگهان» ، «ظهر روز دهم» ، «مثل چشمه، مثل رود» ، «به قول پرستو» و «انتظار موعود» می‌باشد.

سلطان هراتی: متولّد ۱۳۳۹ در تنکابن است. او در سال ۱۳۶۵ در یک حادثه‌ی رانندگی درگذشت. از وی آثاری چون «از آسمان سبز» ، «از این ستاره، تا آن ستاره» و «دری به خانه‌ی خورشید» می‌باشد.

موذنی، علی: متولّد ۱۳۳۷ از شاعران انقلاب است. از آثار او: «ملاقات در شب آفتابی» ، «نه آبی نه خاکی» ، «ارتباط ایرانی» و «در انتظار شاعر» می‌توان نام برد.

راکعی، فاطمه: متولّد ۱۳۳۳ در زنجان از شاعران انقلاب است. آثار او: «سفر سوختن» و «آواز گلسنگ» می‌باشد. وی در اشعارش به عظمت شخصیت امام پرداخته است.

باقری، ساعده: متولّد ۱۳۳۹ از شاعران انقلاب است و صاحب آثار: «نجوای جنون» و «شعر امروز» است. سروده‌ی «چشم‌های زمین» نجوای شاعر با خود است.

رهنما ، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که در کتاب «پیامبر» زندگی پیامبر را توصیف می‌کند.

بهمن بیگی، محمّد: متولّد ۱۲۹۹ در فارس نویسنده‌ی ایل قشقایی است. او دوران کودکی و نوجوانی خود را در کتاب «بهارای من، ایل من» گرد آورده است.

هاتف اصفهانی، سیّد احمد: متوفی به سال ۱۱۹۸ هـ . ق. شاعر دوره‌ی افشاریه و زندیه بوده است. در غزل پیرو سعدی و حافظ بوده است. عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی ترجیع‌بند عرفانی اوست.

رازی، نجم‌الدّین: «دایه» (٦٥٤ — ٥٧٠) خالق اثر «مرصادالعباد» از عرفای بزرگ قرن هفتم است. این کتاب را در بحبوحه‌ی حمله مغول در سال ٦١٨ نگاشته و در آن به بررسی مهم‌ترین مسائل عرفانی پرداخته است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

وقت سحر

دوش وقتِ سحر از غصّه نجاتم دادند — و اندر آن ظلمتِ شب آبِ حیاتم دادند
بی‌خود از شعشعه‌ی پرتوِ ذاتم کردند — باده از جامِ تجَلّیِ صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی — آن شبِ قدر که این تازه براتم دادند
بعد ازین روی من و آینه‌ی وصفِ جمال — که در آن‌جا خبر از جلوه‌ی ذاتم دادند
من اگر کام‌روا گشتم و خوشدل چه عجب — مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند
هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت داد — که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند
این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد — اجر صبری است کزان شاخِ نباتم دادند

همّت حافظ و انفاسِ سحرخیزان بود
که زبندِ غمِ ایّام نجاتم دادند

روز وداع یاران

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران — کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
هر کاو شراب فُرقت روزی چشیده باشد — داند که سخت باشد قطع امیدواران
با ساربان بگویید احوال آب چشمم — تا بر شتر نبندد محمل به روزِ باران
بگذاشتند ما را در دیده آب حسرت — کریان چو در قیامت، چشم گناهکاران
ای صبحِ شب‌نشینان جانم به طاقت آمد — از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران
چندین که برشمردم از ماجرای عشقت — انروه دل نگفتم الاّ یک از هزاران
سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل — بیرون نمی‌توان کرد الاّ به روزگاران
پندت کنم حکایت، شرح این قَدَر کفایت — باقی نمی‌توان گفت الاّ به غمگساران

شراب روحانی

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی — تا دمی برآسایم زین حجاب ظلمانی
طرّه‌ی پریشانش دیدم و به دل گفتم — این همه پریشانی بر سر پریشانی
بی‌وفا نگار من، می‌کند به کار من — غمزه‌های زیر لب، عشوه‌های پنهانی
دین و دل به یک دیدن باختیم وخرسندیم — در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی؟
خانه‌ی دل ما را از کرم عمارت کن — پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی
ما سیه کلیمان را جز بلا نمی‌شاید — بر دل بهایی نِه، هر بلا که بتوان

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ملک سلیمان

پیش صاحب نظران مُلک سلیمان باد است — بلکـــه آن است سیلمان که ز مُلک آزاد است

آن کـــــه گویند که بر آب نهاده‌دست جهان — مشنـــــو ای خواجه که تا در نگری بر باد است

دل در این پیرزن عشـــــــوه‌گر دهر مبند — کاین عروسی است که در عقدِ بسی داماد است

خاک بغـــــــداد به مـــــرگ خلفا می‌گرید — ورنه این شطّ روان چیست که در بغـداد است

کـــر پُر از لالـــه‌ی سیراب بُوَد دامنِ کوه — مرو از راه که آن خـونِ دل فـــــرهاد است

هـــمچو نرگس بکشا چشم و ببین کاندر خاک — چند روی چو گل و قامت چـون شمشاد است

خیـــــمه‌ی اُنس مزن بر درِ این کهنه رباط — که اساسش همـــــــه بی‌موقع و بی‌بنیاد است

حاصلی نیست به جز غم ز جهان خواجو را

شادیِ جانِ کسی کاو زجـهان آزاد است

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

الف

اجابت: پذیرفتن، قبول کردن

اختلاف: رفت‌وآمد

ازار: لنگ

استفلاص: رهایی جستن، رهایی دادن، رهاییدن

استنشاق: چیزی را بوی کردن، بوییدن

اعراض: روی برگرداندن

اعورانه: (قید است) مثل آدم اعور؛ یک چشم

اِلحاح: پافشاری کردن، اصرار کردن

امام: پیشوا، راهنما

امام‌زاده: بزرگ‌زاده، محتشم

امهال: مهلت دادن

انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا

اوراد: جمع ورد، دعاها

اهمال: فروگذاشتن، سستی کردن در کاری

ایجاز: کوتاه گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت

ایدر: این‌جا، اکنون

ایما: اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

ب

بادْاَفره: مجازات، کیفر

باره: اسب

باسق: بلند

بدیع: نو، تازه، دانشی که در آن از صنعت‌های کلام و زیبایی‌های الفاظ نظم و نثر بحث شود.

برگستوان: پوششی که جنگاوران قدیم به هنگام جنگ می‌پوشیدند، پوشش اسبان و فیل‌ها به هنگام جنگ.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

پ

پاتابه: (پایتابه)، نواری که به ساق پا پیچند.

پرخاشخر: پرخاشجو، جنگجو

پیراستن: زینت دادن، مزّین کردن، زینت کردن همراه با کاستن

ت

تاک: درخت انگور

تتمّه: به جای مانده، باقی مانده‌ی چیزی

تجلّی: نمودار شدن، هویدا شدن

تحیّر: سرگشته شدن، سرگردانی

تخمیر: سرشتن، مایه زدن

تذرو: قرقاول، نام پرنده‌ای

تراژدی: نوعی نوشته یا نمایش‌نامه که موضوعی غم‌انگیز دارد.

ترسا: نصرانی، مسیحی

تزار: پادشاهان روسیّه در گذشته

تضرّع: زاری کردن، التماس کردن

تضریب: فتنه‌انگیزی، دو به هم‌زنی

تفاخر: به خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن

تفرّس: دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست

تقریر کردن: بیان کردن، روشن ساختن

تقصیر: گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی

تک: دو

تک: عمق، ژرفا

تل: هر چیزی بر روی هم خرمن کرده باشند، تپّه، پشته

تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت

توزی: منسوب به توز، پارچه‌ی نازک کتانی که نخست در شهر توز می‌بافته‌اند.

توقیع: امضا کردن نامه و فرمان

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ت

ثِقَت (ثقه): اعتماد کردن

ج

جال: دام برای پرندگان، تله

جُبّه: جامه‌ی گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند.

جمّازه: (جمّاز) شتر تیزرو

جُنحه: گناه، بزه

جنیبت: یدک، جنیبت‌کش

جولاهه: بافنده، نسّاج، عنکبوت

جیب: گریبان، یقه

چ

چارق: کفش چرمی

چاووش در داد: بانگ زد، جار زد، نداد در داد.

چنبر: محیط دایره، حلقه، قید، گرفتاری

ح

حِبری رنگ: کبود رنگ، حِبر: مرکب

حبّه: دانه

حُقّه: ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیای دیگر گذارند، قوطی

حِلیه: زیور، زینت

حمیّت: مردانگی، غیرت

خ

خازن: خزانه‌دار، نگهبان خزانه، فرشته

خایب: ناامید، بی‌بهره

خَبط: بی‌راه رفتن، کژ رفتن

خُطُوات: گام‌ها، قدم‌ها، جمع خُطوه

خلعت: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بخشد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

خَلَق گونه: کهنه، ژنده، پوشیده

خلیده: زخمی، زخم‌شده

خیلتاش: گروه نوکران و چاکران

د

دُرّاعه: جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جُبّه، بالاپوش

دریغ: مضایقه، بی‌دریغ: بی‌مضایقه

دَگَنَک: چماق، گرز بزرگ

دلاّک: موی تراش، سلمانی، کسی که در حمّام مردم را کیسه کشد.

دَوال: چرم و پوست، یک دوال: یعنی یک لایه، یک پاره

دَها: زیرکی، هوشمندی

دیر: محلی که راهبان در آن عبادت کنند، صومعه

ر

راغ: صحرا، بیابان

راهب: عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه‌نشین

راهوار: تندرو، فراخ گام، خوش‌راه

رای زدن: مشاوره، با کسی در کاری مشورت کردن

رای‌زن: مشاور، کسی که در کاری با وی مشورت کنند.

رباط: کاروان‌سرا

رب‌النوع: پروردگار نوع در نظر مشرکان مثلاً خدای آتش، خدای درختان

ربیع: بهار

رحیل: کوچ، کوچیدن

ردا: جامه‌ای که روی جامه‌ی دیگر پوشند

رَز: سمّ مهلک

رغم: به خاک آلودن بینی، خلاف میل کسی عمل کردن، برخلاف میل، کراهت

رند: زیرک، حیله‌گر، لاابالی، آن که ظاهر خود را در ملامت دارد و باطنش سالم باشد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

رواق: ایوانی که در طبقه‌ی دوم ساخته شود. سایبان، پیشگاه‌خانه

روضه: باغ، گلزار (روضه‌ی رضوان: بهشت)

ز

زعارت: بدخویی، بدخلقی، تند مزاجی

زُنّار: کمربندی که زرتشتیان یا مسیحیان بر کمر می‌بستند تا از مسلمانان شناخته شوند.

ژ

ژاژ: بوته‌ی گیاهی به غایت بی‌مزّه و هر چند شتر آن را بجود نرم نمی‌شود. ژاژ خاییدن کنایه از کار بیهوده کردن است.

ژکیدن: آهسته سخن گفتن در زیر لب از روی خشم و غضب، غرولند کردن

س

ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است.

سجایا: جمع سجیه یعنی خلق و خوی و عادت نیک

سِدره: نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را سدره‌الممنتهی گویند.

سر: رئیس

سَطوت: حشمت، مهابت، غلبه، وقار

سُفت: دوش، کتف

سُقُلمه: ضربه با گوشه‌ی مشت، آرنج یا مشت دست که معمولاً برای هشدار دادن زده می‌شود.

سِلک: رشته، نخ

سیّال: بسیار روان

ش

شاهد: زیباروی، محبوب، معشوق

شرارت: بدی کردن، بدخواهی، فتنه‌انگیزی

شِراع: سایه‌بان، خیمه

شعشعه: پراکنده شدن روشنایی

شقیقه: قسمت فوقانی خارجی استخوان سر، گیج‌گاه

شمایل: صورت، چهره

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

شیشک: گوسفند یک ساله

شیلینگ: پول انگلیسی معادل $\frac{۱}{۲۰}$ لیره‌ی استرلینگ

ص

صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز

صیانت: نگهداری

ض

ضَیّعت: زمین زراعتی

ط

طاسَک: طاس کوچک، آویز طلا و نقره‌ی زینتی

طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن

ع

عاکف: کسانی که در مدّتی معیّن در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.

عتاب: خشم گرفتن، غضب، ملامت

عُصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند.

عِقد: گردن‌بند

عَلَق: خون بسیار سرخ، خون غلیظ

علیل: بیمار، رنجور

عود: درختی است که از سوزاندن چوب آن بوی خوشی پراکنده می‌شود.

غ

غازه: گلگونه، سرخاب

ف

فایق: برگزیده، برتر

فتراک: تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب آویزند، ترک‌بند

فتوّت: جوانمردی، مردانگی

فرّاش: فرش‌گستر، گسترنده‌ی فرش

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

فرض: واجب گردانیدن، تعیین کردن

فرقت: جدایی، دوری

فرقَدان: (دو فَرْقَد) دو ستاره‌ی راهنما در صورت فلکی دبّ اکبر در نزدیکی قطب شمال

فر: شکوه

فرّهی: شکوه، شأن و شوکت و دارای فر بودن

فُشار: سفن بیهوده

ق

قاش: قاچ، برجستگی جلو زین اسب که از چوب، شاخ یا فلز سازند. کوهه‌ی زین، قُبّه‌ی پیش‌زین

قاصدک: گل قاصد

قبضه: یک مشت از هر چیز

قبّه: عمارت گنبدی‌شکل

قدوم: آمدن، قدم نهادن

قُربت: نزدیکی

قلیه: نوعی خوراک از گوشت، در متن درس مقصود از «قلیه‌ی حلوا»نوعی حلوا با روغن و آرد است.

قیه: جیغ، قیه کشیدن: جیغ کشیدن به هنگام جشن

ک

کاینات: جمع کاینه، موجودات جهان

کتان: گیاهی است که از ساقه‌های الیاف آن در نسّاجی استفاده می‌کنند.

کرامت: کرم، بخشش

کُرَنْد: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد.

کژفهیم: کژرفتار، بدرفتار

کسوت: لباس

کَشْ: بغل، آغوش

کش: خوش، خرم

کَهَر: رنگ سرخ مایل به تیرگی (مخصوص اسب و استر)، در این‌جا مطلق اسب مراد است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

گ

گَبر: خفتان، لباس جنگی

گُرازان: جلوه‌کنان و با ناز راه رفتن

گره‌گوری: کنایه از افراد بدبخت و سیاه‌بخت (کوروکچل، لاغر و سیاه)

گز: (تیرگز): نوعی درخت

گشن: انبوه، پُرشاخ و برگ

ل

لابه: اظهار نیاز، تضرّع، التماس

لت: سیلی، لت زدن: سیلی زدن، خدشه به کسی وارد کردن

لَمحه: مدتی اندک چون چشم به هم زدن

م

مال‌بند: قطعه چوبی دراز که در جلو درشکه و ارابه نصب کنند و اسب‌ها را به دو طرف آن بندند.

مالیده: در مورد دستار ظاهراً به معنای خوب و مرغوب است. در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتّب شده و در عبارت نیک بمالید یعنی کوشمال داد.

مباهات: فخر کردن، نازیدن

مُتَصیّد: شکارگاه

متقارب: نزدیک‌شونده، همگرا

متقاعد کنند: بقبولانند، مجاب کنند

متمادی: مدّت‌دارنده، طولانی، دراز

متواتر: پی‌درپی

مجلس گفتن: مجالس وعظ و پند که مشایخ صوفیّه برگزار می‌کردند.

مجمر: آتش‌دان

مُحاق: پوشیده‌شده، احاطه شده، حالت ماه در سه شب آخر ماه قمری که از زمین دیده نمی‌شود.

محاورات: جمع محاوره، گفت‌وگوها

محتشم: دارنده‌ی شکوه و حشمت

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

محمل: کجاوه که بر شتر بندند

مِفْتَقه: کردن‌بند، قلاّده

مدّعی: ادّعاکننده، خواهان

مراوده: دوستی، رفت‌وآمد

مزید: افزونی، زیادی

مسالمت: آشتی کردن با یکدیگر، خوش‌رفتاری

مستغرق: غرق‌شده

مستلزم: لازم‌دارنده

مشحون: پرشده، انباشته، مملو

مضیف: جای ضیافت، مهمان‌خانه

مضیق: تنگنا، کار سخت و دشوار

مُطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت‌شده

مطاوعه: اطاعت، فرمان‌برداری

مطلق: رهاشده، آزاد

معارضه: ستیزه کردن

مُغ: موبد زردشتی، زردشتی

مَغاک: جای فرورفته و گود، گودال

مفرّح: شادی‌بخش، فرح‌انگیز

مفخر: آن‌چه بدان فخر کنند

مقیم: کسی که در جایی مسکن گرفته، اقامت‌کننده

مَلَنگ: مست، بی‌خود و بی‌هوش

مُمد: مددکننده، یاری رساننده

مُنْکَر: زشت

مواجب: (جمع موجب) وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب است.

مواهب: بخشش‌ها، جمع موهبت

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

مودّت: دوستی گرفتن، دوستی، محبّت

موزه‌ی میکائیلی: نوعی کفش

موقّر: باوقار، بزرگوار

موهبت: بخشش

مهد: گهواره

مُهْمَل: کلام بی‌معنی و بیهوده

ن

ناو: قایقی کوچک که از درختی میان‌تهی سازند.

نَزِه: باصفا، خوش آب‌وهوا

نشتر: نیشتر، چاقوی فلزّی نوک‌تیز، تیغ جرّاحی

نفقه: انفاق و بخشش، آن‌چه صرف هزینه‌ی زن و فرزند شود.

نمط: روش، طریقه

نوش: شهد و شیرینی، گاه‌نوش به تنهایی به معنی «گوارا باد»است.

نهفت: پناهگاه

و

واصف: وصف‌کننده، ستاینده

وقیعت: سرزنش، بدگویی

هـ

هَزار: بلبل، عندلیب

هزاهز: آشوب فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد.

هماورد: هر یک از دو کس که با یکدیگر جنگ کنند، حریف، رقیب

همیان: کیسه‌ی پول

ی

یال: گردن، موی گردن اسب و استر

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آتاتورک: پدر ترک، لقب مصطفی کمال پاشا (۱۹۳۸ – ۱۸۷۸ م.) بنیان‌گذار و رهبر جمهوری ترکیه.

آتن: بزرگ‌ترین شهر یونان قدیم و پایتخت آن، امروزه نیز این شهر پایتخت کشور یونان است.

آغاچی خادم: خادم خاص سلطان مسعود غزنوی

آل احمد، جلال: نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۲ در خانواده‌ی روحانی متولّد شد و پس از سال‌ها مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی در سال ۱۳۴۸ در اسالم گیلان درگذشت. از آثار او «نون والقلم» ، «غرب‌زدگی» ، «مدیر مدرسه» ، «ارزیابی شتاب‌زده» و ... .

آلمان: منطقه‌ی وسیعی در اروپای مرکزی، این کشور در جنگ جهانی دوم به دو کشور آلمان‌شرقی و آلمان‌غربی تقسیم شد.

آموی: نام قدیمی رود جیحون که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد. این رود سابقاً به دریای خزر می‌ریخته است ولی امروز مصبّ آن دریاچه‌ی آرال است.

آنّا کارنینا: نام یکی از رمان‌های لئون تولستوی نویسنده‌ی بزرگ روس

آن‌جا که حق پیروز است: کتابی است از پرویز خرسند که درباره‌ی وقایع عاشورا نگاشته شده است.

آواز گلسنگ: مجموعه شعر فاطمه راکعی شاعر معاصر

ابوبکر ورّاق: عارف بزرگ ایرانی در قرن سوم. زادگاهش تَرمذ و معاصر احمد خضرویه است.

ابوالحسن بولانی: قاضی بُست در عصر سلطان مسعود غزنوی

ابوعلی دقّاق: فقیه و عارف قرن چهارم و پنجم، وی اهل نیشابور بود و ابوالقاسم قشیری از مریدان اوست.

ابوالعلای طبیب: پزشک مخصوص سلطان مسعود غزنوی

ابوالقاسم قُشیری: ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک از بزرگان صوفیّه در قرن چهارم، کتاب «رساله‌ی قشیریه» از آثار اوست.

اُحد: کوهی است در حجاز که یکی از جنگ‌های پیامبر در نزدیک آن روی داده است.

احمد شاه: پسر محمّد علی شاه و آخرین شاه قاجار، وی در دوازده سالگی بعد از خلع محمّد علی شاه به سلطنت رسید.

اخلاق‌الاَشراف: کتابی است نوشته‌ی عبید زاکانی شاعر و طنزپرداز قرن هشتم. این کتاب نمونه‌ای از طنز وی است.

ارتباط ایرانی: رمانی از علی مؤذّنی نویسنده‌ی معاصر

از آسمان سبز: مجموعه‌ی شعری از سلمان هراتی شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی

از این ستاره تا آن ستاره: مجموعه شعری از سلمان هراتی برای نوجوانان

اژدهای هفت سر: نام کتابی از دکتر ابراهیم باستانی پاریزی است که به تبیین راه ابریشم در طول تاریخ می‌پردازد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

اسرارالتّوحید: کتابی است تألیف محمّد بن منّور در شرح حال ابوسعید ابوالخیر. محمّد بن منّور یکی از نوادگان ابو سعید است.

اسفندیار: پهلوان رویین‌تن پسر گشتاسب، که سرانجام به دست رستم کشته شد.

اسکندر: اسکندر مقدونی پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی جانشین پدرش شد. وی در سال ۳۳٤ ق. م. به عزم تسخیر ایران حرکت کرد. پس از جنگ‌ها و فتوحات زیاد از جمله شهرهای ایران در ۳۲ سالگی در بابل درگذشت.

اسلامی ندوشن، محمّدعلی: نویسنده‌ای معاصر، صاحب آثاری چون: «صفیر سیمرغ» ، «روزها» ، « جام جهان‌نما» و ... .

اَشکبوس: یکی از پهلوانان تورانی که به دست رستم کشته می‌شود.

اصفهانی، عبدالرّزّاق: سیّد احمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم، وی به خاطر ترجیع‌بند عرفانی خود شهرت فراوانی کسب کرده است.

افغانی، علی‌محمّد: رمان‌نویس معاصر، صاحب رمان‌هایی چون: «شوهر آهوخانم» ، «شادکامان دره‌ی قره‌سو» ، «شلغم میوه‌ی بهشته» و «بوته‌زار»

اقتصاد عصر صفوی: کتابی است از نویسنده‌ی معاصر باستانی پاریزی

اکوان دیو: نام دیوی که رستم را به دریا افکند و بعد به دست رستم کشته شد.

امیرعلی، قریب: از بزرگان عصر سلطان محمود که در به تفت نشاندن مسعود سهم بزرگی داشت و به وسیله مسعود اموال او ضبط و خود گرفتار شد.

امیر فجر، میثاق: داستان‌نویس معاصر، «فجر اسلام» ، «دو قدم تا قاف» ، «انسان میوه‌ی نقل» و «اشراق» از آثار اوست.

امین‌پور، قیصر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «در کوچه‌ی آفتاب» ، «تنفّس صبح» و «آینه‌های ناگهان» از آثار اوست.

اَنَس‌بن حارث: یکی از یاران امام حسین (ع) که در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

انصاری، خواجه عبدالله: پیر هرات (٤٨١ — ٣٩٦ هـ .) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می‌توان به «مناجات‌نامه» ، «نصایح» ، «کنزالسّالکین» و «الهی‌نامه» اشاره کرد.

اورمزد: خدای بزرگ ایرانیان باستان و زرتشتیان

ایتالیا: کشوری در جنوب اروپا که پایتخت آن رم است.

ایّوبی، صلاح‌الدّین: قهرمان مسلمان و کرد جنگ‌های صلیبی (٥٨٩ — ٥٣٢ هجری)

باستانی پاریزی، محمّد ابراهیم: نویسنده‌ی معاصر، «هشل‌الهفت» ، «خاتون هفت قلعه» ، «وادی هفت واد» و «از پاریز تا پاریس» از آثار اوست.

بحرین: کشوری در خلیج‌فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

باقری، ساعد: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعر «نبوای جنون» از آثار اوست.

بحرین: کشوری در خلیج‌فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

بقارای من ایل من: نام کتاب محمّد بهمن بیگی نویسنده‌ی معاصر

بدر: چاهی است در نزدیکی مدینه که جنگ بدر در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفّار در این منطقه رخ داد.

بروکسل: پایتخت کشور بلژیک

بلژیک: کشوری اروپایی که با هلند، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ مرز مشترک دارد.

بونصر مشکان: دبیر رسایل دربار محمود و مسعود غزنوی است که تا پایان عمر بر این سمت می‌ماند. وی استاد و مقتدای بیهقی است و بیهقی همه جای تاریخ خود از او به نیکی و بزرگی یاد کرده است.

بوسهل زوزنی: از مشاوران مسعود غزنوی است که یک چند پوشیده وزیری می‌کند و نتیجه‌ی هر یک از دخالت‌های ناروای او در مسایل مملکتی به فاجعه‌ای می‌انجامد. وی مدّت کوتاهی پس از مرگ بونصر مشکان سرپرستی دیوان رسایل را بر عهده دارد.

بهمن: نام پسر اسفندیار که انتقام خون پدر را از خانواده‌ی رستم گرفت.

بهمن بیگی، محمّد: نویسنده‌ی کتاب «ایل من بقارای من»، معاصر.

پاریز: یکی از روستاهای استان کرمان

پاریس: پایتخت کشور فرانسه

پاشایی. ع: مترجم و نویسنده‌ی معاصر، از ترجمه‌های او می‌توان به «زن چیست؟» و «ماه نو و مرغان آواره» اشاره کرد.

پانتئون: در یونان و روم معبد خدایان را پانتئون می‌گفتند. بنایی که اکنون در پاریس به این نام خوانده می‌شود در سال ۱۷٦٤ به منظور کلیسا پی‌ریزی شد ولی بعدها محل دفن بزرگ‌مردان فرانسه شد.

پشوتن: نام پسر گُشتاسب، طبق روایت زرتشتیان وی به دست زرتشت فناناپذیر شد.

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابو علی بلعمی در قرن چهار، این کتاب اقتباسی است از تاریخ طبری، به همین سبب به ترجمه‌ی تاریخ طبری مشهور شده است.

تاریخ جهان‌گشای جوینی: کتابی است تاریخی — ادبی تألیف عطاملک جوینی (٦٢٣ — ٦٨١ هـ .) در این کتاب حمله‌ی تاریخی مغولان به ایران تشریح شده است.

تاگور، رابیند راناث تاگور: شاعر بزرگ هندی (۱۹٤۱-۱۸٦۱ م.). وی به اخذ جایزه‌ی نوبل نایل آمد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تحفه‌الاحرام: یکی از مثنوی‌های هفت اورنگ عبدالرّحمن جامی شاعر و نویسنده‌ی قرن نهم

تخت جمشید: محلّی است واقع در مرودشت فارس، ساختمان آن در زمان داریوش اوّل آغاز شد، از آثار مهمّ تخت جمشید ارگ یا قلعه‌ای است که اسکندر آن را آتش زد.

تختی، غلامرضا: کشتی‌گیر بزرگ معاصر که به او لقب جهان‌پهلوان داده‌اند.

تزار: نام عمومی پادشاهان تزاری روسیّه

تدیّن: وی از ناطقان زبردست حزب دمکرات بود. در دوره‌های چهارم و پنجم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید.

تذکرةالاولیا: کتابی است تألیف شیخ فریدالدّین عطار در شرح حال بزرگان عرفان و تصوّف.

تذکره‌ی دولتشاه سمرقندی: شرح حال شعرا از رودکی تا قرن نهم، مؤلّف آن دولتشاه سمرقندی است. وی این کتاب را در سال ۸۹۶ هجری به پایان رسانده است.

تیبر: رودخانه‌ای در ایتالیا

جامی، عبدالرّحمن: شاعر و نویسنده‌ی معروف ایرانی (۸۹۸-۸۱۷)آثار منظوم او عبارت‌اند از: «هفت اورنگ» به تقلید خمسه‌ی نظامی با نام: «سلسلة‌الذّهب» ، «سلامان و ابسال» ، «تحفة‌الاحرار» ، «سبحة‌الابرار» ، «یوسف و زلیخا» ، «لیلی و مجنون» و «خردنامه‌ی اسکندری».

بعضی از آثار نثر او عبارت‌اند از: «نقدالنّصوص» ، «نفحات‌الانس» ، «لوایح و لوامع».

جبریل (جبرئیل): یکی از چهار فرشته‌ی مقرّب خداوند. جبرئیل حامل وحی برای پیامبر است.

جبل‌الطّارق: تنگه‌ای است بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند.

جنگ و صلح: رمانی است از لئون تولستوی که در سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۶۴ م. به رشته‌ی تحریر درآورده است. در این کتاب اوضاع اجتماعی روسیّه در هنگام لشکرکشی ناپلئون بران کشور تشریح شده است.

جُنید بغدادی: ابوالقاسم بن محمّدبن جنید عارف معروف و عالم دینی (۲۹۷ هـ .) وی از نخستین کسانی است که درباره‌ی علم توحید در بغداد سخن گفته است.

جولان: منمطقه‌ای کوهستانی بین اردن و سوریه که غالباً نیروهای صهیونیستی به آن‌جا حمله می‌کنند.

جیحون: رودی است که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد.

چارلز دیکنز: داستان‌نویس مشهور انگلیسی (۱۸۷۰-۱۸۱۲ م.) از آثار او می‌توان به رمان‌های «دیوید کاپرفیلد» ، «آرزوهای بزرگ» و «داستان دو شهر» اشاره کرد.

حاتمی، علی: فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

حسنک وزیر: خوش‌نام‌ترین و محبوب‌ترین وزیر محمود غزنوی است که پس از مغضوب شدن میمندی به این سمت برگزیده می‌شود. امّا چون در جریان سلطنت مسعود غزنوی با او هم‌داستان نیست و برادرش محمّد را ترجیح می‌دهد از طرف دارگاه مسعود به سعایت بوسهل‌زوزنی به اعدام محکوم می‌شود. داستان اعدام حسنک شورانگیزترین بخش تاریخ بیهقی است.

حسینی، سیّدحسن: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «هم‌صدا با حلق اسماعیل» و «کنجشک و جبرئیل» از آثار اوست.

حماسه‌ی کویر: از آثار نویسنده‌ی معاصر محمّد ابراهیم باستانی پاریزی

خاتون هفت قلعه: از آثار نویسنده‌ی معاصر محمّد ابراهیم باستانی پاریزی

خاقانی: افضل‌الدّین بدیل خاقانی ملقّب به حسّان‌العجم (۵۸۲–۵۲۰ هـ .) شاعر قصیده‌سرای قرن ششم هجری، وی در قوّت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ بی‌نظیر است.

خدیجه: امّ‌المومنین، دختر خویلدبن اسد بن عبدالعُزّی نخستین زن حضرت رسول اکرم، وی در سال سوم هجری از دنیا رفت.

خرسند، پرویز: نویسنده‌ی معاصر، «آن‌جا که حق پیروز است» از آثار اوست.

خواجوی کرمانی: شاعر معاصر حافظ (۷۵۳–۶۸۹ هـ .) وی پس از کسب علم و فضایل به سفر پرداخت. خمسه‌ای به سبک نظامی پرداخته است شامل «همای و همایون» ، «گل و نوروز» ، «روضة‌الانوار» ، «کمال‌نامه» و «گوهرنامه». خواجو غزلیّات شیوایی دارد.

خواجه احمد: احمد حسن میمندی وزیر محمود و مسعود غزنوی. وی مدّتی مغضوب سلطان محمود واقع شد و به جای او حسنک به وزارت برگزیده شد. امّا در زمان مسعود با اکرام و اعزاز به وزارت رسید و تا لحظه‌ی مرگ در این سمت باقی ماند.

داستایوسکی: رمان‌نویس روسی، از آثا او می‌توان به «برادران کارامازف» ، «ابله» ، «خانه‌ی اموات» و «دهکده‌ی استپانچکوف» اشاره کرد.

در انتظار شاعر: کتابی است شامل دو داستان کوتاه از نویسنده‌ی معاصر علی مؤذّنی

داوود: پیامبر قوم اسرائیل، او شاعر بود و از خود کتاب «مزامیر» را به‌جای گذاشته است که به «زبور» معروف است.

دیریاسین: روستایی در فلسطین که رژیم اشغالگر قدس مردم آن‌جا و روستای کَفَر قاسم را قتل‌عام کرد.

دیو سفید: دیوی که مویش سفید بود. در لشکرکشی کی‌کاووس به مازندران کی‌کاووس را به جادویی نابینا و دربند کرد. رستم پس از آگاهی از این موضوع پس از گذر از شش خان دیو سفید را کشت و جگرش را درید و از آن برای بینایی کاووس و سران سپاه ایران استفاده کرد.

راکعی، فاطمه: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی، کتاب‌های «سفر سوختن» و «آواز گلسنگ» از آثار اوست.

رستم: پهلوان ایرانی پسر زال و رودابه که زادن او چون زندگی‌اش پر از شگفتی بود. تمام عمر پرمایه‌ی او به پهلوانی گذشت و در تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شتافت. کاووس را دو بار نجات داد. از شش خان گذشت با دیو سپید جنگید. بیژن را از چاه نجات داد. کین سیاوش را گرفت و با اسفندیار جنگید. و سرانجام به دسیسه‌ی برادرش شغاد کشته شد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

رضاخان: سرسلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰٤)از نظامیان بود و پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانده کلّ قوا شد و در سال ۱۳۰٤ بر تخت سلطنت نشست و در ۲۵ شهریور هنگامی که ایران در اشغال متّفقین بود از سلطنت کنار رفت.

رم: پایتخت کشور باستانی ایتالیا که هزار سال پایتخت امپراتوری روم بود. این کشور بناها و کاخ‌ها و موزه‌های قدیمی بسیاری دارد.

روسیّه: نامی که سابقاً به امپراتوری وسیع تزار اطلاق می‌شد. کشوری وسیع (بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر) پایتخت آن شهر مسکو است. اکثر مردم این کشور از نژادهای اسلاو هستند پس از انقلاب کبیر روسیّه در سال ۱۹۱۷ حکومت تزارها پایان رفت.

روضه‌ی خلد: کتابی است به تقلید از گلستان سعدی و بر همان شیوه که مجدخوافی آن را در سال ۷۳۲ نوشت و در سال ۷۳۳ در آن تجدید نظر کرد. مجدخوافی از ادیبان قرن هشتم بود که در نظم و نثر استادی کامل داشت.

روم ← رم

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که با قلم شیوا و هنرمندانه‌ی خود آثاری چند در زمینه‌ی داستان و شرح حال آفریده است از جمله زندگی حضرت رسول اکرم با نام «پیامبر» که از بهترین آثار او به شمار می‌آید.

زابل: شهرهای متعدّدی در ساحل هیرمند بوده است که مهد خیزش حماسه‌های باستانی ایران و خاستگاه آینده‌ی موعود زرتشتیان است که از دریاچه‌ی هامون ظهور می‌کند. شهر فعلی زابل از شهرهای اخیر استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در جنوب زاهدان واقع است. این شهر در مرز افغانستان است، نام قدیم آن نیمروز بوده است. مردم آن به گویش زابلی تکلّم می‌کنند.

زابلستان: ایالت زابل که در جنوب بلخ و مغرب خراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بوده و مرکز آن شهر غزنین بود. این شهر در صدر اسلام هنگام خلافت عثمان بن عفّان فتح شد.

زاکانی، عبید: نظام‌الدّین عبدالله مشهور به عبید زاکانی اهل زاکان قزوین بود. وی از بزرگ‌ترین طنزپردازان ایران و از شاعران قرن هشتم است. بعضی از آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی دلگشا» ، «اخلاق‌الاشراف» و «موش و گربه».

زال: پسر سام و پدر رستم، جهان پهلوان ایرانی که پس از تولّد به علّت سفیدی مو از سوی پدر طرد شد و به کوه البرز برده شد. وی را سیمرغ پرورد و چون جوانی برومند شد پدر با خوابی که دید او را از کوه برگفت. وی عاشق رودابه دختر شاه کابلستان شد و با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج رستم جهان پهلوان ایرانی شد.

زرتشت: پیامبر ایرانی که در آذربایجان یا ری متولّد شد. وی معاصر گشتاسب پادشاه ایرانی بود گشتاسب دین او را پذیرفت و مروّج آن شد. اوستا کتاب دینی او بود که شامل سروده‌های (گات‌ها) است وی در حمله‌ی دوم ارجاسب به دست یک تورانی کشته شد.

زرّین‌کوب عبدالحسین: محقّق و نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۱ در بروجرد متولّد شد. وی قلمی روان، شیوا و رسا دارد. از آثار او

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

می‌توان به کتاب‌های «با کاروان حلّه» ، «بدر در کوزه» ، «نقد ادبی» ، «بامداد اسلام» ، «جستجو در تصوّف» ، «از چیزهای دیگر» ، «نه شرقی نه غربی، انسانی» ، «سرّنی» ، «پلّه‌پلّه تا ملاقات خدا» و ... را اشاره کرد.

زواره: پسر زال و برادر رستم و از پهلوانان کیفسرو بود که در تمامی جنگ‌ها یاور رستم و کارگزار وی بود.

ساعدی، غلامحسین: مشهور به گوهر مراد (۱۳۶٤-۱۳۱٤) در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسّطه را در زادگاهش سپری کرد. در تهران ادامه‌ی تحصیل داد و روان‌پزشک شد. وی نویسنده‌ای پرکار بود و آثار زیادی را در زمینه‌ی نمایش و داستان از خود برجای گذاشت چون: «چوب به دست‌های ورزیل» ، «آی با کلاه ، آی بی‌کلاه» ، «عزاداران بیل» و «گور و گهواره» ، «گاو» ، «توپ» ، «ترس‌ولرز» و ... .

سامانیان: خاندانی ایرانی که بر بخشی از خراسان و ماوراءالنّهر از سال ۲٦۱ تا ۳۸۹ حکومت داشتند. نوح، منصور، احمد و یحیی از فرزندان اسد بودند و او فرزند سامان خدات سرسلسله‌ی این خاندان بود که ایشان سالیانی دراز حوزه‌ی این دولت را گسترش دادند. هنر و ادبیات و سایر علوم در این عصر در اوج تعالی خود بود.

سامری: نام مردی از قوم موسی (بنی‌اسرائیل) که آنان را فریفت و به پرستش گوساله‌ی زرین واداشت. وی هنگام غیبت موسی از فرصت استفاده کرد و مردم را با حیله و نیرنگ به گوساله‌پرستی واداشت.

سبزواری، حمید: حسین ممتحنی متخلّص به حمید سبزواری در سال ۱۳۰٤ در سبزوار زاده شد برخی از اشعار وی مربوط به قبل از انقلاب و بخش عمده‌ی آن مربوط به پس از انقلاب است. از مجموعه‌هایی که تاکنون چاپ کرده، می‌توان به «سرود سپید» و «سرود درد» اشاره کرد.

سِروانتس: میگل سروانتس (۱٦۱٦-۱۵٤۷) نویسنده‌ی مشهور اسپانیایی که مشهورترین اثر او «دُن کیشوت» نام دارد. این اثر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. سروانتش زندگی پرفرازونشیبی داشت.

سلجوقیان: خاندانی ترک که از سال ٤۲۹ تا ۷۰۰ بر بخش عظیمی از آسیای غربی حکومت کردند. سلجوقیان در نقاط مختلف شعبی داشتند چون شام، عراق و کردستان، روم و کرمان. در این عهد ادبیّات رو به کمال رفت و شاعران بزرگی پدید آمدند.

سلطان محمود: ملقّب به یمین‌الدّوله (٤۲۱-۳۸۷) فرزند ارشد سبکتکین از مقتدرترین شاهان غزنوی است. وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید، ۳۳ سال حکومت کرد.

سلطان مسعود: فرزند سلطان محمود (۵۰۹-٤۵۲) پادشاهی کریم و دادگستر بود در سال ٤۹۳ به سلطنت رسید. دوره‌ی حکومت وی آرامشی نسبی برقرار بود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

سنایی غزنوی: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و صاحب مثنوی بزرگ «حدیقه‌الحقیقه» است. از آثار دیگر وی به «طریق‌التحقیق» ، «سیرالعباد الی‌المعاد» و «کارنامه‌ی بلخ» می‌توان اشاره کرد.

سندبادنامه: از کتاب‌های داستان قدیم بود که موضوع آن را از موضوعات کتاب سندباد حکیم هند می‌دانسته‌اند. این کتاب ابتدا به دستور نوح بن منصور به فارسی دری ترجمه شد. ظهیری سمرقندی ترجمه‌ای دیگر از این کتاب کرد و ازرقی شاعر نیز آن را به نظم درآورد.

سیاست‌نامه: یا سِیَرالملوک کتابی است به فارسی اثر نظام‌الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در پنجاه فصل گرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیّات چندین ساله این وزیر دانشمند است.

سیستان: یا سگستان نام قدیم آن زرنگ بود. این سرزمین در گذشته بسیار آباد بوده و انبار گندم ایران به شمار می‌رفته امّا اکنون سطح کاشت کم شده است. مرکز سیستان شهر زابل است.

سیمرغ «عنقا»: پرنده‌ای افسانه‌ای که بر کوه البرز جا و مکان دارد. وی پرورنده‌ی زالِ جهان پهلوان و پدر رستم است. سیمرغ همواره حامی خاندان زال بود. این پرنده‌ی افسانه‌ای جز در اسطوره‌های حماسی، در عرفان و ادب و هنر، نیز به گونه‌های مختلف وارد شده است.

شارلمان: شارل اوّل (۸۱٤-۷۲۲ م.) از پادشاهان فرانسه که جنگ‌های زیادی انجام داد. وی امپراتوری کوتاه‌مدّتی را به نام کارولنژین بنیان نهاد.

شریعتی، علی: دکتر علی شریعتی (۱۳۵٦-۱۳۱۲) فرزند استاد محمّدتقی شریعتی اهل مزینان نویسنده، متفکّر و جامعه‌شناس معاصر بود که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در مشهد تحصیلات عالی را در فرانسه و در رشته‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی مذهبی پایان برد. سرانجام در سال ۱۳۵٦ به شهادت رسید. از جمله آثارش می‌توان به «فاطمه فاطمه است» ، «کویر» ، «هبوط» ، «مسئولیت شیعه بودن» و ... اشاره کرد.

شکسپیر، ویلیام (۱۶۱۶-۱۵۶۴ م.): بزرگ‌ترین شاعر درام‌نویس انگلستان. وی کار خود را با بازی‌گری در گروه «بازی‌گران مخصوص ملکه» و نمایش‌نامه‌نویسی آغاز کرد و به عنوان بازیگری بزرگ شهرت یافت. وی را پدر نمایش‌نامه‌نویس انگلستان شمرده‌اند. شکسپیر موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌هایش را از تاریخ روم باستان گرفته و سبک او به مکتب کلاسیسم تعلّق دارد.

عراقی، فخرالدّین (۶۸۸-۶۱۰): از عارفان و شاعران نام‌آور قرن هفتم است. در همدان متولّد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت و در هجده سالگی به مولتان هندوستان رفت و در خدمت شیخ بهاءالدّین زکریّا به سلوک پرداخت و چند سال بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قونیّه به مجلس شیخ صدرالدّین قونیوی راه یافت و کتاب لمعات را در آن‌جا نوشت. وی در دمشق درگذشت.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

علی‌پور، مصطفی: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی مجموعه شعر «از کلوی کوچک رود» از آثار اوست.

عطار: شیخ فریدالدّین (۶۱۸-۵۴۰) شاعر و عارف معروف ایرانی است. گفته‌اند پدر او عطّار (داروفروش) بود و فریدالدّین کار او را دنبال کرد. وی پس از انقلاب باطنی، چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. وی آثار بسیاری به وجود آورده که «تذکرةالاولیا» ، «منطق‌الطّیر» و «الهی‌نامه» و ... از آن جمله است.

عمّان: دریایی است منشعب از اقیانوس هند، در جنوب پاکستان و ایران و مشرق شبه جزیره‌ی عربستان که به وسیله‌ی تنگه‌ی هرمز از خلیج‌فارس جدا می‌گردد.

غدیر خم: ابگیری است بین مکّه و مدینه و از آن جهت میان مسلمانان حایز اهمّیّت است که حضرت پیامبر (ص) در هنگام برگشتن از حجةالوداع در این ناحیه خطبه‌ای ایراد کرد و امیر مؤمنان را به جانشینی خود برگزید.

قابوس‌نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر. نام قابوس‌نامه از نام مؤلّف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قابیل: پسر آدم و حوّاست. وی از قبول رأی پدر در باب ازدواج سرپیچید و کار به قربانی واگذار شد. امّا قربانی او در درگاه خداوند پذیرفته نشد و همین امر خشم او را بیشتر نمود و هابیل را با سنگ بکشت.

قبطیان: جِ قبطی، منسوب به قبط (Egypte) سکنه‌ی قدیم کشور مصر.

قتیبه: ابن مسلم مروانی، وی در سال ۸۵ هـ . ق. از طرف حجّاج به جای یزیدبن مهلّب حاکم خراسان شد.

قزّاق: قومی از تاتار، سربازی که تحت نظر نظامیان روسی تربیت شده باشد، سرباز دوره‌ی قاجار

قزوه، علی‌رضا: شاعر و نویسنده‌ی معاصر مجموعه شعرهای «از نخلستان تا خیابان» و «شبلی در آتش» از آثار اوست.

قشقایی: ناحیه‌ای است در فارس شامل نقاطی که ایل قشقایی در تابستان و زمستان در آن‌جا سکونت دارند، نام ایلی در فارس

کابل: در قدیم به خطه‌ای وسیع و مرتفع که اکنون قسمت شمالی افغانستان را تشکیل می‌دهد، می‌گفته‌اند.

کانترپوری: شهری است در جنوب خاوری انگلستان

کسرایی، سیاوش: شاعر معاصر مجموعه شعرهای: «با دماوند خاموش» ، «از قرق تا خروسخوان» ، «خانگی» و «آرش» از آثار اوست.

کلئوپاترا: نام هفت تن از ملکه‌های مصر که معروف‌ترین آن‌ها کلئوپاترای هفتم است. وی با زیبایی خیره‌کننده‌ی خود قیصر و آنتنیوس را شیفته ساخت و پس از مرگ آنتنیوس خود را با نیش افعی کشت.

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

کویر: کتابی از دکتر علی شریعتی، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی درباره‌ی موضوعات مختلف است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

کیان: سلسله‌ای از پادشاهان ایران باستان، این سلسله بعد از شاهان پیشدادی به حکومت رسیدند.

گرگانی، فخرالدّین اسعد: شاعر و داستان‌سرای ایرانی (فوت پس از ٤٦٦ هـ .) منظومه‌ی «ویس و رامین» از آثار اوست.

گشتاسب: پسر لهراسب شهریار سلسله‌ی کیان و پدر اسفندیار بود. مهم‌ترین جنگ او با ارجاسب تورانی بود که به شکست ارجاسب منتهی شد. وی با کتایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. گشتاسب دین زردشتی را پذیرفت.

مرزبان‌نامه: کتابی است شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی به زبان حیوانات با محتوایی پندآمیز که مرزبان بن رستم از شاهان طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم سعدالدّین وراوینی آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای نثری مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است.

مرصادالعباد من‌المبدأ الی‌المعاد: این کتاب در علم تصوّف، اخلاق و آداب معاش و معاد است که نجم‌الدّین دایه آن را به نام علاالدین کیقباد پادشاه سلجوقی در سال ٦٢٥ تألیف کرده است. نثر کتاب گاهی ساده و مرسل و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات، احادیث و آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.

مظفرالدّین شاه: پنجمین شاه قاجار و پسر ناصرالدّین شاه است. وی در پنج سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و به مدّت چهل سال ولیعهد و حاکم آذربایجان بود. چند بار به اروپا سفر کرد و برای تأمین مخارج آن دو بار از روس‌ها قرض گرفت و در عوض کمرک شمال و شیلات دریای خزر را به روس‌ها واگذار کرد. وی در سال ١٣٢٤ فرمان مشروطیّت را صادر کرد و در همان سال قانون اساسی را امضاء کرد و پنج روز پس از آن از دنیا رفت.

معبد پانتئون: بنای مشهوری که در وسط میدان مارس شهر رم واقع شده است. در آن‌جا همه‌ی رب‌النوع‌ها را عبادت می‌کردند. ویپسانیوس آن را با آجر و روپوش مرمر بنا کرد.

ملاقات در شب آفتابی: یکی از رمان‌های علی مؤذّنی نویسنده‌ی معاصر است.

منطق‌الطّیر: منظومه‌ای عرفانی و از آثار معروف شیخ فریدالدّین عطار نیشابوری در ٤٦٠٠ بیت است. در این اثر افکار عرفانی و شیوه‌ی سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. این کتاب از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطّار در آن قدرت تخیّل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفت‌وگوی پرندگان، حکایت‌ها و تمثیل‌های شیرین آورده است.

مولوی: مولانا جلال‌الدّین محمّد بن بهاءالدّین محمّد بن حسین الخطیبی معروف به مولوی یا ملّای روم از بزرگ‌ترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولّد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیّه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. وی در کودکی در نیشابور با عطّار ملاقات داشت که طی آن عطّار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به مولوی اهدا کرد. آثار او عبارت‌اند از: «مثنوی» ، «دیوان شمس» ، «فیه‌مافیه» ، «مجالس سبعه» و «مکاتیب».

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ناپلئون بناپارت (۱۸۲۱–۱۷۶۹): وی در فرانسه متولّد شد. در سال ۱۷۸۵ به خدمت ارتش وارد شد و پس از مدّتی در اثر پیروزی‌های چشم‌گیری به مقامات بالای دولتی نایل شد. در جنگ با روس‌ها به سختی شکست خورد و عاقبت به دست انگلیسی‌ها اسیر شده و در جزیره‌ی سنت‌هلن به مرض سرطان درگذشت.

ناصرالدّین شاه: پسر محمّد شاه قاجار بود. در سال ۱۲٦٤ پس از مرگ پدرش در تبریز به سلطنت رسید. حدود پنجاه سال سلطنت کرد و در ٦٦ سالگی به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب گلوله‌ی طپانچه به قتل رسید. در ابتدای سلطنت به یاری امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات زد و چند بار به اروپا سفر کرد.

نجم‌الدّین رازی: معروف به نجم دایه از عارفان مشهور دوره‌ی مغول (قرن هفتم) است. معروف‌ترین اثر او «مرصادالعباد» به نثر است. او در قونیّه با مولوی ملاقات داشته است. وی علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سروده به خصوص به سبک سنایی گرایش فراوانی داشته است.

ناصر خسرو: حکیم ابو معین ناصر بن حارث قبادیانی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹٤ در قبادیان بلخ به دنیا آمد ناصر خسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار» ، «سفرنامه» ، «زادالمسافرین»، «وجه دین» ، «خوان اخوان» و ... .

نصرالله منشی: نویسنده‌ی و مترجم توانای کلیله و دمنه است. وی در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان در دربار بهرام شاه این کتاب معتبر را از عربی به پارسی سنجیده و منزّین ترجمه کرد.

نظامی گنجوی: نظامی از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران در قرن ششم است. وی بیشتر عمر خود را به عزلت و انزوا گذرانده است و به همین دلیل رفتارش با سلاطین بسیار ساده بوده و پادشاهان برای او احترام زیادی قایل بودند. آثار او عبارت‌اند از: «مخزن‌الاسرار»، «خسرو و شیرین» ، «هفت پیکر» یا «بهرام‌نامه» ، «اسکندرنامه». نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حدّ کمال برساند. نیروی تخیّل او در وصف بسیار قوی است.

واترلو: ناپلئون اوّل پس از عزل از امپراتوری مدّتی در آلپ به حکمرانی پرداخت امّا در سال ۱۸۱۵ از آلپ گریخت و به پاریس آمد و مدت صد روز به حکومت خود ادامه داد. امّا در جنگ معروف واترلو به حکومت صد روزه‌ی او خاتمه داده شد. واترلو نام دهکده‌ای نزدیک بروکسل در بلژیک است.

ویس و رامین: از داستان‌های قدیم فارسی و منسوب به دوره‌ی اشکانیان است. فخرالدّین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم این داستان را به خواهش خواجه عمید ابوالفتح مظفّر نیشابوری حاکم اصفهان به نظم کشیده است. سبک آن ساده، روان و به دور از مغلق‌گویی است. لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و لغت‌های کهنه‌ی فارسی زیاد در آن دیده می‌شود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ویکتور هوگو: مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. (۱۸۵۵ – ۱۸۰۲ م.) در ردیف بزرگ‌ترین گویندگان و ادیان اجتماعی جهان است وی مردی آزادمنش و آزادی‌خواه و طرفدار جدّی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات محروم و رنجبر بود. وی بر اثر مخالفت با ناپلئون سوم از سیاست کناره‌گیری کرد و مدّت بیست سال در تبعید به سر برده است. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بینوایان» ، «کلیسای نتردام پاریس» ، «کارگران دریا» ، «مردی که می‌خندد» و ... .

هرکول: محبوب‌ترین پهلوان افسانه‌های یونانی و رومی که به خاطر قدرت فوق‌العاده و شجاعتش معروف است. او پسر زئوس و آلکمن بود. هرا خواهر زئوس از او نفرت داشت و به همین دلیل دو مار برای کشتنش به سر گهواره‌ی او فرستاد. امّا هرکول آن دو را خفه کرد. ائوریستئوس پادشاه وقت او را تطهیر کرد و به انجام دوازده کار مشکل واداشت که به خان‌های دوازده‌گانه معروف است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تاریخ ادبیات پیش‌دانشگاهی

نی‌نامه: هجده بیت اول مثنوی معنوی مولانا به «نی‌نامه» شهرت یافته است.

صحیفه‌ی سجادیه: مجموعه‌ای از نیایش‌های امام سجاد (ع) می‌باشد و لبریز از معارف و آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی است.

یوسفی، غلامحسین: از محققان و نویسندگان دانشگاهی در تهران و مشهد بوده است و در سال ۱۳۰۶ در مشهد متولّد و در سال ۱۳۶۹ در تهران درگذشت. آثار او عبارتند است از: «دیداری با اهل قلم» ، «برگ‌هایی در آغوش باد» ، «چشمه‌ی روشن» و «تصحیح بوستان و گلستان سعدی».

نمونه‌های موفق شعر غنایی

تغزل: رودکی، سعدی و حافظ

عرفان: سنایی، عطّار، مولوی و حافظ

مناجات‌نامه: سنایی و وحشی‌بافقی

هجو، هزل و طنز: سوزنی سمرقندی، انوری و عبید زاکانی

مرثیه: رودکی، سعدی، خاقانی و محتشم کاشانی

حبسیه: مسعود سعد سلمان، خاقانی و فرخی یزدی

شکواییه: رودکی، ناصر خسرو و خیام

ساقی‌نامه: نظامی، حافظ، رضی‌الدّین آرتیمانی

مدیحه‌سرایی: عنصری، فرخی، منوچهری و انوری

منظومه‌های عاشقانه: عنصری، فخرالدّین اسعد گرگانی و نظامی

ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی: (فوت ٤٦٥) خالق «کشف‌المحجوب» است. این کتاب از جمله قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های فارسی در تصوف است.

منظومه‌ی خسرو شیرین: اثر نظامی گنجوی که بارها مورد تقلید شاعرانی مانند امیر خسرو دهلوی و وحشی‌بافقی قرار گرفته است.

شاه شیخ ابواسحاق: غزل دولت یار حافظ ناظر به سر کار آمدن حکومت ناروای امیر پیر حسین در شیراز و آغاز حکومت شاه شیخ ابواسحاق است او از محبوب‌ترین و ممدوحان حافظ است وی در پایان به دست امیر مبارزالدّین شکست خورد و اعلام شد.

بیدل دهلوی، عبدالقادر: نماینده‌ی تمام عیار اسلوب هندی است که این سبک به خیال‌بندی و نازک‌اندیشی و به کار بردن مضمون‌های بدیع مشهور است. این شاعر قرن یازدهم و دوازدهم برای ایرانی‌ها ناشناخته مانده ولی در شبه‌قاره‌ی هند و تاجیکستان از شهرت برخوردار است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

حکیمی، محمدرضا: از نویسندگان معاصر است که نوشته‌های او در زمینه مسائل دینی و اعتقادی می‌باشد. مشهورترین اثر او «ادبیات و تعهد در اسلام و الحیاه» است.

ایرج میرزا: متوفی به سال ۱۳۰٤ هـ . ش. شاعری است که با زبانی چالاک از گفتارهای ساده‌ی روزانه مردم به شیوه‌ی هنرمندانه بهره جسته است.

طباطبایی، محمّدحسین: این استاد و علامه در سال ۱۲۸۱ هـ . ش. متولّد و در آبان ۱۳٦۰ در قم رحلت نمود. تفسیر سترگ المیزان و اصول فلسفه و روش رئالیسم از آثار اوست.

امام خمینی: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۲۷۹ هـ . ش. در خمین متولد شد و در ۱٤ خرداد ۱۳٦۸ به ملکوت اعلی پیوست. از آثار متعدد ایشان می‌توان به چهل حدیث اشاره کرد.

سعدی‌نامه (بوستان): سعدی آن را در سال ٦٥٥ پس از بازگشت از سفر بر وزن شاهنامه در ده باب تنظیم نمود.

تذکرةالاولیا: تنها اثر منثور باقی‌مانده از عطّار است که شرح حال ۷۲ تن از عارفان بزرگ است. پس از عطّار شخص ناشناسی بیست‌وپنج بخش بر آن افزوده که پرمایگی بخش اصلی را ندارد.

اعتصامی، پروین: (۱۳۲۰–۱۲۸۵ هـ . ش.) مشهورترین شاعر زن ایرانی است که در دیوان او از ۲٤۸ قطعه شعر، ٦٥ شعر حالت مناظره دارد. مناظره‌ی «مست و هوشیار» از بهترین قطعات وی است.

ملک‌الشعرای بهار، محمّدتقی: (۱۳۳۰–۱۲٦٦ هـ . ش.) شاعر، محقق، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. شهرت عمده‌ی وی برای قصایدش است و قصیده‌ی دماوندیه‌ی دوم او که در سال ۱۳۰۱ سرود از زیباترین قصاید فارسی است.

آل احمد، جلال: (۱۳٤۸–۱۳۰۲ هـ . ش.) داستان‌نویس معاصر است که در زمینه‌هایی چون داستان، سفرنامه، مقالات و تک‌نگاری آثاری ارزشمند از خو بر جای نهاده است. «اورازان» یکی از تک‌نگاری‌های اوست.

محمّد بن منّور: نواده‌ی ابوسعید ابوالفیر (عارف نامی قرن پنجم) «اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید» را در احوال جد خود در سه باب نگاشته است.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸–۱۳۰۱ هـ . ش.): نویسنده، محقق و نقاد بزرگ معاصر است. زمینه‌ی اصلی تألیفات و تحقیقات او نقد ادب و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی ایران است. از آثار او می‌توان به کتاب‌های «با کاروان حلّه» ، «شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب» ، «فرار از مدرسه» ، «بصر در کوزه» ، «سرّنی» ، «بامداد اسلام» ، «ارزش میراث صوفیه» ، «جست‌وجو در تصوف» و «پلّه‌پلّه تا ملاقات خدا» اشاره کرد.

اسلامی ندوشن، محمّدعلی: در سال ۱۳۰٤ در ندوشن یزد متولد متولّد شد و با دو اثر به نام‌های «کنار» و «چشمه» شناخته شد. و حاصل

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

سال‌ها جهان‌گردی خود را در کتاب‌های «در کشور شوراها» ، « کارنامه‌ی سفر چین» ، «آزادی مجسمه» و «صفیر سیمرغ» آورده است. وی فارغ‌التحصیل دکترای حقوق از دانشکده سوربن فرانسه است. کتاب «روزها» یکی از نمونه‌های برجسته‌ی حسب حال وی در زبان فارسی است.

مصاحب، غلامحسین: سرپرست گردآوری «دایرةالمعارف فارسی» در سه جلد است که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد.

مستوفی، عبدا...: نویسنده‌ی «شرح زندگانی من» در سال ۱۲۹٤ هـ . ق. در سرچشمه‌ی تهران متولّد شد. او از اوّلین فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی بود که به ابتکار میرزا حسن خان مشیرالدوله تأسیس شده بود. از وی آثاری چون ترجمه‌ی «انقلاب کبیر فرانسه» ، «ابطال‌الباطل» ، «محاکمه‌ی انسان و حیوان» و «چهل ساعت محاکمه» برجای مانده است.

دوده، آلفونس (۱۸۹۷-۱۸۴۰): از نویسندگان نامدار فرانسه است و صاحب آثاری چون «نامه‌های آسیاب من» و «قصه‌های دوشنبه» می‌باشد.

نهج‌البلاغه: مجموعه‌ی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) است. این کتاب به همت سید رضی (٤۰٦-۳۵۹ هـ . ق.) گردآوری شد و استاد سید جعفر شهیدی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

یوهان ولفگانگ گوته: شاعر و حکیم آلمانی (۱۸۳۲-۱۷٤۹) که به ادبیات جهان خویش تأثیری ژرف داشته است. او در پزشکی و علوم طبیعی نیز مطالعاتی داشته و کتاب‌هایی مانند «تغییر حال گیاهان» و «تئوری رنگ‌ها» را نوشت.

مهم‌ترین آثار ادبی او عبارتند از: «ورتر» «فاوست» ، «اگمونت» ، «نغمه‌های رومی» و «دیوان شرقی — غربی». او شیفته‌ی حافظ بود.

اخوان ثالث، مهدی: (م امید) از موفق‌ترین شاعران شعر نیمایی است. او صاحب آثاری چون «زمستان» ، «آخر شاهنامه» و کتاب‌های «ارغنون» ، «از این اوستا» ، «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» ، «در حیاط کوچک پائیز در زندان» ، «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» و «عطا و لقای نیمایوشیج» می‌باشد.

سپهری، سهراب: در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد. و صاحب آثاری مانند: «مرگ رنگ» ، «زندگی خواب‌ها» ، «آوار آفتاب» ، «شرق اندوه» و «حجم سبز» می‌باشد.

آخرین مجموعه‌ی اشعار او: «ما هیچ ما نگاه» با دیگر اشعارش در مجموعه‌ی «هشت کتاب» منتشر شد.

رحمانی، محمّدرضا (۱۳۷۰-۱۳۰۸): مشهور به مهرداد اوستا است. از آثار او می‌توان به «تیرانا» و «پالیزبان» اشاره کرد.

هراتی، سلمان (۱۳۶۵-۱۳۳۹): از شاعران توانای انقلاب است. آثار او در سه مجموعه‌ی «آسمان سبز» ، «از این ستاره تا آن ستاره» و «دری به خانه خورشید» به چاپ رسیده است.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

آ

آب بردن: رونق و آبرو، آب بردن کنایه از آبروی کسی را بر باد دادن.

آبزن: حوض کوچک، حوضچه‌ای که از چینی یا آهن و مانند آن برای شست‌وشو سازند.

آرمان: آرزو، امید

آرنگ: آرنج

آژنگ: چین و شکنی که به واسطه‌ی خشم به چهره و ابرو و پیشانی افتد.

آونـد: معلّق

الف

ابلیس: شیطان، اهریمن

اتراق: (ترکی اوتراق) توقّف چند روزه در سفر به جایی

اجابت: برآوردن

اجرا: راندن، روان ساختن، جاری کردن، جیره مقرر کردن برای کسی

اختر سعد: مشتری است که «سعد اکبر» است.

ادرار: مقرّری، مستمرّی

اُرسی: نوعی درِ قدیمی که عمود باز و بسته می‌شود، مجازاً به اتاقی که دارای چنین درهایی بوده، «ارسی» می‌گفته‌اند.

ارغند: خشمگین و قهرآلود (در فرهنگ‌های فارسی ارغند را دلیر و شجاع معنی کرده‌اند.)

از ارپای چرمین: شلوار چرمین که لباس جماعت اوباش و ولگردها بوده است.

اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها، همچون اژدها هول‌انگیز و ترسناک

اساطیر: جمع اسطوره، افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم

استشهادنامه: گواهی‌نامه، استشهاد: طلب شهود برای گواهی یا اثبات حقی

استنکاف: سر باز زدن

اشباح: جمع شبح ← شبح: سیاهی‌ای که از دور به نظر رسد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در کلام مولانا کشتن روحِ کمال طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی است.

اصول: علم استنباط احکام فقهی

اعصار: روزگاران، دوره‌ها

اقبال: روی آوردن، نیک‌بختی، بخت و طالع (مقابل ادبار)

اقویا: قدرت‌مندان

اکسیر: جوهری که ماهیّت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر سازد؛ هر چیز مفید و کمیاب

انطباعات: (جمع انطباع) اداره‌ی نگارش

اورند: اورنگ، تخت، مجازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت

اهل صورت: متشرّعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند.

اهورا: به لغت اوستا وجود مطلق و هستی‌بخش، اهورامزدا.

اهورایی: منسوب به اهورا

ب

باب‌الطّاق: محلّه‌ای است بزرگ در بغداد

باجگاه: محلّ اخذ عوارض

بام: بامداد، صبحگاه

بازارگاه: کوچه‌ای سرپوشیده که از دو سوی، دارای دکّان‌ها باشد. در این‌جا مقصود اهل بازار

بدایت: آغاز، ابتدا

برگ: نوعی پارچه از پشم شتر

بِرّو بر: بِربِر= بادقّت، خیره خیره

بزه: گناه

بشاشت: تازه‌رویی، خوش‌رویی

بلاغت: چیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

بنگ: مادّه‌ای مخدّر که از شاه‌دانه به دست می‌آید.

بورشدن: شرمنده شدن، خجلت زده شدن

به گمان بودن: تردید داشتن

بهل: بگذار، رها کن

بی‌روزی: بی‌نوا و درویش

بیگاه: دیر

پ

پاژه: پاشویه

پای‌مردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت

پای‌مردان دیو: دست‌یاران حکومت، توجیه‌کنندگان حکومت بیداد

پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتّب

پس‌افکند: پس افکنده، پس‌افت، میراث

پشت‌پای: روی پای، سینه‌ی پای

پیچیدگی [در چشم]: مراد احولی و کج‌بینی است. کاژ

ت

تازی: عربی، (در این‌جا مقصود اسب عربی است)

تَبَتُّل: از جهان بریدن، از مردم بریدن

تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت

تراویدن: چکیدن، تراوش کردن آب و شراب و امثال آن

ترنج: بالنگ، از مرکّبات

تریاق: پادزهر، ضدّزهر

تریدن=تریت: ریزه کردن نان در دوغ و آب‌گوشت و امثال آن

تعریض: به کنایه سخن گفتن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

تعلیمی: عصای سبکی که به دست گیرند.

تفقّد: دل‌جویی

تنزیل: فروفرستادن، نازل کردن (مقصود قرآن کریم است)

تنعّم: تن‌آسایی، خرو رفتن در نازونعمت

توخال: تخته‌های نازک و باریک که به سقف اتاق می‌کوبند و روی آن کاه‌گل یا گچ می‌کشند.

توسنی: سرکشی، عصیان (صفت اسب)

تهجّد: شب‌بیداری، شب زنده‌داری

تیز تیز: با خشم

ج

جاذبه: جذب‌کننده، رباینده

جدل: علم یا فنّ مناظره و استدلال

جرگه: گروه، زمره

جلودار: نوکری که عنان اسب را می‌گیرد و پیشاپیش پیاده می‌رود.

جولان: گردیدن، دور زدن

جلی: آشکار، روشن

چ

چاروادار: چهاروادار، چهارپادار، کسی که حیوانات بارکش را می‌راند یا با آن‌ها باربری می‌کند.

چغز: قورباغه

چوک: مرغی است مانند بغد که خود را از درخت آویزان سازد و فریاد کند؛ شباویز، مرغ حق

چینه: دیوار گلی

ح

حادی: حدی خوان، سرودخوان

حجاب: پرده و در اصطلاح عرفا، موانعی را گویند که میان عاشق و معشوق باشد و هر چیز که مطلوب را بپوشاند.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

حد: مجازات شرعی

حُدی: سرود و آوازی که ساربان عرب خوانند تا شتران تیزتر روند

حشیش: سرشاخه‌های گل‌دار گیاه شاه‌دانه که آن‌ها را خشک می‌کنند و پس از آماده‌سازی، می‌جوند یا دود می‌کنند.

حصین: محکم

حضیض: نشیب، بستی، (مقابل اوج)

حی: قبیله

خ

خانقاه: محلّی که درویشان و مرشدان در آن سکونت می‌کردند و رسوم و آداب تصوّف را اجرا می‌نمودند.

خرقه: در لغت به معنی جامه‌ی ضخیم و چندتکّه که اهل تصوّف می‌پوشیدند.

خضاب: آن‌چه سروصورت یا پوست را بدان رنگ کنند؛ مانند وسمه، حنا، گلگونه

خوّاص: زنبیل‌باف و خوص به معنی لیف خرماست که از آن سبد می‌باختند.

خوالیگر: آشپز، طباخ

د

دار ضیف: مهمان‌سرا، مهمان‌خانه

داروغه: نگهبان

داشتن: حفاظت کردن، پاییدن، حرمت کردن، نواختن

دافعه: دفع‌کننده، قوّه‌ای که نیروی دیگری را دفع کند، مقابل جاذبه

دخمه: سردابه‌ای که مردگان را در آن نهند؛ گورستان زردشتیان

دُرّاعه: جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو بپوشند؛ جبّه

در جوشیدن: آشوب کردن

درزه: بسته

درفش کاویان [اختر کاویان]: درفش ملّی ایران در عهد ساسانی

دروزخ: صورتی نادر از کلمه‌ی دوزخ

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

دریوزگی: بی‌نوایی، گدایی

دژم: خشمگین

دستگاه: قدرت، ثروت، شوکت، دولت

دستور: اجازه، راهنما، وزیر

دشت: دست‌لاف، پیش‌مزد، فروش اوّل هر کاسب

دوگان: دودو، دوتا دوتا

دولاب: نوعی چرخ آب‌کشی

دهشت: سرگشتگی، حیرت، تعجّب، اضطراب، ترس

دیده‌ور: بینا

دیشلمه: چایی که شکر یا قند در آن حل نکرده باشند بلکه قند را در دهن گذارند و چای را به شیرینی آن خورند؛ قند پهلو

ر

رأی زدن: مشورت کردن

رایت: عَلَم، بیرق

رجم: سنگ‌زدن

رخام: نوعی سنگ مرمر با رگه‌هایی به رنگ قهوه‌ای و زرد و سبز

رسومات: تشریفات

رعب: ترسیدن، فزع کردن، ترس، بیم

رند: در اصل به معنی مردمان بی‌سروپاست ولی در شعر حافظ، انسان کامل یا ولی خداست.

روستاق: معرّب روستا

ریاضت: تحمّل رنج و تعب برای تهذیب نفس

رؤیت: دیدن

ز

زاویه: کنج، گوشه، اتاقی در خانقاه و مانند آن که به خلوت و ریاضت سالکان و فقرا اختصاص دارد.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

زخم‌درای: ضربه پتک، درای در اصل زنگ کاروان است.

زغن: کلاغ

زلازل: جمع زلزله

زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین

زی: لباس و پوشش خاصّ هر صنف

س

سَبُعیّت: درندگی

سپَردن: پای‌مال کردن و زیرپا گذاشتن

ستردن: پاک کردن

ستیهندگی: ستیزندگی، لجاجت

سجستانی: سیستانی، اهل سیستان

سُفره: تمسخر، ریشخند

سرکردن: آغاز کردن

سرگرانی: خودپرستی و غرور

سفله: پست، فرومایه

سلّمنا: پذیرفتم (در اصطلاح)

سمند: اسب زرد رنگ

سِن: صحنه‌ی نمایش

سو: دید، توان بینایی

سواد: آبادی، (در متن ناصر خسرو)

سورُت: تندی، تیزی؛ شدّت اثر

سیاه چادر: خیمه‌های سیاه‌رنگ که کولیان و صحرانشینان در دشت و صحرا برای سکونت برپا کنند؛ سیاه‌خانه

ش

شاباش: شادباش، طلا یا پولی که بر سر عروس یا داماد ریزند.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

شاطر: چالاک، چابک

شامورتی: اصطلاح حقّه‌بازی؛ حقه‌ی مخصوصی که حقّه‌بازان با آن عملیات مخیّرالعقول انجام دهند.

شبتاب: کرم شب‌تاب؛ آن‌چه در شب بدرخشد

شرحه شرحه: پاره‌پاره (شرحه: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند)

شرنگ: زهر، سم، هر چیز تلخ

شکر خنده: خنده‌ی شیرین، خنده‌ی دل‌نواز

شلیطه: شلیته؛ نوعی دامن گشاد و پرچین و کوتاه که در قدیم زنان روی شلوار می‌پوشیدند.

شمار گرفتن: حساب پس دادن

شوخ چشم: گستاخ

شیر سپهر: آفتاب (به اعتبار آن که برج اسدخانه‌ی اوست)

شیر شرزه: شیر خشمگین

ص

صحبت: مصاحبت، هم‌نشینی

صعوه: پرنده‌ای کوچک به اندازه‌ی گنجشک

صفدر: کسی که صفّ لشکر را می‌درد، دلیر

صورت بستن: تصوّر کردن

ض

ضماد کردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن

ضیاع: جمع ضیعه، زمین و آب و درخت

ضیف: مهمان

ط

طرد: راندن

طفیل: کسی که ناخوانده به مهمانی رود؛ انگل، به صورت انگل

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ع

عتبات: مشاهد و آرامگاه‌های متبرکه مانند آرمگاهِ حضرت علی (ع) و حضرت امام حسین (ع) و دیگر مزارهای امامان

عرّاده: وسیله‌ای کوچک‌تر از منجنیق که در جنگ‌های قدیم برای پرتاب کردن سنگ به کار برده می‌شد؛ به واحد شمارش توپ نیز گفته می‌شود.

عرایض: جمع عریضه، نامه‌ی شکایت

عشر: نوعی مالیّات، معادل $\frac{۱}{۱۰}$

عنایت: توجّه

عواید: جمع عایده، درآمدها، فواید، منافع

عیار: ابزار سنجش، سنگ محک

عیَوق: ستاره‌ای است سرخ‌رنگ و روشن در کنار راست کهکشان که پس از ثریّا طلوع می‌کند و پیش از آن غروب می‌کند. مظهر دوری و روشنایی و بلندی است.

غ

غالیه: از عطریّات و مرکّب از مواد خوش‌بو از قبیل مُشک، عنبر، کافور ... با رنگ سیاه

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرایب: جمع غریبه، نادر، نو

غریو: بانگ و فریاد، هیاهو

غو: داد‌وفریاد، خروش

غیرت: حمیّت، ناموس‌پرستی؛ حمیّت محبّ است بر طلب قطع تعلّق نظر محبوب از غیر یا تعلّق غیر از محبوب.

ف

فاق: چاک زدن، شکاف نوک قلم

فاضل: فاضلاب، آب زاید، باقی‌مانده‌ی آب

فال: شگون به زبان یا دل نیک آوردن، پیش‌بینی خوش‌بینانه (مشهورترین نوع فال زدن با دیوان حافظ صورت می‌گرفته است).

فتوح: حاصل شدن چیزی از آن‌چه توقّع نباشد؛ گشایشی که در حال و باطن سالک ایجاد شود؛ مال و نعمتی که درویش یا پیر می‌بخشند چون نذر و مانند آن.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

فتنه: آشوب، غوغا (در متن به معنی اختلاف در آرا و عقاید)

فتیان: جوان‌مردان

فر: [فرّه: فرّه] فروغی ایزدی است که به دل هر که بتابد، از همگنان برتری می‌یابد و از پرتو همین فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد و در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌شود.

فراست: دریافتن باطن چیزی به وسیله‌ی نگریستن به ظاهر آن، ادراک، زیرکی

فراغت: استراحت و آرامش

فرام: فریم (Frame)، قاب عینک

فسرده: یخ‌زده، منجمد

فصاحت: درستی و شیوایی؛ سخن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات خوش‌آهنگ و رایج و ترکیب‌بندی درست عبارات و جملات مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد.

فقه: علم فروع عملی احکام شرع

فَلَق: سپیده‌دم

فند=بند: مکر و حیله، پرفند: پرحیله، حیله‌گر

ق

قاصدک: کل قاصد، گیاهی است علفی و پایا از تیره‌ی مرکّبان. این گیاه به‌طور خودرو می‌روید.

قُبّه: بنای گنبدی‌شکل

قتیل: برخی موارد در زبان عربی فعیل به معنای مفعول است؛ از جمله این‌جا که به معنای مقتول و کشته شده می‌باشد.

قدّاره: قمه؛ نوعی از شمشیر

قدّاره‌بند: کسی که از قدّاره استفاده می‌کند.

قدوم: باز آمدن، وارد شدن

قضّه: ماجرا، ماوقع

قصور: نقص و کاستی، عیب

قلا کردن: کلک زدن، شیطنت کردن

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

قلماسنگ: قلاسنگ، فلاخن؛ آلتی که با آن سنگ اندازند.

قُمری: پرنده‌ای از راسته‌ی کبوتران، یاکریم

قو: چوب‌پنبه‌ای مانند که در آتش روشن کردن با چخماق استفاده می‌شد.

قهر: غلبه

قوّال: در این‌جا مقصود بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی است. (ر.ک. هفت صندوقی)

ک

کار از دست شدن: کار از کار گذشتن

کافور: مادّه‌ی معطر جامدی که از گیاهی چون ریحان و بابونه و چند نوع درخت به دست می‌آید.

کتیرا: صمغی است که از برخی گونه‌های گَوَن به دست می‌آید.

کرامت: در اصل بزرگواری‌ها و در اصطلاح صوفیّه امور خارق‌العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اخبار غیبی و اشراف بر ضمایر.

کران: حد، انتها

کشیک چی‌باشی: (باشی پسوند ترکی به معنی رییس است) رئیس پاسبانان و قراولان

کما (کمای): گیاهی است از تیره‌ی چتریان که با آن نوعی آش درست می‌کنند.

کنده: گودال، محل کنده‌شده که معرّب آن خندق است.

کولی: (کاولی، کابلی) طایفه‌ای از مردم بیابان‌گرد که در اقطار عالم پراکنده‌اند و عادات و رسوم و زبان خاصّ خود را دارند.

کهریز: کاریز، قنات، مجرای آب زیرزمینی

کهل: کسی که سنش بین سی تا پنجاه سال باشد.

گ

گراور: تصویری که بر روی صفحه‌های فلزی حکّاکی شود و در چاپ به‌کار رود.

گز: نام درختی است که در مناطق گرم می‌روید.

گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و هم‌کنبی منسوب به فریدون

گَون: گیاهی است که از صمغ آن کتیرا به دست می‌آید.

ل

لباس راسته: لباس دراز بی‌چین

لجام: لگام، دهانه، افسار

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

لنگ و لوک: آن‌که پا و دستش معیوب باشد؛ مجازاً ضعیف و ناتوان.

لهب: شعله‌ی آتش، زبانه‌ی آتش

م

ماحضر: آن‌چه حاضر بود؛ خوردنی اندک؛ حاضر: حاضری

متصوّفه: صوفیان

مجاور بودن: اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن

مجذوب: جذب‌شده، کسی است که خدای تعالی او را برای خود برگزیده و پاک گردانیده باشد.

مجلس گفتن: سخن‌رانی و وعظ در مسجد و خانقاه

محتسب: مأموری که کار وی نظارت بر اجرای احکام دین بود.

محضر: استشهادنامه؛ متنی که ضمّاک برای تبرئه‌ی خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

مرقّع: جامه‌ای که از چندتکّه دوخته شده باشد. خرقه و پشمینه‌ی صوفیان از این نوع بوده است.

مُزَکّی: پاک‌کننده؛ آن‌که شاهدان عادل را به پاکی و پارسایی توصیف کند.

مساعی: (جمع مسعی)، سعی‌ها، کوشش‌ها

مسلسل: در زنجیرشده

ممشبک: دارای شبکه، سوراخ‌سوراخ

مَشْرَعه: جای نوشیدن آب

معتکف: عزلت‌نشین، گوشه‌نشین

مصابیح: جمع مصباح چراغ

مُعَمّر: سال‌خورده

مغلول: بسته‌شده

مقاتلات: (جمع‌الجمع مقتل)، جنگ جای‌ها

مقام: اقامت

مقرّ: اقرارکننده، تأییدکننده

مُقری: خواننده؛ کسی که قرآن را با لحن و صوت بخواند.

مقهور: مغلوب، شکست‌خورده

ملاهی: جمع ملهی آلات لهو

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

ملکت: کشور، مملکت پادشاهی، سلطنت

مَنتشا: مأخوذ از نام شهر «منتشا»؛ عصایی مخصوص از چوب ستبر و گره‌دار که درویشان و قلندران با خود دارند.

منش: طبیعت، خو، خصلت

موافقت: همراهی

موجز: سخن کوتاه و رسا

مورّب: کج

موزّن: وزن ساز، شعرپرداز

مهجور: دور افتاده

مهمل: بیهوده، پوچ

مهین: بزرگ‌ترین، بزرگ

ن

نارنگ: مطلق مرکّبات و میوه‌های آن‌ها، نارنج

ناورد: نبرد، جنگ، مبارزه

ناوک: نوعی تیر کوچک که آن را در غلاف آهنین گذارند و از کمان سر دهد تا دورتر رود.

نایژه: لوله

نحس: نامبارک، بداختر

نحل: زنبور عسل

نغل: اصطلاحاً تابوت‌مانندی است که آن را با انواع شال‌ها و آینه‌ها می‌آرایند و مردم آن را در ایّام محرّم به عنوان نمادِ تابوت امام حسین (ع) به حرکت درمی‌آورند و چون آن را می‌آرایند به نغل موسوم گشته است. چنان‌که نغل و نغل‌بندی به معنی آرایش و آرایشگری است.

نخوت: تکّبر، خودپرستی

نذور: جمع نذر

نزهتگه: تفرّجگاه

نشئت: حالت سرخوشی و مستی

نظر: (اصطلاحی عرفانی)، مدد و عنایت‌الهی، بصیرت باطن، فراست

نعت: صفت، خصلت (بیش‌تر در مورد رسول خدا (ص)) استعمال می‌شود.

www.maktabestan.ir

www.maktabestan.ir

نفحه: مفرد نفحات، بوی خوش

نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند

نماز بردن: تعظیم و نیایش کردن

نیلفر: نیلوفر، گیاهی است پیچنده با گل‌هایی شیپورمانند.

و

واضع: وضع‌کننده، سازنده

وجد: واردی است که از حق تعالی بر دل تغییر دهد و حالاتی مانند حزن یا شادی همراه آورد.

وُرنایان: صورت قدیم برنایان

وقت: واردی است که از خداوند بر دل سالک که او را از گذشته و آینده، غافل می‌گرداند.

هـ

هتاکی: پرده‌دری، آبروریزی

هُرا: آواز مهیب

هَریوه: صفت نسبی منسوب به هرات؛ اهل هرات

هَزار: بلبل یا پرنده‌ای از خانواده‌ی بلبل (هزاردستان)

هفت صندوقی [دسته‌ی هفت صندوقی]: گروه‌های نمایشی دوره‌گردی بوده‌اند که با اجرای نمایش‌های روی حوضی، اسباب سرگرمی و خنده‌ی مردم را فراهم می‌کردند. این گروه‌ها وسایل و ابزار خود را در صندوق‌هایی می‌نهاده‌اند. پرجاذبه‌ترین و کامل‌ترین گروه آن‌هایی بودند که هفت صندوق داشته‌اند. به هر یک از بازیگران گروه نیز «قوّال» یا «قوّالک» می‌گفته‌اند.

همّت: در اصطلاح صوفیّه توجّه طالب است با تمام قوای روحانی خود به جانب حقّ برای حصول کمال برای خود یا دیگری.

هوْل: ترس، ترسناک

هَیون: اسب و شتر بزرگ

ی

یکّایک: ناگهان

www.maktabestan.ir